



مقدمه‌ناشر

دوتا فیلسوف رو دیدین که چهطوری با هم بحث می‌کنن؟ دمای بحثشون اونقدر می‌زنه بالا که آدم فکر می‌کنه دارن دعوا می‌کنن. غافل از ثانیه‌ها و دقیق، ساعت‌ها مجادله می‌کنن. شاید فقط برای دستشویی رفتن چند دقیقه‌ای کات کنن! (متی مواردی هم دیده شده که طرف از توی دستشویی هم بمشش رو دهنال می‌کنه). به نظرتون این شور و اشتیاق بی‌حد به بحث‌های فلسفی نشونه‌ی نوع عشق نیست؟ حتماً هست! فلسفه عشق به داناییه و بحث‌های فلسفی قولنج ذهن رو می‌شکونه و فکر رو گسترش می‌ده. برای همین همیشه می‌گم خوش به حال کسانی که می‌فلسفن!

خیلی ممنون از محمدجواد سه‌دهی و حمید سودیان عزیز که این کتاب خوب رو نوشتین و سپاس از سعید جان احمدپور؛ الحق و الانصاف کیفیت کتاب‌های انسانی‌مون رو از او داریم و مریم خانم طاهری و الهه خانم آرانی مرسی که با صبر و پیگیری‌های منظم‌تون این کتاب رو به سرانجام خوبی رسوندید.

بروبچه‌های تولید خیلی سبز خیلی کارتون درسته. مثل همیشه گل کاشتید. دم همتون از دم گرم.

فلسفه زندگی تان مستدام!

مقدمه مؤلفان

تفکر نقادانه نیاز امروز خیلی از ماهاست. تفکری که باعث بشه هر حرفی رو نپذیریم و دنبال هر کسی راه نیفتیم؛ بهتر بگم تفکری که یک‌جاهایی ترمزمون باشه و یک‌جاهایی هم محرکمون برای سرعت بیشتر. برای دستیابی به چنین تفکری باید قدرت تحلیل‌مون رو افزایش بدیم و هر حرفی که به گوشمون می‌رسه رو سبک سنگین کنیم؛ خلاصه‌یه کم بیشتر از عقلمون استفاده کنیم. البته این کار هم نیاز به تمرین و تکرار داره؛ یعنی هر حرفی رو شنیدیم یا خوندم باید حسابی تحلیل و بررسی و شاید هم نقد کنیم، شروعش هم می‌تونه با خود کتاب فلسفه باشه؛ یعنی در کتاب فلسفه هم هر حرفی رو راحت نپذیریم و سعی کنیم تفکر نقادانه داشته باشیم!

حالا که حرف اصلیمون رو زدیم، بریم سراغ کنکور و کتابی که الان دست شماست! چند سالی هست که درس فلسفه و منطق تبدیل شده به یکی از درس‌های تعیین‌کننده و نسبتاً دشوار کنکور انسانی؛ ما هم خیلی خوب نسبت به این مطلب آگاهییم؛ به خاطر همین در هر درس ابتدا یک درس‌نامه کامل و تحلیلی و پر از نکات کنکوری براتون نوشتیم که نکاتش حاصل سال‌ها تدریس کتاب درسیه و با دوستنشون کلی از تست‌ها به راحتی پاسخ داده می‌شه، پس این نکات رو از دست ندید! یه چیزی رو هم خوبه همین‌جا درباره درس‌نامه‌های فلسفه بهتون بگیم. کتاب‌های درسی فلسفه نظام جدید در سال‌های اول چندین بار با تغییرات گسترده روبه‌رو شدند تا بالاخره کتاب فلسفه ۱ در سال ۹۹ و کتاب فلسفه ۲ در سال ۱۴۰۰ به ثبات رسیدند. ما تمام تلاشمون رو کردیم که توی درس‌نامه‌ها دقیقاً متن اصلی کتاب درسی جدید رو خط‌به‌خط و موبه‌م توضیح بدیم و به قسمت‌های حذفی اصلاً نپردازیم که شما رو از کنکور دور نکنیم. اما خب شما احتمالاً بیرون این کتاب با تست‌هایی روبه‌رو خواهید شد که از کتاب درسی سال‌های قبل طراحی شدن و ممکنه نکات اون تست‌ها رو توی درس‌نامه‌های ما پیدا نکنید یا حتی احساس کنید طبق حرف ما اون تست‌ها غلط‌اند. اگر این‌جوری شد اصلاً نگران نباشید. بدونید که هر چی توی درس‌نامه‌های ما نباشه توی کنکور هم نیست و کنکور شما طبق همین مطالب میاد.

تو ادامه برای هر درس کلی تست طرح کردیم که علاوه بر تعداد مناسب، کیفیت و تنوع بالایی هم دارند. آخر تست‌های هر درس هم با تیتراژ **سوالات کمی دشوارتر** تست‌هایی که یک کم دشوارترن و شما رو برای مواجهه با تست‌های جون‌دارتر آماده می‌کنن، آوردیم تا بتونیم دانش‌آموزان با هر سطح علمی رو راضی نگه داریم و شما رو برای هر آزمونی آماده کنیم. برای همه این تست‌ها علاوه بر پاسخ کلیدی، پاسخ‌های تشریحی کامل (شامل تحلیل تست و رد گزینه‌های انحرافی و ...) هم آوردیم تا دیگه مشکلی باقی نمونه!

خلاصه باید بگیم برای موفقیت در فلسفه و منطق کنکور، حسابی می‌تونید روی این کتاب حساب کنید! امیدواریم بعد از استفاده از این کتاب خودتون به همه این چیزایی که گفتیم برسید!

در آخر لازم می‌دونیم پس از شکر خداوند، از تمام کسانی که در به نتیجه رسیدن این کار ما رو یاری کردن، تشکر کنیم! به خصوص از جناب مهندس سبزمیدانی و سعید احمدپور عزیز که حمایت‌هاشون همراهمون بود، از خانم آرانی که پیگیری‌های دلسوزانشون کار رو به سرانجام رسوند و ویراستاران محترم و تیم خوب تولید خیلی‌سبز که چنین کاری رو در دسترس شما قرار دادند.

برای همه این بزرگواران و همه شما عزیزان آرزوی موفقیت داریم.

موفق باشید.

فهرست

درس نهم	چیستی انسان (۱)	۲۶۸	۲۷۶
درس دهم	چیستی انسان (۲)	۲۸۲	۲۸۹
درس یازدهم	انسان، موجود اخلاق‌گرا	۲۹۴	۳۰۴
آزمون فلسفه			۳۱۰

فلسفه دوازدهم

درس‌نامه تست

درس اول	هستی و چیستی	۳۱۲	۳۱۹
درس دوم	جهان ممکنات	۳۲۶	۳۳۳
درس سوم	جهان علی و معلولی	۳۳۹	۳۴۹
درس چهارم	کدام تصویر از جهان؟	۳۵۸	۳۶۴
درس پنجم	خدا در فلسفه (۱)	۳۶۹	۳۷۸
درس ششم	خدا در فلسفه (۲)	۳۸۶	۳۹۴
درس هفتم	عقل در فلسفه (۱)	۴۰۲	۴۰۸
درس هشتم	عقل در فلسفه (۲)	۴۱۳	۴۱۹
درس نهم	آغاز فلسفه در جهان اسلام	۴۲۶	۴۳۱
درس دهم	دوره میانی	۴۳۷	۴۴۴
درس یازدهم	دوران متأخر	۴۵۰	۴۶۰
درس دوازدهم	حکمت معاصر	۴۶۶	۴۷۲
کنکور سراسری ۹۹			۴۷۶

پاسخ‌نامه

پاسخ‌نامه تشریحی			۴۸۱
پاسخ‌نامه کلیدی			۶۴۰

منطق

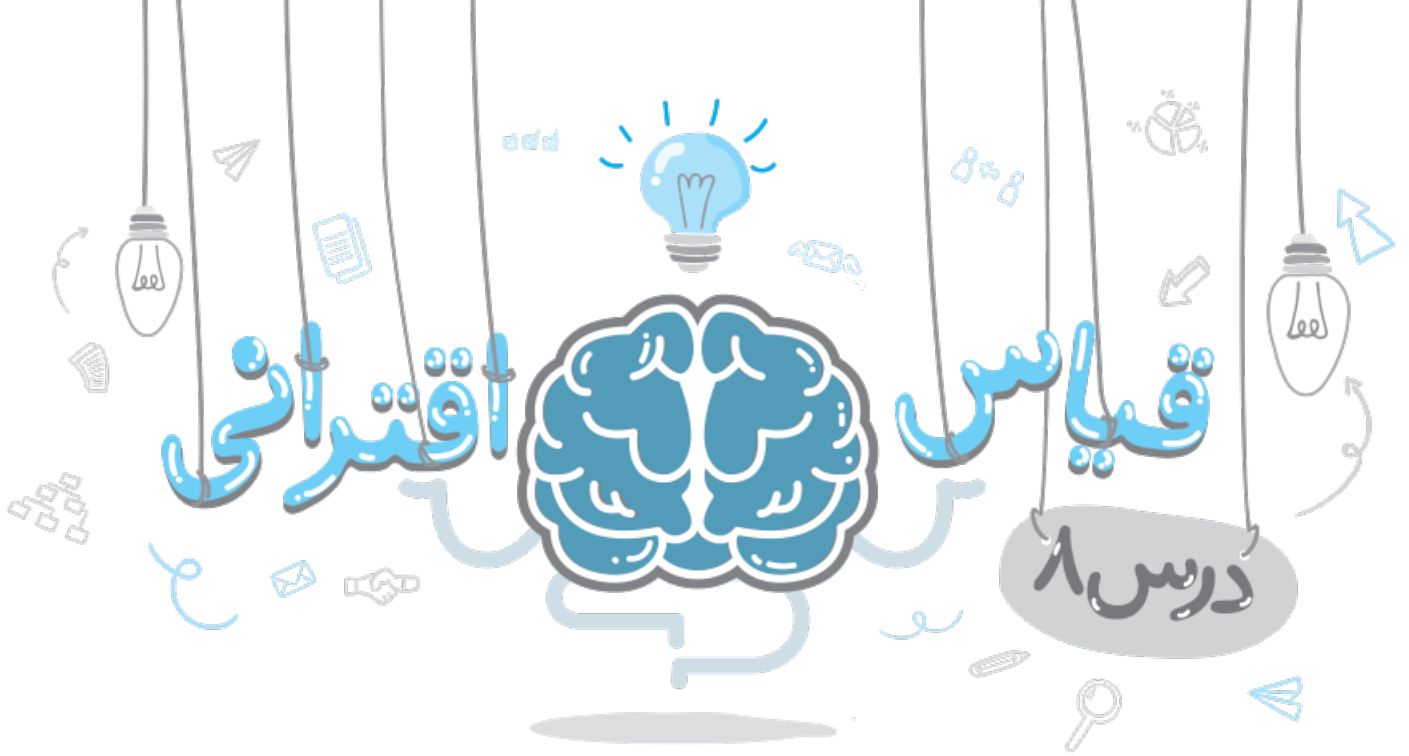
درس‌نامه تست

درس اول	منطق، ترازوی اندیشه	۸	۱۳
درس دوم	لفظ و معنا	۲۱	۲۶
درس سوم	مفهوم و مصداق	۳۲	۳۷
درس چهارم	اقسام و شرایط تعریف	۴۸	۵۴
درس پنجم	اقسام استدلال استقرایی	۶۲	۶۶
درس ششم	قضیه حملی	۷۴	۷۹
درس هفتم	احکام قضایا	۸۹	۹۷
درس هشتم	قیاس اقترانی	۱۰۵	۱۱۱
درس نهم	قضیه شرطی و قیاس استثنایی	۱۲۰	۱۲۶
درس دهم	سنجشگری در تفکر	۱۳۴	۱۳۹
آزمون منطق			۱۴۶

فلسفه یازدهم

درس‌نامه تست

درس اول	چیستی فلسفه	۱۴۹	۱۵۹
درس دوم	ریشه و شاخه‌های فلسفه	۱۶۵	۱۷۱
درس سوم	فلسفه و زندگی	۱۷۶	۱۸۲
درس چهارم	آغاز تاریخی فلسفه	۱۸۹	۱۹۶
درس پنجم	زندگی براساس اندیشه	۲۰۳	۲۱۰
درس ششم	امکان شناخت	۲۱۶	۲۲۵
درس هفتم	ابزارهای شناخت	۲۳۰	۲۳۹
درس هشتم	نگاهی به تاریخچه معرفت	۲۴۴	۲۶۱



نگاه گذرا

در این درس ابتدا با قیاس اقرانی آشنا می‌شویم و اجزای آن به خصوص «حد وسط» را به طور کامل می‌شناسیم و براساس جایگاه حد وسط، چهار شکل قیاس اقرانی را معرفی می‌کنیم و سپس به بیان مغالطه‌ای که مربوط به «حد وسط» است، یعنی مغالطه «عدم تکرار حد وسط» می‌پردازیم، بعد از آن با بحث از دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول به بررسی شرایط معتبر بودن قیاس می‌پردازیم و این شرایط را در سه مورد بیان می‌کنیم: ۱) هر دو مقدمه سالبه نباشند. ۲) حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشند. ۳) هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشتند، در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند؛ هر قیاس که این سه شرط را با هم داشته باشد قیاس معتبر محسوب می‌شود.

اصطلاحات جدید

قیاس اقرانی: قیاسی است که نتیجهٔ آن در میان دو مقدمه پخش شده است.
حد وسط: جزء مشترک دو مقدمهٔ قیاس اقرانی که در نتیجه حذف می‌شود.
مغالطهٔ عدم تکرار حد وسط: در صورتی که از قیاسی که حد وسط در آن تکرار نشده است، نتیجه‌گیری شود، فرد دچار مغالطهٔ «عدم تکرار حد وسط» می‌شود.

درس نامه

آنچه در درس پنجم دربارهٔ استدلال قیاسی دانستیم، این است که در **استدلال قیاسی** از مقدمات، ضرورتاً به نتیجه پی می‌بریم. استدلال قیاسی دو نوع دارد: ۱) قیاس اقرانی ۲) قیاس استثنایی؛ که در این درس به بررسی و توضیح قیاس اقرانی می‌پردازیم. **قیاس اقرانی، قیاسی است که اجزای نتیجهٔ آن در میان مقدمات پخش شده‌اند.** همان‌طور که در مثال زیر مشاهده می‌کنید «آهن» که موضوع نتیجه است در مقدمهٔ اول وجود دارد و «منبسط‌شونده در اثر حرارت» که محمول نتیجه است در مقدمهٔ دوم وجود دارد. مقدمهٔ اول: هر آهنی فلز است. مقدمهٔ دوم: هر فلزی منبسط‌شونده در اثر حرارت است. نتیجه: آهن منبسط‌شونده در اثر حرارت است.

اجزای قیاس اقرانی

قیاس اقرانی از دو مقدمه و یک نتیجه تشکیل شده است.
مقدمهٔ اول: مقدمه‌ای است که موضوع نتیجه در آن قرار دارد.
مقدمهٔ دوم: مقدمه‌ای است که محمول نتیجه در آن قرار دارد.
حد وسط: جزء مشترکی که در مقدمهٔ اول و دوم وجود دارد؛ اما در نتیجه حذف شده است. اگر حد وسط (جزء مشترک) وجود نداشته باشد، رابطه‌ای نیز میان دو قضیه برقرار نمی‌شود و نمی‌توان از آن‌ها نتیجه‌ای به دست آورد. به عبارت دیگر، موضوع یا محمول یک مقدمه با موضوع یا محمول مقدمهٔ دیگر یکسان و قرین است که آن را «حد وسط» می‌گویند و به همین دلیل به این نوع از قیاس، **قیاس اقرانی** می‌گویند.
نتیجه: موضوع نتیجهٔ قیاس اقرانی در مقدمهٔ اول و محمول نتیجهٔ قیاس اقرانی در مقدمهٔ دوم وجود دارد.
بیشتر بدانیم: به مقدمه‌ای که موضوع نتیجه در آن قرار دارد صغرا می‌گویند. (در این جا به آن مقدمهٔ اول می‌گوییم.) و به مقدمه‌ای که محمول نتیجه در آن قرار دارد کبرا می‌گویند. (در این جا به آن مقدمهٔ دوم می‌گوییم.)
 دو نوع قیاس اقرانی وجود دارد: ۱) قیاس اقرانی **حملی** ۲) قیاس اقرانی **شرطی**. در این درس به توضیح قیاس اقرانی **حملی** خواهیم پرداخت.

بیشتر بدانیم: قیاس اقترانی شرطی، قیاسی است که حداقل یکی از دو مقدمه آن قضیه‌ای شرطی باشد و نتیجه نیز شرطی باشد. قیاس اقترانی حملی متشکل از دو مقدمه حملی است که نتیجه آن نیز قطعاً قضیه‌ای حملی خواهد بود؛ مانند:
 - هر تهرانی ایرانی است. - هر ایرانی آسیایی است. - هر تهرانی آسیایی است.

اشکال قیاس اقترانی حملی

قیاس اقترانی حملی از لحاظ جایگاه حد وسط در دو مقدمه، چهار حالت پیدا می‌کند که به هر یک از این حالات یک شکل می‌گویند.
شکل اول: حد وسط در مقدمه اول محمول و در مقدمه دوم موضوع است.

- هر الف ب است. - هر ب ج است. - هر الف ج است.
- سقراط انسان است. - هر انسانی فانی است. - سقراط فانی است.

شکل دوم: حد وسط در هر دو مقدمه محمول است.

- هر الف ب است. - هیچ ج ب نیست. - هیچ الف ج نیست.
- هر سیب میوه است. - هیچ انسانی میوه نیست. - هیچ سیب انسان نیست.

شکل سوم: حد وسط در هر دو مقدمه موضوع است.

- هر ب الف است. - بعضی ب ج است. - بعضی الف ج است.
- هر انسانی متفکر است. - بعضی انسان‌ها نویسنده‌اند. - بعضی متفکران نویسنده هستند.

شکل چهارم: حد وسط در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم محمول است.

- هر ب الف است. - بعضی ج ب است. - بعضی الف ج است.
- هر حیوانی جاندار است. - بعضی مهره‌داران حیوان هستند. - بعضی جانداران مهره‌دار هستند.

(شکل اول)	(شکل دوم)	(شکل سوم)	(شکل چهارم)
مقدمه اول) — الف — ب —	مقدمه اول) — الف — ب —	مقدمه اول) — الف — ب —	مقدمه اول) — الف — ب —
مقدمه دوم) — ب — ج —	مقدمه دوم) — ب — ج —	مقدمه دوم) — ب — ج —	مقدمه دوم) — ب — ج —
نتیجه) — الف — ج —	نتیجه) — الف — ج —	نتیجه) — الف — ج —	نتیجه) — الف — ج —

دو بین

مقدمه اول، لزوماً مقدمه‌ای نیست که در ابتدا بیاید؛ بلکه مقدمه‌ای است که موضوع نتیجه در آن باشد و مقدمه دوم نیز مقدمه‌ای است که محمول نتیجه در آن باشد. دانستن این مطلب در تشخیص شکل اول یا چهارم بودن یک قیاس اهمیت دارد؛ به مثال زیر توجه کنید:
 - بعضی الف ب است. هر ب ج است. - بعضی ج الف است.
 این قیاس، یک قیاس اقترانی شکل چهارم است؛ زیرا «هر ب ج است.» مقدمه اول است؛ چرا که «ج» موضوع نتیجه می‌باشد و «بعضی الف ب است.» مقدمه دوم است؛ زیرا «الف» محمول نتیجه می‌باشد.
 (در مواردی که نتیجه ذکر نشده باشد، همان مقدمه‌ای که ابتدا آمده است را مقدمه اول و مقدمه‌ای که بعد از آن آمده است را مقدمه دوم در نظر می‌گیریم.)

ریزنکته...
 آن‌چه باعث مقارنت و ارتباط دو مقدمه است «حد وسط» می‌باشد که بدون آن اصلاً قیاس اقترانی شکل نمی‌گیرد. «حد وسط» در هر دو مقدمه وجود دارد، اما در نتیجه حذف می‌شود.
 براساس جایگاه حد وسط در دو مقدمه، هیچ حالتی غیر از همین چهار شکل بیان شده وجود ندارد.

تست آموزشی: شکل قیاس‌های زیر به ترتیب در کدام گزینه به درستی آمده است؟
 الف) هر ب الف است. - هر ب ج نیست. - بعضی الف ج نیست.
 ب) بعضی الف ب است. - هیچ ج ب نیست. - بعضی الف ج نیست.
 پ) هر ب الف است. - هر ج ب است. - بعضی الف ج نیست.
 ت) بعضی الف ب است. - هیچ ب ج نیست. - بعضی الف ج نیست.
 ۱) سوم - دوم - چهارم - اول ۲) اول - دوم - سوم - چهارم ۳) دوم - سوم - چهارم - اول ۴) سوم - اول - دوم - چهارم

پاسخ: گزینه «۱»

تکرار حد وسط

شرط اصلی و ابتدایی برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، تکرار حد وسط به صورت **لفظی** و **معنایی** است و در این صورت است که رابطه و مقارنت میان دو قضیه پیش می‌آید و می‌توان میان آن‌ها قیاس اقترانی شکل داد. منظور از **تکرار لفظی حد وسط** آن است که لفظ و لغتی که به عنوان «حد وسط» آمده است، کاملاً در دو مقدمه مشترک و یکسان باشد. به مثال زیر توجه کنید.

حسن در کشتی است؛ کشتی حرکت می‌کند ← پس حسن حرکت می‌کند.

در این مثال، محمول مقدمه اول در کشتی است و موضوع مقدمه دوم کشتی است. بنابراین لفظ حد وسط در این مورد یکی نیست و اصلاً قیاس اقترانی تشکیل نمی‌شود. منظور از **تکرار مفهومی حد وسط** آن است که تنها اشتراک لفظ «حد وسط» در دو مقدمه کفایت نمی‌کند، بلکه باید مفهوم و معنای لفظی که به عنوان «حد وسط» به کار رفته است نیز در دو مقدمه یکسان باشد. به مثال زیر توجه کنید:

در باز است؛ باز پرنده است ← پس در پرنده است.

هر چند لفظ «باز» در دو مقدمه به صورت یکسان تکرار شده است، اما معنا و مفهوم «باز» در مقدمه اول با معنا و مفهوم «باز» در مقدمه دوم متفاوت است و اصلاً قیاس اقترانی شکل نگرفته است.

مغالطه عدم تکرار حد وسط

حال سؤال این است که اگر شرط اول یک قیاس برای نتیجه‌گیری رعایت نشود، یعنی اگر تکرار حد وسط (به صورت لفظی و معنایی) صورت نگیرد، چه اتفاقی می‌افتد؟

در این صورت دچار **مغالطه** شده‌ایم؛ یعنی استدلال قیاسی، ظاهری درست دارد، اما در واقع غلط است.

اگر شرط اول قیاس، یعنی تکرار لفظی و معنایی حد وسط اتفاق نیفتاده باشد، اما از این قیاس نتیجه‌گیری صورت بگیرد، دچار مغالطه «عدم تکرار حد وسط» شده‌ایم. مغالطه «عدم تکرار حد وسط» به دو دلیل: ۱) عدم تکرار معنایی حد وسط ۲) عدم تکرار لفظی حد وسط صورت می‌گیرد.

۱) عدم تکرار معنایی حد وسط زمانی اتفاق می‌افتد که اشتراک لفظ وجود داشته باشد؛ یعنی لفظی که دارای چند معنا است در یک مقدمه به یک معنا و در مقدمه دیگر به معنایی غیر از آن به کار رفته باشد؛ مانند: شاخه‌ها دارای برگ هستند؛ دفترچه یادداشت دارای برگ است؛ ← پس شاخه‌ها دفترچه یادداشت هستند. (برگ در مقدمه اول به معنای برگ درخت و در مقدمه دوم به معنای ورقه کاغذ است.)

۲) عدم تکرار لفظی حد وسط زمانی اتفاق می‌افتد که حد وسط عیناً و به صورت یکسان تکرار نشده باشد؛ مانند: دیوار موش دارد؛ موش گوش دارد؛ ← پس دیوار گوش دارد. (حد وسط در مقدمه اول دارای موش و در مقدمه دوم موش است.)

ریزنکته...

تکرار صحیح «حد وسط» در دو مقدمه، شرط اول برای نتیجه‌گیری در قیاس اقترانی است.

تست آموزشی: در کدام گزینه شرط اول نتیجه‌گیری قیاس اقترانی به درستی رعایت شده است؟

- انسان از خاک است. - خاک از جمادات است.
- آهن فلز است. - فلز در اثر حرارت منبسط می‌شود.
- فردوسی شاعر است. - «شاعر» چهار حرف دارد.
- علی در قایق است. - قایق حرکت می‌کند.

پاسخ: گزینه ۲ - شرط اول نتیجه‌گیری قیاس اقترانی تکرار حد وسط است که تنها در گزینه ۲ اتفاق افتاده است.

گزینه ۱: محمول در مقدمه اول «از خاک» و در مقدمه دوم «خاک» است. بنابراین اشتراک لفظی برای حد وسط وجود ندارد. / گزینه ۳: «شاعر» در مقدمه اول به معنای انسانی است که شعر می‌گوید، ولی منظور از شاعر در مقدمه دوم لفظ شاعر است. بنابراین تکرار معنایی حد وسط در دو مقدمه صورت نگرفته است. / گزینه ۴: در این جا نیز میان «در قایق» و «قایق» یکسانی از نظر لفظی وجود ندارد. بنابراین تکرار حد وسط صورت نگرفته است.

قانون نتیجه‌گیری قیاس

- حد وسط عامل ارتباط میان دو مقدمه استدلال است و در نتیجه استدلال حذف می‌شود.

- موضوع نتیجه از مقدمه اول و محمول آن از مقدمه دوم به دست می‌آید.

نتیجه قیاس اقترانی از این قانون پیروی می‌کند ← اگر یکی از مقدمات استدلال سالبه باشد، نتیجه نیز سالبه خواهد بود.

بنابراین با مشاهده نسبت‌های به‌کاررفته در مقدمات قیاس می‌توانیم تشخیص دهیم که نتیجه سالبه است یا موجهه.

اگر نتیجه قیاس از این قانون پیروی نکرده باشد، آن قیاس نامعتبر است.

اگر یکی از مقدمات سالبه باشد ← نتیجه نیز سالبه است.

اگر هر دو مقدمه موجهه باشد ← نتیجه نیز موجهه است.

کیفیت نتیجه



وقتی می‌گوییم: «سور، دامنه‌های مصادیق موضوع را مشخص می‌کند» این عبارت به چه معنا است؟

این عبارت بدین معنا است که سور (کمیت) مشخص می‌کند که آیا منظور گوینده جمله، همه نفرات و افراد موضوع است یا منظور او همه افراد موضوع نیست؛ مثلاً اگر برای قضیه‌ای از سور کلی استفاده کنیم و بگوییم «هر انسانی تلاشگر است»، سور «هر» به ما نشان می‌دهد که همه افراد و نفرات «انسان» مورد نظر گوینده هستند و اگر از سور جزئی استفاده کنیم و بگوییم «بعضی انسان‌ها تلاشگر هستند» نشان می‌دهد که دامنه‌های مصادیق موضوع محدودتر است و همه افراد و نفرات «انسان» مورد نظر نیست.

در درس ششم خواندیم که سور (کمیت) در قضایای محصوره دامنه‌های مصادیق موضوع را مشخص می‌کند؛ یعنی اگر سور قضیه‌ای کلی باشد، معلوم می‌گردد که همه مصادیق موضوع مورد نظر گوینده هستند و سور قضایای جزئی نشان می‌دهد که برخی از مصادیق موضوع مورد نظر گوینده هستند. حال می‌خواهیم درباره‌ی دامنه‌های مصادیق محمول سخن بگوییم:

در قضایای سالبه همه مصادیق محمول و در قضایای موجهه برخی از مصادیق محمول مورد نظر گوینده هستند.

تعیین دامنه‌های مصادیق موضوع
 ← براساس سور (کمیت) اگر جزئی باشد ← برخی مصادیق موضوع مد نظر است.
 ← اگر کلی باشد ← همه مصادیق موضوع مد نظر است.

تعیین دامنه‌های مصادیق محمول
 ← براساس نسبت (کیفیت) اگر سالبه باشد ← همه مصادیق محمول مد نظر است.
 ← اگر موجهه باشد ← برخی مصادیق محمول مد نظر است.

ریزنکته...

بحث دامنه‌های مصادیق موضوع و محمول اساس تعیین اعتبار یک قیاس است. با گذاشتن علامت مثبت (+) همه مصادیق و علامت (-) بعضی مصادیق را مورد نظر داریم؛ بنابراین دامنه‌های مصادیق موضوع و محمول قضایای محصوره به صورت زیر مشخص می‌شود:

<p>هر اسبی حیوان است. هیچ مثلی چهارضلعی نیست.</p>	<p>بعضی سیب‌ها زرد هستند. بعضی حیوانات اسب نیستند.</p>
------------------------------------------------------------------------	-----------------------------------------------------------------------------

هر الف است
 بعضی الف
 هیچ الف
 بعضی الف

بعضی الف است
 بعضی الف نیست

ریزنکته...

در قضایای شخصی همیشه همه مصادیق موضوع مورد نظر است، زیرا موضوع یک فرد مشخص و جزئی است؛ به همین دلیل برای موضوع قضایای شخصی از علامت مثبت (+) که نشانگر دربرگرفتن همه مصادیق است، استفاده می‌کنیم؛ مانند: سعدی شاعر است، ایران کشوری پهناور است.

دامنه‌های مصادیق محمول قضایای شخصی، مانند محمول قضایای محصوره محاسبه می‌شود؛ یعنی در قضایای موجهه علامت (-) (برخی مصادیق) و در قضایای سالبه علامت (+) (همه مصادیق) آورده می‌شود؛ مانند: فردوسی فارسی زبان است، سعدی ریاضی‌دان نیست.

تست آموزشی: در کدام گزینه به ترتیب دامنه‌های مصادیق موضوع و محمول در قضیه اول یکسان و در قضیه دوم متفاوت است؟

- (۱) هیچ الف ب نیست. - هر الف ب است.
 (۲) بعضی الف ب نیست. - هیچ الف ب نیست.
 (۳) بعضی الف ب است. - هیچ الف ب نیست.
 (۴) هر الف ب است. - بعضی الف ب است.

پاسخ: گزینه «۱» در صورت سؤال خواسته شده است که در قضیه اول دامنه‌های مصادیق موضوع و محمول یکسان باشد؛ یعنی اگر سور کلی آمده، نسبت سالبه باشد و اگر سور جزئی آمده، نسبت موجهه باشد. در قضیه دوم نیز باید دامنه‌های مصادیق موضوع و محمول متفاوت باشد؛ یعنی اگر سور کلی است، نسبت موجهه باشد و اگر سور جزئی است، نسبت سالبه باشد. در گزینه (۱) قضیه «هیچ الف ب نیست» و «هر الف ب است» آمده که قضیه اول دامنه‌های مصادیق موضوع و محمول یکسان و در قضیه دوم دامنه‌های مصادیق موضوع و محمول متفاوت است.

شرایط معتبر بودن قیاس

قیاس در شرایط خاصی نتیجه‌بخش و معتبر است؛ بنابراین نمی‌توان گفت هرگاه حد وسط به درستی وجود داشته باشد حتماً از قیاس می‌توان نتیجه گرفت. به مثال زیر توجه کنید:

- هر انسانی حیوان است. - بعضی حیوان‌ها خرگوش هستند. پس بعضی انسان‌ها خرگوش هستند.

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در این قیاس حد وسط به درستی تکرار شده است، اما از آنجایی که شرایط معتبر بودن قیاس وجود ندارد نتیجه به دست آمده نیز اشتباه است.

حال می‌رویم سراغ این‌که چه شرایطی برای معتبر بودن یک قیاس وجود دارد. برای معتبر بودن یک قیاس سه شرط اساسی وجود دارد:

- ۱ هر دو مقدمه سالبه نباشد؛ یعنی حتماً یکی از دو مقدمه باید موجبه باشد.
- ۲ حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی (-) نداشته باشد؛ به عبارت دیگر، حد وسط حداقل در یکی از دو مقدمه علامت مثبت (+) داشته باشد.
- ۳ هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشتند، در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند.

بررسی شرایط قیاس معتبر

۱ بررسی شرط نخست: هر دو مقدمه نباید سالبه باشد.

ریز نکته

این شرط نخستین و ساده‌ترین شرط برای قیاس معتبر است؛ بنابراین قبل از بررسی شروط دیگر، این شرط را بررسی کنید، شاید نیازی به بررسی دیگر شروط نباشد.

بررسی این شرط بسیار آسان است، به دو مقدمه نگاه می‌کنیم، اگر حداقل یکی از دو مقدمه موجبه باشد، این شرط رعایت شده است؛ اما اگر هر دو مقدمه سالبه باشد، این شرط رعایت نشده و قیاس نامعتبر خواهد بود.

مثال: - بعضی الف ب نیست. - هیچ ب ج نیست. . این قیاس نتیجه نمی‌دهد، زیرا هر دو مقدمه سالبه هستند و قیاس نامعتبر است. اگر یکی از دو مقدمه سالبه نبود، به سراغ بررسی شروط دیگر می‌رویم.

مثال: - هر الف ب است. - بعضی ب ج نیست. . یکی از دو مقدمه موجبه است؛ بنابراین سراغ شرط دوم می‌رویم. - بعضی ب الف است. - هر ب ج است. . هر دو مقدمه موجبه است؛ بنابراین سراغ شرط دوم می‌رویم.

۲ بررسی شرط دوم: حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی (-) نداشته باشد. این شرط بدین معناست که حد وسط حداقل در یکی از دو مقدمه باید دارای علامت مثبت (+) باشد؛ یعنی حد وسط حداقل در یکی از دو مقدمه باید همۀ مصادیق موضوع یا محمول را در بر بگیرد.

مثبت بودن حد وسط | حد وسط موضوع باشد ← سور کلی
حد وسط محمول باشد ← کیف سالبه

به مثال‌های زیر توجه کنید:

- هر الف ب است. - بعضی ب ج است. . حد وسط در هر دو مقدمه منفی (-) است. بنابراین قیاس نامعتبر است.
- هیچ ب الف نیست. - هر ج ب است. . یک مقدمه موجبه است و حد وسط در یک مقدمه مثبت (+) است. بنابراین باید سراغ بررسی شرط سوم برویم.
- هر ب الف است. - هیچ ج ب نیست. . هر دو مقدمه سالبه نیست. حد وسط در هر دو مقدمه مثبت (+) است. بنابراین باید سراغ شرط سوم برویم.

۳ بررسی شرط سوم: اگر موضوع یا محمول در نتیجه دارای علامت مثبت باشند، در مقدمات نیز باید دارای علامت مثبت باشند؛ یعنی موضوع یا محمولی که در نتیجه همۀ مصادیق را در بر می‌گیرد باید در مقدمات نیز همۀ مصادیق را در بر بگیرد.

- بعضی الف ب نیست. - بعضی ب ج است. . بعضی الف ج نیست. قیاس معتبر نیست؛ (زیرا «ج» که در نتیجه علامت مثبت دارد در مقدمه دوم علامت منفی دارد).

- هر الف ب است. - هیچ ب ج نیست. . هیچ الف ج نیست. قیاس معتبر است.

در بررسی شرط سوم به موضوع و محمولی که در نتیجه منفی (-) اند، کاری نداریم و مورد بررسی قرار نمی‌دهیم.

اگر قیاسی هر سه شرط مذکور را دارا باشد، قیاس معتبر محسوب می‌شود؛ اما اگر حتی یکی از این سه شرط را دارا نباشد، نامعتبر به حساب می‌آید.

دو بین

چند نکته که دانستن آن‌ها می‌تواند در سرعت عمل برای حل برخی تست‌ها به کار آید: (هر یک از این موارد را می‌توان براساس شرایط اعتبار اثبات نمود).

- ۱ اگر هر دو مقدمه جزئی باشند، قطعاً قیاس نامعتبر است.
- ۲ نتیجه در قیاس شکل سوم حتماً جزئی است.
- ۳ نتیجه موجبه کلیه تنها در شکل اول به دست می‌آید.
- ۴ کیفیت در دو مقدمه شکل دوم متفاوت است؛ بنابراین نتیجه در شکل دوم حتماً سالبه است.

تست آموزشی: دلیل نامعتبر بودن قیاس‌های زیر به ترتیب کدام است؟

- الف) هیچ‌یک از شبرینی خورها لاغر نیستند؛ بعضی سیگاری‌ها شبرینی خور نیستند، پس: بعضی از سیگاری‌ها لاغرند.
- ب) رستم شیر است، شیر در بیشه زندگی می‌کند، پس رستم در بیشه زندگی می‌کند.
- پ) برخی از کاغذها سفیدند، برخی از سفیدها برف‌اند؛ پس: برخی از کاغذها برف‌اند.

- ۱) دو مقدمهٔ سالبه - حد وسط در دو مقدمه منفی - عدم تکرار حد وسط - دو مقدمهٔ سالبه - عدم تکرار حد وسط
- ۲) دو مقدمهٔ سالبه - عدم تکرار حد وسط - عدم تکرار حد وسط - حد وسط در دو مقدمه منفی
- ۳) عدم تکرار حد وسط - دو مقدمهٔ سالبه - عدم تکرار حد وسط - عدم تکرار حد وسط - دو مقدمهٔ سالبه
- ۴) حد وسط در دو مقدمه منفی - عدم تکرار حد وسط - دو مقدمهٔ سالبه

پاسخ: گزینهٔ «۲» الف) هر دو مقدمه سالبه هستند؛ بنابراین شرط اول، اعتبار قیاس را ندارد و نامعتبر است.

ب) منظور از «شیر» در دو مقدمه متفاوت است، بنابراین تکرار معنایی حد وسط صورت نگرفته است و مغالطهٔ عدم تکرار حد وسط رخ داده است.

پ) «سفید» حد وسط است و در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است و شرط دوم اعتبار قیاس را ندارد و قیاس نیز نامعتبر است.

تست آموزشی: کدام‌یک از قیاس‌های زیر معتبر هستند؟

- الف) - بعضی ب الف است - هیچ ج ب نیست. - بعضی الف ج نیست.
- ب) - بعضی الف ب است. - بعضی ب ج است. - بعضی الف ج است.
- پ) - هیچ ب الف نیست. - هر ب ج است. - هیچ الف ج نیست.
- ت) - هر ب الف است. - بعضی ب ج نیست. - بعضی الف ج نیست.

- ۱) الف و ب
- ۲) ب و پ
- ۳) ب و ت
- ۴) الف و ت

پاسخ: گزینهٔ «۴» قیاس «ب» و «پ» نامعتبر است، زیرا در قیاس اقرتانی «ب» حد وسط در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است و در قیاس اقرتانی «پ» محمول نتیجه یعنی «ج» دارای علامت مثبت است، اما در مقدمات دارای علامت منفی است؛ بنابراین شرط سوم اعتبار را ندارد.

مختصر و مفید

- قیاس اقرتانی قیاسی است که اجزای نتیجه در میان مقدمات آن پخش شده‌اند.
- به جزء مشترک میان دو مقدمه «حد وسط» می‌گویند؛ پس از حذف کردن حد وسط، موضوع نتیجه از مقدمهٔ اول و محمول نتیجه از مقدمهٔ دوم به دست می‌آید.
- براساس جایگاه حد وسط، چهار شکل قیاس اقرتانی تشکیل می‌شود.
- شرط اول برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، تکرار حد وسط، به صورت لفظی و معنایی است.
- در صورتی که از قیاسی که حد وسط در آن تکرار نشده است، نتیجه‌گیری شود، فرد دچار مغالطهٔ «عدم تکرار حد وسط» می‌شود.
- اگر یکی از مقدمات استدلال سالبه باشد، نتیجهٔ استدلال نیز سالبه خواهد بود.
- در قضایای سالبه همهٔ مصادیق محمول (+) و در قضایای موجهه برخی از مصادیق محمول (-) مورد نظر گوینده‌اند.
- در قضایای کلیه همهٔ مصادیق موضوع (+) و در قضایای جزئیه برخی از مصادیق موضوع (-) مورد نظر گوینده است.
- برای آن که قیاسی معتبر باشد، باید سه شرط زیر دربارهٔ آن صادق باشد:
 - ۱) هر دو مقدمه سالبه نباشد.
 - ۲) حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد.
 - ۳) هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشتند، در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند.

از نگاه طراح

توی تست‌های این درس، چی درست‌ه چی نادرست؟

ولی درست نیست که: (گزینهٔ انحرافی)	درست است که: (گزینهٔ جواب)
قیاس اقرتانی استدلالی است که نتیجه درون یکی از مقدمات آمده است.	قیاس اقرتانی استدلالی است که نتیجه درون دو مقدمه پخش شده است.
مقدمهٔ اول قیاس اقرتانی، مقدمه‌ای است که ابتدا ذکر شود و مقدمهٔ دوم پس از آن می‌آید.	مقدمهٔ اول قیاس اقرتانی، مقدمه‌ای است که موضوع نتیجه در آن ذکر شده است و مقدمهٔ دوم، مقدمه‌ای است که محمول نتیجه در آن آمده است.
براساس موجهه یا سالبه و کلیه یا جزئیه بودن مقدمات، شکل‌های قیاس اقرتانی معین می‌شوند.	براساس جایگاه حد وسط، شکل‌های مختلف قیاس اقرتانی تعیین می‌شوند.
شرط اول برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، موجهه بودن حداقل یکی از مقدمات است.	شرط اول برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، تکرار حد وسط (به صورت لفظی و معنایی) است.
شرط اول اعتبار: هر دو مقدمه موجهه باشد.	شرط اول اعتبار: هر دو مقدمه سالبه نباشد.

درست است که: (گزینهٔ جواب)	ولی درست نیست که: (گزینهٔ انحرافی)
شرط دوم اعتبار: حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد.	شرط دوم اعتبار: حد وسط در هر دو مقدمه علامت مثبت داشته باشد.
شرط سوم اعتبار: اگر موضوع یا محمول نتیجه علامت مثبت داشته باشد باید در مقدمات نیز دارای علامت مثبت باشد.	شرط سوم اعتبار: اگر موضوع یا محمول نتیجه علامت منفی داشته باشد، باید در مقدمات نیز دارای علامت منفی باشد.
اگر یکی از مقدمات سالبه باشد، نتیجه نیز سالبه خواهد بود.	اگر یکی از مقدمات موجبه باشد، نتیجه نیز موجبه خواهد بود.
در یک قیاس معتبر شکل دوم قطعاً یکی از مقدمات موجبه و یکی سالبه است.	در یک قیاس معتبر شکل دوم ممکن است هر دو مقدمه موجبه باشد.
اگر نتیجهٔ قیاس سالبه باشد، قطعاً یکی از مقدمات نیز سالبه است.	اگر یکی از مقدمات سالبه باشد، نتیجهٔ قیاس نیز سالبه است، اما برعکس آن صحیح نمی‌باشد.

پرسش‌های زیاده‌ای

۶۸۰- قیاس اقترانی قیاسی است که و یکی از انواع قیاس اقترانی، می‌باشد.

- (۱) اجزای نتیجه در یک مقدمه آمده باشد - قیاس اقترانی حملی
(۲) اجزای نتیجه در دو مقدمه آن پخش شده باشد - قیاس اقترانی سلبی
(۳) نتیجه یا نقیض نتیجه درون یکی از دو مقدمه باشد - قیاس اقترانی حملی
(۴) اجزای نتیجه در دو مقدمه آن پخش شده باشد - قیاس اقترانی شرطی

۶۸۱- علت نام‌گذاری «قیاس اقترانی» چیست؟

- (۱) وجود حد وسط (۲) حملی بودن این قیاس (۳) شرطی بودن این قیاس (۴) پخش بودن نتیجه در دو مقدمه

۶۸۲- به جزء مشترکی که در دو مقدمهٔ قیاس اقترانی وجود دارد می‌گویند که در نتیجه
(۱) حد وسط - وجود دارد. (۲) مقدمهٔ قیاس - پخش می‌شود. (۳) عامل مشترک - تقسیم می‌گردد. (۴) حد وسط - حضور ندارد.

۶۸۳- عامل تشکیل اشکال قیاس اقترانی چیست و چند شکل برای قیاس اقترانی وجود دارد؟

- (۱) موجبه یا سالبه بدون مقدمات - چهار
(۲) جزئی یا کلی بودن مقدمات - سه
(۳) جایگاه حد وسط - چهار
(۴) نوع نتیجه - چهار

۶۸۴- جایگاه حد وسط به ترتیب، در مقدمهٔ اول شکل سوم قیاس اقترانی و مقدمهٔ دوم شکل اول قیاس اقترانی کدام است؟

- (۱) موضوع - محمول (۲) محمول - محمول (۳) محمول - موضوع (۴) موضوع - موضوع

۶۸۵- عامل اقتران و ارتباط میان دو مقدمهٔ قیاس که حد وسط نام دارد در شکل سوم و در شکل دوم است.

- (۱) در هر دو مقدمه موضوع - در هر دو مقدمه محمول
(۲) در مقدمهٔ اول موضوع و در مقدمهٔ دوم محمول - در هر دو مقدمه موضوع
(۳) در هر دو مقدمه موضوع - در یک مقدمه موضوع و در دیگری محمول (۴) در هر دو مقدمه محمول - در هر دو مقدمه موضوع

۶۸۶- در کدام مورد یا موارد از استدلال‌های زیر دچار مغالطهٔ عدم تکرار حد وسط شده‌ایم؟

(الف) علی استعداد دارد. - خوشنویسی یک استعداد است. ← علی استعداد خوشنویسی دارد.

(ب) پنیر از شیر است. - شیر سفید است. ← پنیر سفید است.

(پ) هر انسانی حیوان است. - حیوان پنج حرف دارد. ← انسان پنج حرف دارد.

(ت) خودکار نوشت‌افزار است. - همهٔ نوشت‌افزارها گران شده‌اند. ← خودکار گران شده است.

- (۱) الف و ب (۲) همهٔ موارد (۳) ب، پ و الف (۴) پ

۶۸۷- کدام یک از گزینه‌ها مرتبط با شرط اول برای نتیجه‌گیری قیاس اقترانی است؟

(۱) موجبه بودن هر دو مقدمه (۲) جزئی نبودن هر دو مقدمه

(۳) سالبه نبودن هر دو مقدمه (۴) تکرار حد وسط به صورت لفظی و معنایی

۶۸۸- شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس اقترانی است و اگر در صورت سالبه بودن یکی از مقدمات، نتیجه سالبه نباشد،
(۱) تکرار لفظی حد وسط - قیاس تشکیل نمی‌شود. (۲) سالبه نبودن هر دو مقدمه - قیاس نامعتبر است.

(۳) تکرار لفظی و معنایی حد وسط - قیاس تشکیل نمی‌شود. (۴) تکرار لفظی و معنایی حد وسط - قیاس نامعتبر است.

۶۸۹- کدام گزینه بهترین تعریف برای مغالطهٔ «عدم تکرار حد وسط» است؟

(۱) از قیاسی که لغت حد وسط در آن تکرار شده باشد نتیجه‌گیری کنیم.

(۲) از قیاسی که نتیجه در دو مقدمه آن پخش نباشد نتیجه‌گیری انجام شود.

(۳) از قیاسی که حد وسط از لحاظ لفظی و معنایی تکرار نشده باشد نتیجه‌گیری صورت بگیرد.

(۴) از قیاسی که حد وسط در آن مشترک لفظی باشد، نتیجه‌گیری شود.

۶۹۰- استدلال «حسن در کشتی است. / کشتی حرکت می کند. ∴ حسن حرکت می کند» استدلالی است که

- (۱) معتبر است؛ زیرا تمام شرایط اعتبار قیاس اقترانی وجود دارد.
- (۲) شرط اول برای نتیجه گیری از قیاس اقترانی را ندارد.
- (۳) از قانون نتیجه قیاس پیروی نکرده است؛ بنابراین نامعتبر است.
- (۴) معتبر نیست؛ زیرا محمول نتیجه در مقدمات علامت مثبت ندارد.

۶۹۱- در کدام گزینه نوع مغالطه «عدم تکرار حد وسط» با دیگر گزینه ها متفاوت است؟

- (۱) شاخه ها برگ دارند، دفترچه یادداشت برگ دارد؛ پس شاخه ها دفترچه یادداشت هستند.
- (۲) انسان از خاک است. خاک از جمادات است؛ پس انسان از جمادات است.
- (۳) فردوسی شاعر است. «شاعر» چهار حرف دارد؛ فردوسی چهار حرف دارد.
- (۴) در باز است. باز پرنده است؛ پس در پرنده است.

۶۹۲- در کدام گزینه شکل قیاس و اعتبار و عدم اعتبار آن به درستی ذکر شده است؟

- (۱) بعضی الف ج است/ هیچ ج ب نیست ← شکل اول و معتبر
- (۲) بعضی د ب است/ هر ج ب است ← شکل دوم و معتبر
- (۳) بعضی غیر ب الف نیست/ هیچ غیر ب ج نیست ← شکل دوم و نامعتبر
- (۴) بعضی ب ج نیست/ هر د ب است ← شکل چهارم و معتبر

۶۹۳- تعیین کننده دامنه مصادیق موضوع و محمول به ترتیب مربوط به کدام است؟

- (۱) سور - کمیّت
- (۲) کمیّت - رابطه
- (۳) جزئی یا کلی بودن موضوع - کیفیت
- (۴) کیفیت - ایجاب یا سلب

۶۹۴- شکل مربوط به قیاس های اقترانی زیر در کدام گزینه به ترتیب، به درستی بیان شده است؟

- (الف) برخی حیوان ها نقاش هستند. - هر نقاشی انسان است. ← برخی حیوان ها انسان هستند.
- (ب) برخی شترها یک کوهان دارند. - هر شتری حیوان است. ← برخی یک کوهان داران حیوان هستند.
- (پ) هر مثلثی شکل است. - هر سه ضلعی مثلث است. ← بعضی شکل ها سه ضلعی هستند.
- (۱) اول - دوم - سوم
- (۲) اول - سوم - چهارم
- (۳) چهارم - دوم - اول
- (۴) سوم - سوم - اول

۶۹۵- سالبه بودن قضیه نشانگر در بر گرفتن و موجه بودن قضیه نشانگر در بر گرفتن است.

- (۱) همه مصادیق موضوع - همه مصادیق محمول
- (۲) برخی مصادیق محمول - همه مصادیق محمول
- (۳) همه مصادیق محمول - برخی مصادیق محمول
- (۴) همه مصادیق موضوع - برخی مصادیق موضوع

۶۹۶- در کدام گزینه عبارات ذکر شده به ترتیب معادل عبارات: «همه مصادیق محمول، مورد نظر است»، «موضوع دارای علامت مثبت است» و «موضوع و محمول هر دو دارای علامت مثبت هستند» می باشد؟

- (۱) قضیه سالبه است. - قضیه کلیه یا شخصیه است. - قضیه سالبه کلیه یا شخصیه سالبه است.
- (۲) قضیه موجه است. - قضیه شخصیه است. - قضیه موجه کلیه است.
- (۳) قضیه سالبه کلیه است. - قضیه موجه است. - قضیه سالبه جزئی است.
- (۴) قضیه سالبه است. - قضیه کلیه است. - قضیه شخصیه موجه یا سالبه جزئی است.

۶۹۷- اساس تعیین اعتبار یک قیاس کدام موضوع است؟

- (۱) نحوه تشخیص دامنه مصادیق موضوع و محمول
- (۲) موجه یا سالبه بودن مقدمات
- (۳) جزئی یا کلی بودن مقدمات
- (۴) کاملاً مشترک بودن حد وسط

۶۹۸- اگر علامت مثبت (+) برای همه مصادیق و علامت منفی (-) برای برخی از مصادیق باشد، علامت گذاری در کدام گزینه به صورت صحیح انجام شده است؟

- (۱) هر الف ب است - بعضی غیر ج د نیست.
- (۲) هر ب غیر ج نیست - بعضی ت د است.
- (۳) هیچ الف ب نیست - هر الف ب است.
- (۴) بعضی الف ب است - بعضی غیر ب غیر الف نیست.

۶۹۹- موضوع قضایای شخصیه از لحاظ دامنه مصادیق موضوع مانند است و از لحاظ دامنه مصادیق محمول است.

- (۱) قضایای کلی - همچون قضایای محصوره
- (۲) قضایای جزئی - متفاوت با قضایای محصوره
- (۳) قضایای محصوره - همچون قضایای موجه
- (۴) قضایای کلی - همچون قضایای جزئی

۷۰۰- در کدام گزینه همه علامت های مثبت و منفی به اشتباه تعیین شده است؟

- (۱) بسیاری الف ج نیست. - برخی غیر ج ب است
- (۲) اکثر ب ج است. - هیچ الف ب نیست.
- (۳) هر ب د است. - تعدادی ج د است.
- (۴) هیچ الف ب نیست. - برخی ج د نیست.

۷۰۱- در کدام گزینه جدول به ترتیب از بالا به پایین به درستی تکمیل شده است؟

سور جزئی	برخی مصادیق موضوع
سور کلی
.....	همه مصادیق محمول
.....	برخی مصادیق محمول

- (۱) همه مصادیق موضوع - موجه - سالبه
- (۲) همه مصادیق محمول - محصوره - شخصیه
- (۳) همه مصادیق موضوع - سالبه - موجه
- (۴) برخی مصادیق موضوع - شخصیه - محصوره

۷۰۲- در کدام گزینه دو شرط از سه شرط معتبر بودن قیاس ذکر شده است؟

- (۱) یکی از دو مقدمه موجب باشد، هر دو قضیه کلی نباشد.
(۲) هیچ مقدمه‌ای سالبه نباشد، نتیجه سالبه نباشد.

- (۳) هر کدام از موضوع یا محمول که علامت منفی دارند در مقدمات نیز علامت منفی داشته باشند، هر دو مقدمه سالبه نباشند.
(۴) حد وسط در هر دو مقدمه شامل فقط برخی از مصادیق موضوع یا محمول نشود، حداقل یک مقدمه موجب باشد.

۷۰۳- علامت‌های (مثبت یا منفی) که برای «الف» در قضایا وجود دارد، در کدام گزینه با یکدیگر یکسان است؟

- (۱) بعضی الف ب است. - هیچ ج الف نیست.
(۲) هیچ الف ب نیست. - برخی د الف نیست.
(۳) برخی غیر ج الف است. - هیچ الف ج نیست.
(۴) هر الف ب است. - هر ب الف است.

۷۰۴- قضیه‌ای که موضوع و محمول آن دارای علامت مثبت هستند را عکس مستوی می‌نماییم، علامت موضوع و محمول قضیه عکس چیست؟

- (۱) موضوع مثبت و محمول منفی
(۲) موضوع منفی و محمول مثبت
(۳) موضوع و محمول مثبت
(۴) موضوع و محمول منفی

۷۰۵- در کدام گزینه علامت‌های مثبت و منفی که نشانگر دامنه مصادیق موضوع و محمول هستند، به درستی ذکر شده است؟

- (۱) سعدی شاعر است. اکثر مردم تلاشگر نیستند.
(۲) ایران کشور پهناوری است. فلز در اثر حرارت منبسط می‌شود.
(۳) مورد نظر هستند لذا همیشه از علامت استفاده می‌کنیم.

۷۰۶- در قضایای شخصی مورد نظر هستند لذا همیشه از علامت استفاده می‌کنیم.

- (۱) همه مصادیق محمول - مثبت (۲) برخی مصادیق موضوع - منفی (۳) همه مصادیق موضوع - مثبت (۴) برخی مصادیق محمول - منفی

۷۰۷- کدام عبارت درباره شرایط اعتبار قیاس نادرست است؟

- (۱) اگر موضوع یا محمول در نتیجه علامت منفی داشته باشد، نیازی به بررسی آن‌ها نیست.
(۲) حداقل یکی از مقدمات موجب است.

(۳) حد وسط در هر دو مقدمه علامت مثبت دارد.

(۴) اگر موضوع یا محمول در نتیجه علامت مثبت داشته باشد در مقدمات نیز باید علامت مثبت داشته باشد.

۷۰۸- در کدام گزینه در هر دو قضیه ذکر شده، تمام مصادیق موضوع و محمول مورد نظر گوینده است؟

- (۱) سقراط معلم اول نیست. - هیچ انسانی غیرمتفکر نیست.
(۲) ارسطو معلم اول است. - بعضی نویسندگان خوش‌خط نیستند.
(۳) اکثر پزشکان بد خط هستند. - فردوسی ادیب بزرگی است.
(۴) سعدی فیلسوف نیست. - بسیاری از شتران دو کوهان دارند.

۷۰۹- در کدام نوع قضیه تمامی مصادیق موضوع و محمول مورد نظر گوینده است و در کدام نوع قضیه برخی مصادیق موضوع و برخی مصادیق محمول

مورد نظر گوینده است؟

- (۱) شخصی سالبه - موجبه کلی (۲) موجبه کلی - سالبه جزئی (۳) سالبه کلی - سالبه جزئی (۴) شخصی سالبه - موجبه جزئی

۷۱۰- نتیجه قیاسی که تنها یک مقدمه آن موجب است، خواهد بود و قیاس «هر ج غیر ب است. - هیچ غیر ب الف نیست. ← بعضی الف ج

نیست.» شکل به حساب می‌آید.

- (۱) سالبه - چهارم (۲) موجبه - اول (۳) کلیه - سوم (۴) سالبه - اول

۷۱۱- با توجه به قانون نتیجه قیاس، کدام گزینه جاهای خالی را به درستی تکمیل می‌نماید؟

اگر یک مقدمه، موجب باشد و یکی سالبه ←

اگر هر دو مقدمه موجب باشند ←

(۱) کیفیت نتیجه معلوم نیست. - نتیجه موجب است.

(۲) نتیجه کلیه است. - نتیجه جزئی است.

(۳) نتیجه سالبه است. - نتیجه موجب است

۷۱۲- قیاس اقترائی که نتیجه آن موجبه جزئی است؛

(۱) ممکن است هر دو مقدمه آن موجب باشد.

(۲) قطعاً، به دلیل عدم رعایت شرط سوم اعتبار، نامعتبر نخواهد بود.

(۳) قطعاً هر دو مقدمه آن نیز دارای سور جزئی خواهند بود.

(۴) قطعاً شکل اول قیاس اقترائی است.

۷۱۳- کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر است؟

(۱) هیچ الف ب نیست - بعضی ب ج نیست ← بعضی الف ج نیست.

(۲) بعضی ب الف نیست - بعضی ب ج نیست ← بعضی الف ج نیست.

(۳) هر الف ب است - هیچ ب ج نیست ← هیچ الف ج نیست.

(۴) برخی ج د است - هر الف ج است ← برخی د الف است.

۷۱۴- دلیل عدم اعتبار کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟

(۱) هر الف ب است - بعضی ب ج نیست ← بعضی الف ج نیست.

(۲) هر الف ب است - بعضی ج ب نیست ← بعضی الف ج نیست.

(۳) هر ب الف است - بعضی ج ب نیست ← بعضی الف ج نیست.

(۴) برخی ج ب است - بعضی ب الف نیست ← برخی ج الف نیست.

۷۱۵- قیاسی که از یک مقدمه سالبه کلی و یک مقدمه سالبه جزئی تشکیل شده باشد معتبر، زیرا

(۱) نیست - حد وسط در آن تکرار نشده است.

(۲) نیست - حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد.

(۳) است - هر دو مقدمه سالبه است.

(۴) نیست - هر دو مقدمه سالبه است.

۷۱۶- کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر نیست؟

- (۱) هر الف ب است - هیچ ج نیست ← هیچ الف ج نیست.
(۲) بعضی ج د نیست - هر الف د است ← بعضی ج الف نیست.
(۳) بعضی د الف است - هیچ ب الف نیست ← بعضی د ب نیست.
(۴) هر ب الف است - بعضی الف ج نیست ← بعضی ب ج نیست.

۷۱۷- برای این که شرط دوم اعتبار قیاس رعایت شود، در شکل سوم قیاس اقترانی موضوع مقدمه اول و باید

- (۱) موضوع مقدمه دوم - در هر دو مقدمه علامت مثبت داشته باشد.
(۲) محمول مقدمه دوم - در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد.
(۳) موضوع مقدمه دوم - در هر دو مقدمه علامت مثبت نداشته باشد.
(۴) موضوع مقدمه دوم - در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد.

۷۱۸- برای رعایت شرط دوم اعتبار قیاس در شکل دوم قیاس اقترانی و نباید هر دو برخی مصادیقش را در بر گرفته باشد.

- (۱) محمول مقدمه اول - موضوع مقدمه دوم
(۲) محمول مقدمه اول - محمول مقدمه دوم
(۳) موضوع مقدمه اول - محمول مقدمه دوم
(۴) موضوع مقدمه اول - موضوع مقدمه دوم

۷۱۹- اگر نتیجه یک قیاس «هیچ الف ج نیست» باشد، برای رعایت شرط سوم یک قیاس معتبر، کدام یک از گزینه‌های زیر می‌تواند مقدمات این قیاس معتبر باشد؟

- (۱) بعضی الف ب نیست. - هر ج ب است.
(۲) هر ب الف است. - هیچ ب ج نیست.
(۳) هیچ الف ب نیست. - هر ج ب است.
(۴) بعضی ب الف نیست. - بعضی ج ب است.

۷۲۰- کدام تحلیل درباره دو قیاس اقترانی زیر درست است؟

(الف) این سگ دارای چهار پا هست / همه گربه‌ها دارای چهار پا هستند. ∴ این سگ گربه است.

(ب) هیچ خرگوشی گیاه نیست / هیچ گیاهی حیوان نیست. ∴ هیچ خرگوشی حیوان نیست.

- (۱) هر دو نامعتبرند، اولی به دلیل عدم رعایت قانون نتیجه قیاس و دومی به دلیل عدم تکرار حد وسط
(۲) اولی نامعتبر است، به دلیل موجه بودن هر دو مقدمه و دومی قیاسی معتبر است.
(۳) هر دو نامعتبرند، اولی به دلیل علامت منفی داشتن حد وسط در هر دو مقدمه و دومی به دلیل سالبه بودن هر دو مقدمه
(۴) هر دو نامعتبرند، اولی به دلیل آن که جزئی که در نتیجه علامت مثبت دارد در مقدمات علامت مثبت ندارد و دومی به دلیل سالبه بودن هر دو مقدمه

۷۲۱- نتیجه استدلال معتبر زیر کدام است و این استدلال شکل چندم قیاس اقترانی محسوب می‌شود؟

«هر انسانی ناطق است. - برخی حیوان‌ها ناطق نیستند.»

- (۱) برخی حیوان‌ها انسان نیستند. - شکل اول
(۲) برخی انسان‌ها حیوان نیستند. - شکل دوم
(۳) هر حیوانی انسان است. - شکل سوم
(۴) بعضی حیوان‌ها انسان نیستند. - شکل دوم

۷۲۲- کدام یک از عبارات زیر در مورد شرایط اعتبار قیاس صحیح نیست؟

(۱) حداقل یکی از دو مقدمه سالبه نباشد.

(۲) حد وسط در حداقل یکی از دو مقدمه علامت مثبت داشته باشد.

(۳) اگر موضوع و محمول نتیجه علامت منفی داشته باشد نیازی به بررسی آن‌ها نیست.

(۴) علامت موضوع و محمول در نتیجه، با علامت آن‌ها در مقدمه‌ها یکسان باشد.

۷۲۳- اگر مثبت نشانه در بر گرفتن همه مصادیق و منفی نشانه در بر گرفتن برخی مصادیق باشد، به ترتیب علامت موضوع و محمول قضایای زیر در کدام

گزینه به درستی آمده است؟ «هیچ نشخوارکننده‌ای گوشت‌خوار نیست»، «بعضی فیلسوفان دیوانه هستند»

- (۱) مثبت - مثبت - منفی - منفی
(۲) منفی - مثبت - منفی - مثبت
(۳) منفی - منفی - مثبت - مثبت
(۴) مثبت - مثبت - منفی - مثبت

۷۲۴- کدام یک از گزینه‌های زیر درباره قیاس اقترانی صحیح است؟

(۱) حد وسط در شکل چهارم قیاس اقترانی، در مقدمه اول محمول است.

(۲) شرط اول برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، تکرار حد وسط به صورت لفظی و معنایی است.

(۳) اگر جای مقدمات قیاس شکل اول را عوض کنیم و نتیجه را ثابت نگه داریم قیاس شکل اول به شکل چهارم تبدیل می‌شود.

(۴) شرط اول معتبر بودن قیاس این است که حداقل یکی از دو مقدمه سالبه باشد.

۷۲۵- قیاس «بعضی الف ب نیست - بعضی ج است؛ بعضی الف ج نیست» معتبر؛ زیرا

- (۱) است - تمامی شرایط معتبر بودن قیاس را دارد.
(۲) نیست - شرط اول اعتبار قیاس را ندارد.
(۳) نیست - علامت حد وسط در هر دو مقدمه سالبه است.
(۴) نیست - شرط سوم اعتبار قیاس را ندارد.

۷۲۶- قیاس «هیچ الف ب نیست - هر ج ب است؛ هیچ الف ج نیست» شکل چندم است و آیا معتبر است یا نه؟

- (۱) شکل دوم - معتبر نیست. (۲) شکل اول - معتبر است. (۳) شکل سوم - معتبر است. (۴) شکل دوم - معتبر است.

۷۲۷- زمانی که یکی از مقدمات یک قیاس معتبر باشند، نتیجه نیز حتماً

- (۱) موجه - موجه (۲) سالبه - سالبه (۳) کلی - کلی (۴) کلی - جزئی

۷۲۸- در بین استدلال‌های زیر چند قیاس معتبر وجود دارد؟

- (الف) برخی الف ب است / هیچ ب ج نیست. ∴ برخی الف ج نیست.
(ب) بعضی ب ج نیست / هر ج د است. ∴ بعضی ب د نیست.
(پ) بعضی ج د است / هر الف د است. ∴ بعضی ج الف است.
(ت) بعضی غیر ب د است / هیچ غیر ب ج نیست. ∴ بعضی د ج است.

(۱) دو (۲) سه (۳) یک (۴) چهار

۷۲۹- اگر محمول در یکی از مقدمات علامت مثبت داشته باشد؛

- (۱) نتیجه دارای موضوعی با علامت منفی است.
(۳) موضوع در نتیجه دارای علامت مثبت است.

۷۳۰- کدام یک از گزاره‌های زیر، دربارهٔ یک قیاس اقترانی معتبر می‌تواند مطرح گردد؟

- (۱) محمول در هر دو مقدمه علامت مثبت دارد.
(۲) اگر محمول یک مقدمه دارای علامت مثبت و یکی علامت منفی باشد، نتیجه نیز دارای محمول با علامت منفی است.
(۳) در شکل سوم موضوع در مقدمه اول علامت مثبت داشته باشد و در مقدمه دوم علامت منفی.
(۴) در شکل اول، مقدمه اول موجه باشد و مقدمه دوم جزئی باشد.

۷۳۱- اگر مقدمه اول یک قیاس «هیچ الف ب نیست.» باشد و نتیجه آن «هیچ الف ج نیست.» باشد، مقدمه دوم چه باشد که قیاس معتبر باشد؟

- (۱) بعضی ب ج نیست. (۲) هر ج ب است. (۳) هیچ ج ب نیست. (۴) بعضی ب ج است.

۷۳۲- دربارهٔ قضیهٔ «سلمان فارسی از اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام است.» کدام یک از موارد زیر نادرست است؟

- (۱) موضوع آن جزئی است. (۲) موضوع قضیه علامت مثبت دارد. (۳) محمول قضیه علامت مثبت دارد. (۴) قضیه شخصی موجه است.

۷۳۳- متضاد قضیهٔ «هیچ الف ب نیست» کدام است و علامت مثبت و منفی آن چگونه است؟

- (۱) هیچ ب الف نیست. (۲) هر الف ب است. (۳) هر الف ب است. (۴) بعضی الف ب است.

۷۳۴- مشترک لفظی بودن حد وسط در یک قیاس به کدام معنا نیست؟

- (۱) شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس وجود ندارد.
(۲) تکرار معنایی حد وسط اتفاق نیفتاده است.
(۳) با توجه به اشتراک دو مقدمه در حد وسط، قیاس اقترانی تشکیل شده است.
(۴) حد وسط در لفظ تکرار شده است.

۷۳۵- در صورت متداخل نمودن یک قضیهٔ موجه کلی، قضیهٔ متداخل به دست آمده موضوعش دارای علامت و محمولش است.

- (۱) مثبت - منفی (۲) مثبت - مثبت (۳) منفی - مثبت (۴) منفی - منفی

۷۳۶- عکس مستوی نمودن موجه کلی و سالبه کلی باعث می‌شود قضایای به دست آمده به ترتیب دارای موضوعاتی با و باشند.

- (۱) در برگرفتن همهٔ مصادیق - علامت مثبت
(۲) علامت منفی - در برگرفتن همهٔ مصادیق
(۳) علامت مثبت - در برگرفتن برخی مصادیق
(۴) در برگرفتن برخی مصادیق - علامت منفی

۷۳۷- هرگاه صدق «هر الف ب است.» و کذب «هیچ ج الف نیست.» را بدانیم، صدق کدام قضیه را با استفاده از آن‌ها می‌توانیم مشخص کنیم؟ (سراسری ۹۵)

- (۱) بعضی ج ب نیست. (۲) هر ج ب است. (۳) بعضی ج ب است. (۴) هیچ ج ب نیست.

۷۳۸- اگر «هر ج ب است» و «هیچ غیر الف ب نیست» درست باشد، صدق کدام قضیه ضروری است؟ (سراسری ۹۷ - با تغییر)

- (۱) هیچ الف ج نیست. (۲) هیچ ج غیر الف نیست. (۳) هر ج غیر الف است. (۴) بعضی غیر الف ج است.

۷۳۹- در کدام یک از استدلال‌های زیر، همهٔ شرایط اعتبار صورت قیاس وجود دارد؟ (فارج از کشور ۹۷ - با تغییر)

- (۱) این فرد اروپایی است / هر اروپایی مسیحی است. ∴ پس این فرد مسیحی است.
(۲) علی ایرانی است / ایران عضو سازمان ملل است. ∴ پس علی عضو سازمان ملل است.
(۳) بعضی از کاغذها سفیدند / بعضی از سفیدها برف هستند. ∴ پس بعضی از کاغذها برفند.
(۴) هر اسبی حیوان است / بعضی حیوان‌ها ناطق هستند. ∴ پس بعضی اسب‌ها ناطق هستند.

۷۴۰- ایراد استدلال زیر در چیست؟

هر مدادی چوب دارد.

هر چوبی از اجزای درخت است.

∴ هر مدادی از اجزای درخت است.

- (۱) شرط سوم اعتبار رعایت نشده است.
(۲) قانون نتیجه‌گیری قیاس به درستی رعایت نشده است.

- (۳) تکرار حد وسط به درستی صورت نگرفته است.
(۴) شرط دوم اعتبار رعایت نشده است.

۷۴۱- نتیجه یک قیاس اگر باشد؛ نیاز به بررسی شرط سوم اعتبار قیاس نیست.

- (۱) سالبه کلیه (۲) موجبه جزئیه (۳) سالبه جزئیه (۴) موجبه کلیه

۷۴۲- استدلال «بعضی حیوانها راست قامت هستند / هیچ راست قامتی اسب نیست .» بعضی اسبها حیوان نیستند» شکل چندم است و معتبر است یا نامعتبر؟

- (۱) شکل اول - نامعتبر (۲) شکل چهارم - معتبر (۳) شکل اول - معتبر (۴) شکل چهارم - نامعتبر

۷۴۳- قضیه‌ای را که موضوع و محمول آن دارای علامت یکسان هستند را متضاد نموده‌ایم، قضیه به دست آمده کدام است؟

- (۱) موجبه کلیه (۲) سالبه کلیه (۳) موجبه کلیه یا سالبه جزئیه (۴) سالبه جزئیه یا موجبه جزئیه

۷۴۴- موضوع و محمول نتیجه یک قیاس اقترانی معتبر در مقدمات دارای علامت منفی هستند،

(۱) این موضوع و محمول در نتیجه می‌توانند علامت مثبت یا منفی داشته باشند.

(۲) این موضوع و محمول در نتیجه قطعاً همه مصادیقشان مورد نظر نیست.

(۳) این قیاس دارای نتیجه موجبه کلیه است.

(۴) با این اطلاعات درباره نتیجه قیاس هیچ چیز نمی‌توان گفت.

۷۴۵- کدام یک از گزینه‌های زیر می‌تواند در مورد یک قیاس معتبر باشد؟

(۱) هر دو مقدمه سالبه است.

(۲) حد وسط در یکی از مقدمات برخی از مصادیق را در بر می‌گیرد.

(۳) موضوع در نتیجه علامت مثبت دارد و همان موضوع در مقدمه علامت منفی دارد.

(۴) حد وسط در دو مقدمه به صورت مشترک لفظی آمده است.

۷۴۶- در کدام گزینه دامنه مصادیق موضوع و محمول هر دو دارای علامت منفی است؟

- (۱) هر الف ب است. (۲) بعضی الف ب است. (۳) سقراط دانشمند است. (۴) بعضی ج غیر د نیست.

۷۴۷- اگر نتیجه قیاسی «بعضی ب ج نیست» باشد؛ کدام یک از قضیه‌های زیر قطعاً نمی‌تواند مقدمه این قیاس معتبر باشد؟

- (۱) بعضی ج د است. (۲) هر ب د است. (۳) هیچ د ج نیست. (۴) بعضی د ب نیست.

۷۴۸- در قضایای شخصیه همیشه مورد نظر هستند و در قضایای موجبه همیشه مورد نظر هستند.

(۱) همه مصادیق موضوع - برخی مصادیق موضوع (۲) برخی مصادیق موضوع - همه مصادیق محمول

(۳) همه مصادیق موضوع - برخی مصادیق محمول (۴) همه مصادیق محمول - برخی مصادیق محمول

۷۴۹- نتیجه یک قیاس معتبر «بعضی الف ج نیست». می‌باشد، کدام گزینه نمی‌تواند مقدمات این قیاس باشد؟

(۱) بعضی الف ب است. - هیچ ب ج نیست. (۲) هر ب الف است. - بعضی ج ب نیست.

(۳) هر ب الف است. - بعضی ب ج نیست. (۴) هیچ الف ب نیست. - هر ج ب است.

۷۵۰- در کدام گزینه دو قضیه ذکر شده یک قیاس شکل دوم می‌سازند که قطعاً معتبر نیست؟

(۱) بعضی د الف نیست. - هیچ د ب نیست. (۲) بعضی الف ج است. - هیچ ب ج نیست.

(۳) هیچ الف ب نیست. - بعضی الف ج نیست. (۴) هر الف ب است. - بعضی ج ب است.

۷۵۱- اگر مقدمات یک قیاس «بعضی غیر ج ب نیست» و «هیچ غیر ج د نیست» باشند؛ کدام توضیح در مورد این قیاس صحیح است؟

(۱) قیاس شکل اول و معتبر است. (۲) قیاس شکل سوم و معتبر نیست.

(۳) قیاس شکل دوم و معتبر است. (۴) قیاس شکل چهارم و معتبر نیست.

سوالات کمی دشوارتر

۷۵۲- کدام یک از گزینه‌های زیر می‌تواند درباره یک قیاس اقترانی معتبر، مطرح گردد؟

(۱) شکل سومی که هر دو مقدمه آن جزئی است. (۲) شکل چهارمی که مقدمه اول آن جزئی و مقدمه دوم آن موجبه است.

(۳) شکل دومی که مقدمه اول آن سالبه و مقدمه دوم آن کلی است. (۴) شکل اولی که مقدمه اول آن سالبه جزئی و مقدمه دوم آن سالبه باشد.

۷۵۳- موضوع و محمول نقیض متضاد یک قضیه سالبه کلیه به ترتیب دارای چه علامتی است؟

- (۱) مثبت - منفی (۲) مثبت - مثبت (۳) منفی - منفی (۴) منفی - مثبت

۷۵۴- در کدام یک از اشکال قیاس اقترانی، برای معتبر بودن قیاس حتماً باید کیفیت دو مقدمه متفاوت باشد؟

- (۱) شکل اول (۲) شکل سوم (۳) شکل دوم (۴) شکل چهارم

۷۵۵- اگر نتیجه یک قیاس اقترانی شکل چهارم معتبر، «بعضی ج د است.» باشد و یکی از مقدمات آن «هر د الف است.» باشد، مقدمه دیگر کدام می‌تواند باشد؟

- (۱) بعضی الف ج است. (۲) هر الف ج است. (۳) هیچ الف ج نیست. (۴) هر ج الف است.

۷۵۶- کدام یک از قیاس‌های زیر معتبر نیست؟ (مقدمه اول و دوم به ترتیب آمده است)

(۱) بعضی الف ب است - هیچ ب ج نیست. (۲) هیچ ب ج نیست - هر د ج است.

(۳) هر ج الف است - بعضی ب الف نیست. (۴) هر ج الف است - هر ج ب است.

۷۵۷- اگر قیاس شکل دوم معتبری داشته باشیم و مقدمه اول آن «بعضی ب ج نیست» باشد، مقدمه دوم قطعاً است.

(۱) سالبه کلیه (۲) سالبه جزئیه (۳) موجبه کلیه (۴) موجبه جزئیه

۷۵۸- در یک قیاس شکل دوم معتبر مقدمه اول موجبه کلیه و مقدمه دوم سالبه کلیه است. در صورت متداخل نمودن مقدمه اول کدام عبارت درباره قیاس جدید درست است؟

(۱) نامعتبر است، زیرا شرط دوم اعتبار قیاس را ندارد.

(۲) نتیجه آن قطعاً سالبه جزئیه خواهد بود و با این نتیجه معتبر است.

(۳) به قیاس شکل چهارم تبدیل می شود که تمامی شرایط اعتبار قیاس را دارد.

(۴) برای معتربودن قیاس، نتیجه قطعاً سالبه است، اما جزئیه یا کلیه بودن نتیجه تأثیری در اعتبار آن ندارد.

۷۵۹- اگر مقدمه اول یک قیاس «بعضی الف ب نیست» باشد و بدانیم نتیجه آن «بعضی الف ج نیست» می باشد، مقدمه دوم کدام گزینه است؟

(۱) بعضی ج ب است. (۲) هیچ ج ب نیست. (۳) هر الف ج است. (۴) هر ج ب است.

۷۶۰- علت عدم صحت استدلال زیر کدام است؟ (ترتیب مقدمات رعایت شده است.)

«هیچ خفاشی پرنده نیست / هر پرنده ای حیوان است»

(۱) مغالطه عدم تکرار حد وسط (۲) عدم رعایت شرط اول (۳) عدم رعایت شرط سوم (۴) عدم رعایت شرط دوم

۷۶۱- کدام یک از قیاس های زیر با نقیض نمودن نتیجه اش معتبر می گردد؟

(۱) بعضی ج ب است - هیچ ب الف نیست ← بعضی ج الف است.

(۲) هیچ د ج نیست - برخی ب ج نیست ← برخی د ب نیست.

(۳) بعضی الف ب است - هیچ الف ج نیست ← هر ب ج است.

(۴) هر الف ب است - هر ج ب است ← بعضی الف ج است.

۷۶۲- اگر مقدمات یک قیاس اقترازی معتبر، «هیچ ب ج نیست» و «هر ج د است» باشد، نتیجه و شکل قیاس در کدام گزینه به درستی آمده است؟

(۱) بعضی ب د نیست. - شکل اول (۲) بعضی د ب است. - شکل سوم (۳) هر ب د است. - شکل اول (۴) بعضی د ب نیست. - شکل چهارم

۷۶۳- کدام عبارت درباره قیاس اقترازی شکل دوم معتبر، درست است؟

(۱) ممکن است هر دو مقدمه آن موجبه باشد.

(۲) نتیجه آن حتماً سالبه است.

(۳) محمول نتیجه از مقدمه اول می آید.

(۴) مقدمه اول حتماً موجبه است.

۷۶۴- درباره قیاس اقترازی که نیاز به بررسی علامت محمول نتیجه در مقدمات نیست؛ کدام عبارت درست است؟

(۱) حتماً قیاس اقترازی شکل اول است.

(۲) احتمال دارد قیاس اقترازی شکل دوم باشد.

(۳) قطعاً محمول هیچ یک از مقدمات دارای علامت مثبت نیست.

(۴) حد وسط در هر دو مقدمه قیاس لزوماً علامت مثبت دارد.

۷۶۵- کدام گزینه درباره قیاس اقترازی معتبری که همه مصادیق محمول یکی از مقدمات آن مورد نظر است، درست می باشد؟

(۱) ممکن است مقدمه دیگر آن سالبه باشد.

(۲) قطعاً موضوع این مقدمه دارای علامت منفی است.

(۳) این استدلال قیاس اقترازی شکل دوم است.

(۴) قطعاً محمول نتیجه این قیاس دارای علامت مثبت است.

۷۶۶- مقدمه دوم در شکل دوم قیاس اقترازی حتماً است.

(۱) موجبه

(۲) سالبه

(۳) کلی

(۴) جزئی

۷۶۷- وقتی نتیجه یک قیاس اقترازی شکل اول سالبه کلیه باشد؛ موضوع مقدمه اول و محمول مقدمه دوم به ترتیب چه علامتی دارد؟

(۱) مثبت - منفی

(۲) منفی - مثبت

(۳) هر دو مثبت

(۴) هر دو منفی

۷۶۸- نتیجه کدام یک از اشکال قیاس می تواند موجبه کلیه باشد؟

(۱) شکل اول

(۲) شکل دوم

(۳) شکل سوم

(۴) شکل چهارم

۷۶۹- به ترتیب شکل صحیح هر یک از قیاس های اقترازی زیر در کدام گزینه آمده است؟

(الف) هر ب ج است / هر الف ب است. ∴ هر الف ج است.

(ب) هیچ غیر ب غیر د نیست / هر غیر الف غیر د است. ∴ هیچ غیر ب غیر الف نیست.

(پ) بعضی ب ج است / هیچ الف ب نیست. ∴ بعضی ج الف نیست.

(۱) شکل اول - شکل چهارم - شکل سوم

(۲) شکل چهارم - شکل دوم - شکل چهارم

(۳) شکل چهارم - شکل دوم - شکل اول

(۴) شکل اول - شکل دوم - شکل چهارم

۷۷۰- اگر یکی از مقدمات قیاس اقترازی شکل دوم، «هیچ ب ج نیست» باشد و نتیجه آن قیاس «هیچ الف ب نیست» باشد؛ درباره مقدمه دیگر این قیاس

کدام عبارت درست است؟

(۱) مقدمه اول است و موضوع آن دارای علامت مثبت و محمول دارای علامت منفی است.

(۲) مقدمه اول است و به صورت، «هر الف ب است» می باشد.

(۳) مقدمه دوم است که به صورت سالبه جزئیه است.

(۴) مقدمه اول است که موضوع و محمول آن دارای علامت مثبت است.

۷۷۱- کدام یک از استدلال‌های زیر فقط یکی از شرایط اعتبار قیاس اقترانی را ندارد؟

- (۱) بعضی الف ب نیست / بعضی ج الف نیست. .۰ هیچ ب ج نیست.
(۲) بعضی ج ب است/ هر د ب است. .۰ بعضی ج د است.
(۳) بعضی الف ب نیست/ بعضی الف ج نیست. .۰ بعضی ب ج نیست.
(۴) بعضی الف ب است / هیچ ب ج نیست. .۰ بعضی الف ج نیست.

۷۷۲- با توجه به صدق «هیچ ج د نیست» و کذب «هیچ ج ب نیست»، کذب کدام یک از قضایای زیر قطعی است؟

- (۱) هر ج ب است. (۲) بعضی ب د نیست. (۳) هیچ ب د نیست. (۴) هر ب د است.

۷۷۳- اگر مقدمه دوم یک قیاس اقترانی شکل سوم معتبر، دارای موضوعی با علامت منفی و محمولی با علامت مثبت باشد، موضوع و محمول مقدمه اول آن به ترتیب، دارای چه علامتی است؟

- (۱) مثبت - منفی (۲) منفی - مثبت (۳) مثبت - مثبت (۴) منفی - منفی

۷۷۴- کدام یک از موارد زیر نمی‌تواند مقدمات یک قیاس اقترانی معتبر باشد؟ (مقدمه اول و دوم به ترتیب ذکر شده است).

- (۱) بعضی الف ج است/ هیچ الف ب نیست.
(۲) هیچ ج الف نیست/ بعضی ب الف است.
(۳) بعضی الف ب است/ هیچ ب ج نیست.
(۴) هر ج د است/ بعضی ب ج است.

۷۷۵- کدام تحلیل درباره استدلال زیر درست است؟

«نان و پنیر از هیچ چیز بهتر است؛ هیچ چیز از نان خالی بهتر نیست؛ بنابراین نان و پنیر از نان خالی بهتر نیست»

- (۱) قیاس شکل اول معتبر است.
(۲) مغالطه عدم تکرار حد وسط صورت گرفته است.
(۳) قیاس شکل چهارم معتبر است.
(۴) قیاس شکل اول است که به دلیل عدم پیروی از قانون نتیجه قیاس، نامعتبر است.

۷۷۶- نتیجه دو استدلال زیر کدام است؟

- (الف) بعضی الف ب است / هر ب ج است.
(ب) هر الف ج است / بعضی الف ب نیست.
(۱) هر الف ج است - بعضی ب ج نیست.
(۲) بعضی الف ج نیست - هر ج ب است.
(۳) بعضی الف ج نیست - هر ج ب است.
(۴) بعضی الف ج است - هیچ ج ب نیست.

۷۷۷- «هر یک از موضوع یا محمول نتیجه که در مقدمات همه مصادیقش مورد نظر است، در نتیجه دارای علامت مثبت است»، کدام یک از قیاس‌ها اقترانی معتبر زیر، مثال نقضی بر این عبارت است؟

- (۱) بعضی الف ب است. - هیچ ب ج نیست. ← بعضی الف ج نیست.
(۲) هر ج د است. - بعضی ج ب است. ← بعضی د ب است.
(۳) بعضی الف غیر ج است. - هیچ ب غیر ج نیست. ← بعضی الف ب نیست.
(۴) هر غیر الف د است. - هر ج غیر الف است. ← بعضی د ج است.

۷۷۸- در شکل اول قیاس اقترانی اگر محمول در مقدمه اول علامت مثبت داشته باشد؛
(۱) اگر محمول مقدمه دوم علامت منفی داشته باشد، ممکن است معتبر باشد. (۲) قیاس اقترانی قطعاً نامعتبر خواهد بود.
(۳) موجه یا سالبه بودن نتیجه قیاس مشخص نیست.
(۴) موضوع نتیجه نیز باید علامت مثبت داشته باشد.

۷۷۹- کدام عبارت درباره استدلال زیر درست است؟

«من به تو بدبین هستم؛ تو به برادر من بدبین هستی؛ بنابراین، من به برادر خودم بدبین هستم.»

- (۱) قانون نتیجه‌گیری قیاس رعایت نشده است.
(۲) نامعتبر است زیرا، محمول در نتیجه علامت مثبت دارد، اما در مقدمات علامت منفی دارد.
(۳) با وجود شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس اما این قیاس معتبر نیست.
(۴) یکی از انواع مغالطات در این استدلال صورت گرفته است.

۷۸۰- در میان استدلال‌های زیر، چند مورد مغالطه «عدم تکرار حد وسط» رخ داده است؟

(الف) آب از اکسیژن و هیدروژن است؛ اکسیژن و هیدروژن قابل احتراق هستند.

(ب) اموال دنیا برای من هیچ است؛ هیچ چیز برای من اهمیت ندارد.

(پ) برخی انسان‌ها از فقر به فساد کشیده می‌شوند، فقر نتیجه استعمار است.

(ت) بعضی از انسان‌ها از مرگ می‌ترسند، مرگ پایان زندگی است.

- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) یک

۷۸۱- در کدام یک از گزینه‌های زیر، براساس نتیجه ممکن است شکل قیاس اقترانی تغییر کند؟

- (۱) بعضی الف ب است/ هر ب ج است.
(۲) هیچ ج د نیست/ هر الف د است.
(۳) هر غیر ب الف است/ بعضی غیر ب ج نیست.
(۴) بعضی غیر ب غیر الف است/ هیچ ج غیر الف نیست.

۷۸۲- در استدلال معتبر شکل سوم زیر، متناقض عکس مقدمه اول استدلال چیست؟

(۱) مقدمه اول

(۲) بعضی ب الف نیست.

.۰ بعضی ج الف نیست.

- (۱) هر ب ج است. (۲) هیچ ج ب نیست. (۳) بعضی ب ج است. (۴) بعضی ج ب است.

۷۸۳- استدلال زیر یک قیاس شکل چهارم معتبر است؛ موضوع و محمول نتیجه و علامت هر کدام به ترتیب کدام است؟

«هیچ ج الف نیست؛ بعضی الف ب است»

- (۱) ب - ج - مثبت - مثبت
(۲) الف - ب - منفی - مثبت
(۳) ب - ج - منفی - مثبت
(۴) ج - ب - مثبت - مثبت

۷۸۴- با قضایای مذکور در کدام گزینه می توان قیاس اقترانی معتبر بیشتری ساخت؟

- (۱) بعضی الف ب است - بعضی الف د نیست - هر ج الف است.
(۲) بعضی الف ب است - هیچ ب ج نیست - هر ب د است.
(۳) هیچ ب د نیست - بعضی د ج نیست - بعضی الف د نیست.
(۴) هر الف ب است - هیچ ج ب نیست - بعضی ب د نیست.

۷۸۵- در کدام یک از موارد زیر با متضادنمودن نتیجه به قیاسی معتبر دست می یابیم؟

- (۱) هر الف ب است/ هیچ ب ج نیست ← هر الف ج است.
(۲) هر الف ب است/ بعضی الف ج نیست ← هیچ ب ج نیست.
(۳) هیچ الف ب نیست/ بعضی ب ج نیست ← بعضی الف ج نیست.
(۴) بعضی الف ب نیست/ هر ج الف است ← هر ب ج است.

۷۸۶- نتیجه کدام قیاس لزوماً دارای موضوع و محمولی با علامت منفی است؟

- (۱) هر الف ب است/ هر ب ج است.
(۲) بعضی الف ب است/ هیچ ج ب نیست.
(۳) هر ج ب است/ هر ج د است.
(۴) هیچ ج د نیست/ هر ب د است.

۷۸۷- اگر هر دو مقدمه یک قیاس اقترانی، متضاد نداشته باشد، کدام عبارت در مورد آن قیاس درست است؟

- (۱) قیاس قطعاً نامعتبر است.
(۲) اعتبار یا عدم اعتبار قیاس بستگی به شکل قیاس دارد.
(۳) نتیجه نیز متضاد ندارد.
(۴) در صورتی که نتیجه قیاس سالبه باشد، قیاس معتبر خواهد بود.

۷۸۸- با آگاهی از کذب قضایای «بعضی الف ج است» و «بعضی ب ج نیست» به صدق کدام یک از قضایای زیر می توانیم پی ببریم؟

- (۱) بعضی ب الف است.
(۲) هیچ ب ج نیست.
(۳) هر الف ج است.
(۴) هیچ ب الف نیست.

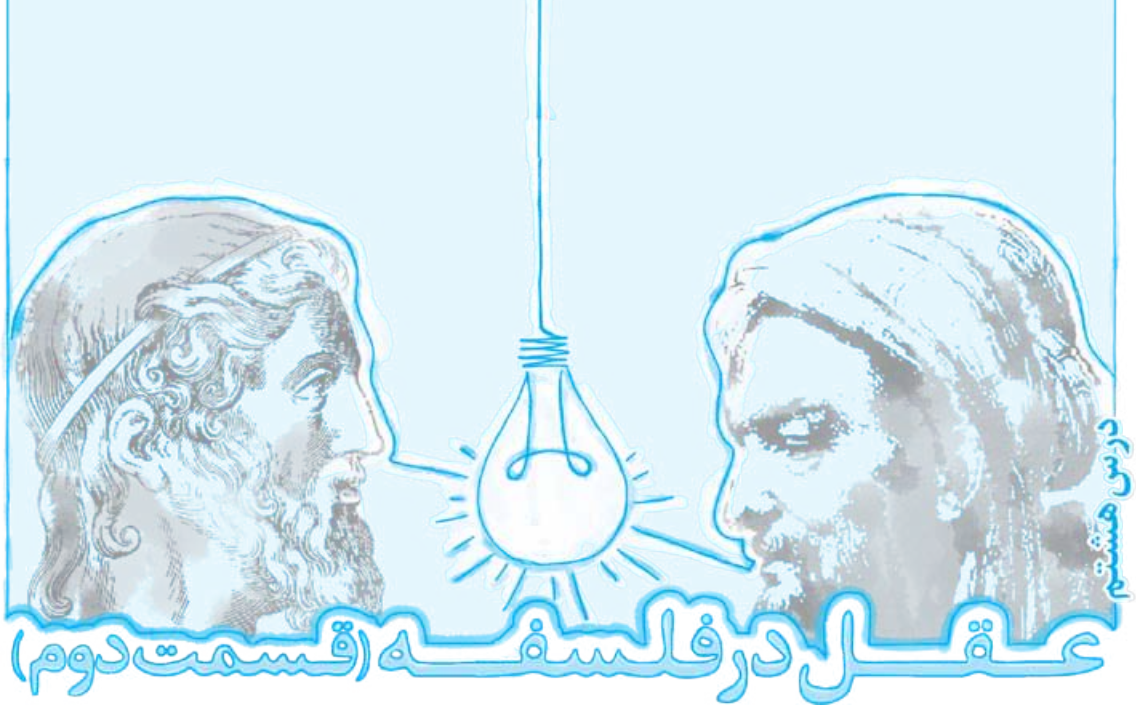
۷۸۹- قیاس زیر یک قیاس اقترانی نامعتبر است؛ با کدام تغییر می توان آن را به یک قیاس اقترانی معتبر تبدیل نمود؟

هر الف ج است.

هیچ الف ب نیست.

هیچ ج ب نیست.

- (۱) مقدمه اول را متضاد نماییم.
(۲) نتیجه را عکس مستوی نماییم.
(۳) مقدمه دوم را متداخل نماییم.
(۴) نتیجه را متداخل نماییم.



دورنما:

این درس هم همان‌طور که از اسمش پیداست، ادامهٔ درس قبل است. در درس قبل معانی عقل از دیدگاه فیلسوفان را توضیح دادیم و سپس وارد سیر تاریخی بحث عقل در فلسفه شدیم. در این سیر، آرای یونانیان باستان و بعد از آن فیلسوفان دورهٔ جدید اروپا را بررسی کردیم. در این درس ابتدا مختصری پیرامون عقل نزد ایرانیان قبل از باستان و سپس دربارهٔ نظر فیلسوفان مسلمان پیرامون عقل گفت‌وگو خواهیم کرد.

عقل نزد حکمای ایران پیش از باستان

- قبل از دورهٔ طلایی عقل‌گرایی در ایران که همان دورهٔ تمدن اسلامی است، نگاهی به دورهٔ ایران پیش از باستان می‌اندازیم.
 - در دورهٔ پیش از باستان، ایران یکی از کانون‌های اولیهٔ عقل‌گرایی و خردورزی بوده است و حکیمان مردم را به عقل و خرد دعوت می‌کردند.
 - منابع اطلاعات ما از عقل‌گرایی در ایران پیش از باستان، گزارش‌هایی مانند گزارش فردوسی در شاهنامه و گزارش سهروردی در کتاب حکمة‌الاشراق است. البته هر دوی این منابع خودشان مربوط به دورهٔ اسلامی هستند.
 - این منابع نشان می‌دهند حکیمان ایران قدیم یعنی دورهٔ پیش از باستان، به هر دو معنای فلسفی عقل توجه داشته‌اند:
- ۱ | عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر (آنان حتی خدا را عقل نامیده‌اند. در درس قبل هم گفتیم برخی فیلسوفان خدا را عقل کل می‌نامند.)
 ۲ | عقل به عنوان دستگاه تعقل و تفکر و خردورزی (همان معنای رایج بین مردم)

رابطهٔ عقل با خدا در حکمت ایران پیش از باستان

- ۱ | خودش عقل نامیده می‌شود.
 - ۲ | مجموعهٔ جهان را با عقل و خرد خود رهبری می‌کند.
 - ۳ | جهان را براساس خرد می‌آفریند.
 - ۴ | با خرد و اندیشه جان‌ها و جهانیان و خرد انسان‌ها را آفریده است.
- در اندیشهٔ حکیمان آن دوره، مزدا یعنی خدای جهان‌آفرین (آفریدگار)

افول عقل‌گرایی در ایران بعد از باستان و قبل از اسلام

به تدریج قدرت عقل‌گرایی و خردورزی ایران قدیم کاسته شد و در عصر ساسانیان به ویژه اواخر این عصر به ضعف گرایید. ضعف عقل‌گرایی در اواخر دورهٔ ساسانیان منجر به این شد که مواردی از عقاید غیرعقلانی در فرهنگ و نظام اجتماعی آنان پدیدار شود.

عقل‌گرایی در تمدن اسلامی

به گواهی تاریخ، در تمدن اسلامی همهٔ علوم عقلی به‌خصوص فلسفه، رشد چشمگیر داشته است.

این رشد به حدی چشمگیر بوده است که در این دورهٔ تمدنی، فیلسوفانی داریم که شهرت جهانی دارند و در طراز چند فیلسوف اول تاریخ هستند.

پیام‌های آسمان؛ عامل توجه به عقل و حرکت علمی

- یکی از زمینه‌ها و عوامل مهم (عامل اصلی^۱) توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام؛ دعوت به تعقل است از سوی قرآن کریم و سخنان پیامبر ﷺ و عترت گرامی ایشان ﷺ (حدیث)

۱- در «به کار بستیم» پایان این درس، این عامل، عامل اصلی نامیده شده است.

از این رو

عقل، در فرهنگ مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه‌ای داشته و همواره از عقل با تجلیل یاد شده است.

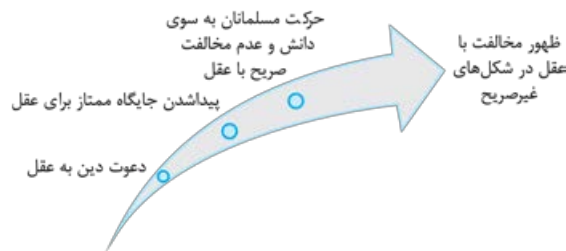
لذا

کم‌تر شخصیتی در تاریخ اسلام بوده که در بزرگداشت عقل سخن نگفته باشد.

نتیجه جایگاه ممتاز عقل در فرهنگ عمومی مسلمانان

۱ حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه‌های مختلف و رشد و پیشرفت فوق‌العاده عموم شاخه‌های دانش، از جمله فلسفه اتفاق افتاد.

۲ در آن دوره (دوره رشد فوق‌العاده علوم در تمدن اسلامی)، مخالفت مستقیم و صریح با عقل کم‌تر صورت می‌گرفت و کسی علیه عقل سخن نمی‌گفت. ← مخالفت برخی جریان‌های فکری با عقل در دو شکل غیرصریح و غیرمستقیم، ظهور کرد.



دو شکل غیرمستقیم مخالفت با عقل

علی‌رغم جریان علمی عمومی و پذیرش کاربرد عقل در علم، مخالفت برخی جریان‌های فکری با عقل هم وجود داشت. این مخالفت‌ها در دو شکل ظهور کرد که به نوعی به مسائل دینی مربوط می‌شدند.

دو شکل مخالفت با عقل

۱ تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن

۲ مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی

شکل اول مخالفت با عقل: ورود عقل به حوزه دین ممنوع: حرف این جریان‌ها این بود که برخی روش‌های عقل در مسائل دینی کاربرد ندارند و هر کس از این روش‌های عقلی استفاده کند، به خطا می‌افتد و به دین آسیب می‌زند. نتیجه این که عقل نباید در حوزه دین وارد شود و آلا دچار خطا و آسیب‌های دینی می‌شویم. مثلاً ابن تیمیه می‌گفت در الهیات و مابعدالطبیعه نه «برهان» و نه «تمثیل» قابل استفاده نیست (این از بخش‌های ستاره‌دار کتابه و لازم نیست روش زیاد وقت بذارید). یا اشاعره می‌گفتند مُسْن و قُبْح اعمال رو خدا مشفق می‌کنه، نه عقل. یعنی آگه خدا گنه که عدل فوبه، عدل درگه فوبه نیست و آگه خدا بگه ظلم فوبه، ظلم فوبه همیشه (اینم ستاره‌داره).

شکل دوم مخالفت با عقل: فلسفه، ممنوع: از همون روز اول که رشد فلسفه در یونان اسلام شروع شد تا همین امروز که داریم با هم حرف می‌زنیم به عده می‌گفتن و می‌گن فلسفه مال یونانیای نامسلمون بوده و کفره.

همواره کسانی در جهان اسلام گفته‌اند که دانش فلسفه از یونان وارد شده و دربردارنده عقاید کسانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و این عقاید با عقاید اسلامی سازگار نیست.

پاسخ فلاسفه به مخالفان دسته دوم: اولاً کی گفته سازگار نیست ثانیاً ببین مرئوس چه پی کار با دین و ملیتش داری؟

اولاً بسیاری از نظرات سقراط، افلاطون و ارسطو با آموزه‌های اسلامی سازگار است.

ثانیاً فلسفه هم یک دانش مثل بقیه دانش‌هاست. مگر وقتی به عنوان مثال، فیزیک می‌خوانیم، نگاه می‌کنیم دین و ملت نیوتن چه بوده است و اگر مسلمان ایرانی بود حرفش را می‌پذیریم؟ طبعاً ما کاری با دین و ملت یک دانشمند نداریم و به دلایل علمی او توجه می‌کنیم؛ البته نه این که هر چه گفت بپذیریم بلکه دستاوردهای علمی او را نقد و بررسی می‌کنیم و قدم‌های بعدی را در جهت پیشرفت دانش برمی‌داریم. این کار در مورد همه علوم انجام می‌شود تا راهی را که دیگران پیاده‌اند، دوباره طی نکنیم و تجربه‌ای را که اندوخته‌اند، دوباره محک نزنیم.

فلسفه هم یکی از شاخه‌های دانش و معرفت بشر است و از قاعده بقیه دانش‌ها مستثنا نیست، یعنی به یک ملت و نژاد خاص تعلق ندارد. هر فردی با هر ملت و نژادی می‌تواند وارد فلسفه شود و درباره مسائل فلسفی (مسائل مربوط به هستی و حقیقت اشیا) فکر کند و به تحقیق بپردازد. در فلسفه هم ضروری است که از دستاوردهای متفکران دیگر استفاده کنیم و قدم‌های بیشتری در جهت رشد این دانش برداریم.

البته دانش فلسفه به معنای پیروی و تقلید از فیلسوفان مشهور و نامدار نیست، بلکه به معنای **بحث استدلالی درباره حقیقت اشیا** است؛ پس ضرورت استفاده از دستاوردهای متفکران دیگر سبب نمی‌شود این استفاده **همراه با نقد و بررسی** سخنان فیلسوفان نباشد. زیرا در هر دانشی، در مورد این که کسی درست می‌گوید یا نادرست، فقط **استدلال** است که دآوری می‌کند، نه یونانی یا ایرانی یا چینی بودن. حالا کجای این کار اشکال دارد که ما از دستاوردهای سقراط و افلاطون و ارسطو استفاده کنیم؟

پاسخ به مخالفان عقل فلسفی که می‌گویند فلسفه از یونان آمد و خلاف اسلام است

علاوه بر این که بسیاری از آرای سقراط، افلاطون و ارسطو با اسلام سازگار است، فلسفه دانش و شاخه‌ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می‌تواند وارد آن شود.

دانش فلسفه یعنی «**بحث استدلالی درباره حقیقت اشیا**». (حقیقت اشیا = هستی)

پس در فلسفه از فیلسوفان نامدار تقلید نمی‌کنیم بلکه از دستاوردهای آنان همراه با نقد و بررسی قوت دلاییشان، بهره می‌بریم.

در فلسفه هم مانند هر دانش دیگری، ملاک درستی و نادرستی هر سخنی فقط **استدلال** است.

عقل نزد فیلسوفان مسلمان

عموم فیلسوفان مسلمان، هر دو کاربرد واژه «عقل» را قبول داشتند و درباره آن‌ها سخن گفته‌اند.

۱) عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی

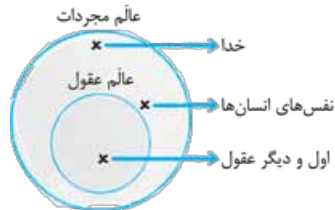
۲) عقل، به عنوان قوه استدلال و شناخت

دیدگاه فارابی و به تبع او ابن سینا درباره تعداد عقول. امروزه فیلسوفان تعداد مشخصی برای عقول تعیین نمی‌کنند.



۱- نظر فیلسوفان مسلمان درباره عقل، به عنوان موجود متعالی

- تجرد عقول: این عقول موجوداتی هستند که حقیقت وجودشان مجرد از ماده است؛ یعنی موجوداتی کاملاً روحانی و غیرمادی.
- اثبات دقیق‌تر: فیلسوفان مسلمان، روشن‌تر و دقیق‌تر از فیلسوفان باستان (مثل هراکلیتوس)، عقول مجرد را اثبات کردند.
- اولین مخلوق: از نظر فیلسوفان مسلمان اولین مخلوق خداوند، عقل اول است. بعد از عقل اول، عقول دیگری هم به ترتیب از آن به وجود آمده‌اند.
- عالم عقول: قبلاً گفته بودیم که عقول جزئی از عالم ماوراءالطبیعه (مجردات) هستند؛ یعنی فوق عالم طبیعت‌اند. این عقول خودشان یک عالم را تشکیل می‌دهند که زیرمجموعه عالم عقل اول و دیگر عقول مجردات است.



واسطه فیض: فیض خداوند از طریق این اولین مخلوقات عالم عقول، به سایر عوالم می‌رسد. یعنی مثلاً اگر خداوند بخواهد یک فیضی را به عالم طبیعت برساند، این فیض، اول به عقل اول داده می‌شود، بعد از او به عقل دوم و از عقل دوم به سوم و ... تا این که نهایتاً به جهان طبیعت می‌رسد.

غیر عقل تو، حق را عقل‌هاست که بدان تدبیر اسباب سماست

علم عقول: در درس قبل گفتیم علم عقول از طریق شهود و بدون استدلال است.

رابطه عقول با عقل انسانی: عقلی که در انسان هست و به او توانایی اندیشیدن می‌دهد نیز پرتوی از همان عالم عقول است. اگر عقل انسانی تربیت شود و رشد کند (تهذیب نفس)، علاوه بر استدلال کردن، می‌تواند مانند عقول، حقایق را مشاهده کند؛ یعنی به طور بی‌واسطه، آن‌ها را بیابد و شهود کند (همونی که توی درس ۷ فلسفه یازدهم بوش می‌گفتیم ابزار قلب).

عقل فعال، مادر عقل‌های ما: یکی از عقول عالم عقل، «عقل فعال» نام دارد (این عقل با عقل اول متفاوت است). کار این عقل فیض‌رساندن به عقل انسان‌هاست. یعنی هر چیزی که عقل ما درک می‌کند، توانایی ادراکش از طرف این عقل مجرد اعطا شده است. مثلاً اگر ما می‌توانیم مفاهیم کلی را که پایه هر استدلالی هستند، درک کنیم، به این خاطر است که عقل فعال به قوه عقل ما این توانایی را داده است. در پرتو فیض عقل فعال است که ما قدرت پیدا می‌کنیم تفکر عقلی داشته باشیم و استدلال کنیم و به درک حقایق برسیم. پس تمام ادراک‌ها و دانش‌های ما به مدد این عقل صورت می‌گیرد. البته این مدرسانی در باطن وجود ما صورت می‌گیرد و برایمان محسوس نیست. فارابی درباره نسبت عقل فعال با دستگاه ادراکی انسان می‌گوید:

سخن فارابی درباره عقل فعال

مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان‌طور که آفتاب نوربخشی می‌کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود، عقل فعال نیز نخست چیزی در قوه عقلی آدمی می‌رساند؛ به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می‌شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می‌کند و به ادراک حقایق می‌رسد.

۲- نظر فیلسوفان مسلمان درباره عقل، به عنوان دستگاه تفکر

فیلسوفان مسلمان همه راه‌های عقلی شناخت و همه انواع استدلال را قبول دارند. به همین دلیل فیلسوفان مسلمان برخلاف فیلسوفان دوره جدید اروپا، به دو گروه عقل‌گرا و تجربه‌گرا تقسیم نمی‌شوند.

تمثیل (استدلال مبتنی بر مشابَهت ظاهری)

هر کدام در محدوده و جایگاه خود روشی معتبر و قابل استفاده برای کسب دانش هستند.

از جمله روش‌های عقلی استدلال تجربی (قیاس یا استقرای مبتنی بر تجربه) برهان عقلی محض (قیاس مبتنی بر بدیهیات عقلی)

سخن فیلسوفان مسلمان و سخن ابن سینا درباره جایگاه دلیل عقلی

فیلسوفان مسلمان: «ما فرزندان دلیل هستیم». این سخن یعنی هر نظر و هر مکتب و آیینی که دلایل استوار عقلی داشته باشد، می‌پذیریم. ابن سینا: «هر کس عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است».

مراحل چهارگانه رشد و تکامل عقل از نظر فارابی و ابن سینا

فارابی و ابن سینا معتقدند عقل در هنگام تولد صرفاً یک استعداد است و هنوز شکل نگرفته است. این استعداد باید تربیت شود تا رشد کند. رشد و تکامل عقل را می‌توان به رشد و تکامل جسمی انسان تشبیه کرد. همان‌طور که انسان مراحل کودکی، نوجوانی و جوانی را می‌گذراند، عقل هم باید تعدادی مراحل تکاملی را طی کند. البته همان‌طور که گفتیم تکامل عقل مستلزم تربیت است. مراحل رشد عقل، چهار مرحله است:

۱- عقل بالقوه یا عقل هیولانی: این مرحله حالت صفر عقل است. یعنی همان وضعیت هنگام تولد که عقل چیزی جز یک استعداد نیست؛ بنابراین هنوز هیچ قدرت عقلی و طبیعتاً هیچ ادراک عقلی شکل نگرفته است. نوزاد انسان را دارای عقل هیولانی می‌دانند چون او استعداد و آمادگی دارد که در آینده کسب دانش کند، ولی واضح است که یک بچه‌گربه هر چه‌قدر هم رشد کند هرگز دانش‌های انسانی را درک نخواهد کرد. به عنوان مثال، نوزاد انسان و نوزاد گربه هر دو سواد خواندن و نوشتن ندارند ولی نوزاد انسان برخلاف گربه، استعداد این کارها را دارد.

۲- عقل بالملکه: مفاهیم و قضایای بدیهی، مفاهیم و قضایایی هستند که بدون نیاز به تعریف و استدلال برای عقل روشن هستند. مثلاً مفهوم «عدد ۱» جزء مفاهیم بدیهی در ریاضیات است و این که «عدد ۱ می‌تواند با خودش جمع شود و اعداد بزرگ‌تری را بسازد» جزء قضایای بدیهی ریاضیات است. مفاهیم و قضایای بدیهی زیربنای همه تعریف‌ها و استدلال‌های ما هستند و تا به وجود نیابند، امکان هیچ تعریف و استدلالی نیست.

عقل انسان در مرحله دوم از رشد خود، مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می‌کند. یکی از قضایای بدیهی، «امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین» است (توی درس ۷ منطق هم گفته بودیم که این قفیه، مادر همه قضایا است و تا فهمیده نشه هیچ قفیه دیگه‌ای قابل اثبات نیست). بنابراین وقتی عقل انسان به مرحله **عقل بالملکه** رسید، مثلاً می‌فهمد انسان نمی‌تواند هم باشد و هم نباشد و یک توپ نمی‌تواند هم سفید باشد و هم سیاه و ... انسانی که به مرحله عقل بالملکه برسد، می‌تواند به کسب علوم و دانش‌ها بپردازد، اما تا قبل از آن هیچ دانشی قابل فهم نیست.

۳- عقل بالفعل: این مرحله، به ثمر نشستن استعداد عقلی و شکوفایی آن است. اصطلاحاً می‌گویند عقل فلانی به فعلیت رسید. یعنی آن دانش‌هایی که ابزار عقل، به تنهایی یا به کمک سایر ابزارها، استعداد رسیدن به آن‌ها را دارد، حالا محقق شده است. انسان به مرحله **عقل بالفعل** نمی‌رسد مگر این که با تمرین و تکرار، چنین دانش‌هایی را کسب کرده باشد.

۴- عقل بالمستفاد: در این مرحله انسان به تسلط کامل بر دانش‌های خود می‌رسد. یعنی هرگاه اراده کند می‌تواند از دانش‌های خود استفاده کند. به همین خاطر نام این مرحله را **عقل بالمستفاد** گذاشته‌اند. این وضعیت مانند حالت یک استاد ریاضی است که آن‌چنان بر دانش ریاضی مسلط است که هر مسئله‌ای جلوی او بگذارند، بلافاصله آن را حل می‌کند.

مراحل رشد و تکامل عقل انسان:



رابطه دین و فلسفه از دیدگاه عموم فیلسوفان مسلمان

مبنای مشترک **دلیل محوری و پذیرش انواع شناخت‌های عقلی**، موجب می‌شود عموم فیلسوفان مسلمان سه دیدگاه مشترک در باب قبول اعتقادات و آیین‌ها داشته باشند:

۱- لزوم استدلال عقلی برای ایمان: (بدون استدلال هیچ عقیده‌ای پذیرفته نمی‌شود؛ حتی از شما دوست عزیز!)

پذیرش هر اعتقاد و آیینی، نیازمند **استدلال عقلی** است.

قب یعنی همه مردم برای ایمان آوردن باید در هر این سینا استدلال کنند؟! معلومه که نه! هر که عقلش پیش، دلیلش بیشتر استدلال عقلی مورد نیاز برای پذیرفتن یک مطلب، برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است. یعنی **حجت و دلیل هر کس** باید به اندازه توان و قدرت فکری خودش باشد. مهم این است که **ارزشمندی ایمان به پشتوانه عقلی** آن است. ایمانی که پشتوانه عقلی نداشته باشد، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه بکشاند.

ایمانی ارزشمند است که **پشتوانه عقلی** داشته باشد.
پشتوانه عقلی هر کس باید به اندازه **توان فکری** او باشد.

۲- جایگاه عقل در دین: (عقل ابزار فهم دینه)

فیلسوفان مسلمان **عقل** را در کنار **حس و قلب**، یکی از ابزار معرفت می‌دانند (درس ۷ فلسفه بازرهم یادش بفرم؛ آنان معتقدند که عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است و ما می‌توانیم به کمک عقل در آیات قرآن تدبر کنیم و به معارف آن پی ببریم (این همون معرفت وهیانی غیر انبیاست که توی درس ۷ فلسفه بازرهم فوندریم). به همین جهت برخی از فیلسوفان، مفسر قرآن هم بوده‌اند و تفسیرهای ارزشمندی نوشته‌اند و خدمات بزرگی به نشر معارف قرآنی نموده‌اند؛ مثل ملاصدرا و علامه طباطبایی.

۳- عقل و سایر منابع کسب معرفت دینی: (درسته که اصل عقله ولی راه‌های دیگه‌ای هم هست)

گفتیم اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی استدلال عقلیه، هنوزم سر مرفمون هستیم. ولی قرار نیست چون عقل هست بقیه ابزارهای معرفت رو تعطیل کنیم! بلکه هر چیز به بای فویش نیکوست. فیلسوفان مسلمان گرچه استدلال عقلی را شرط لازم ایمان می‌دانند ولی راه کسب معرفت را منحصر در عقل نمی‌کنند، بلکه **حس** و به خصوص **شهود** را هم معتبر می‌دانند. لذا برخی از فیلسوفان مسلمان برای کسب معرفت **شهودی** اقدام به تربیت خود و تهذیب نفس کرده‌اند.

رابطه «شهود» با «وحی»: فیلسوفان، **وحی** را عالی‌ترین مرتبه شهود می‌شمارند. این مرتبه فقط به پیامبران اختصاص دارد و سایر مردم نمی‌توانند به آن برسند. انبیا از طریق وحی به برترین دانش‌ها و معارف دست می‌یابند و آن دانش‌ها را در اختیار مردم می‌گذارند؛ بنابراین مردم باید با ابزار عقل در آموزه‌های پیامبران اندیشه کنند تا به معرفت **و حیاتی غیر مختص** به انبیا برسند.

رابطه نتیجه «استدلال عقلی» با نتایج «شهود» و «وحی»: فیلسوفان مسلمان معتقدند **استدلال عقلی، شهود** و **وحی** هر سه ما را به حقیقت می‌رسانند و لذا در موضوعات مشترک حتماً به یک نتیجه خواهند رسید. از نظر آنان گرچه هر کدام از این سه طریق معرفتی، روش خاص خود را دارند و از مسیرهای متفاوتی در جست‌وجوی حقیقت هستند ولی این سه طریق، **تأییدکننده** و **کمک‌کننده** به یکدیگرند.



به عبارت دیگر، این سه طریق کسب معرفت، مستقل از هم هستند و به یکدیگر احتیاج ندارند. ولی چون نتیجه یکسان دارند، یکدیگر را تأیید می‌کنند، پس می‌توان رابطه این سه طریق را رابطه «مؤیدبودن» و «کمک‌کننده بودن» دانست. ملاصدرا راجع به مطابقت احکام دین با احکام معرفت بشری می‌گوید:

سخن ملاصدرا

امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت یقینی و قطعی در تقابل باشد و نفرین بر آن فلسفه‌ای که قوانینش با قرآن و سنت مخالف و متضاد باشد و با آن‌ها مطابقت نکند.

پس بین معرفت یقینی و قطعی بشری با دین حق اختلافی نیست، اما همه شناخت‌های انسان هم که قطعی و یقینی نیستند. در این موارد اگر اختلافی بین نتیجه استدلال عقلی و معرفت وحیانی پیش بیاید، چه باید کرد؟

گمان تعارض عقل با وحی: درست است که سه طریق عقل، شهود و وحی همگی معتبر هستند و باید به نتیجه یکسان برسند ولی گاهی در عمل به نظر می‌رسد اتفاق دیگری می‌افتد. واقعیت این است که ما انسان‌ها توانمندی‌های عقلی محدود و متفاوتی داریم، در نتیجه ممکن است در استدلال عقلی یا در فهم وحی دچار مغالطه و اشتباه بشویم. در این مواقع، نتایج استدلال‌های نامعتبر ما نیز احتمالاً نادرست خواهند بود. در این صورت ممکن است بین برخی از این نتایج با داده‌های وحی تعارض وجود داشته باشد، اما در این موارد چه باید کرد؟

آیا می‌شود نتیجه استدلال را کنار بگذاریم و سخن وحی را بپذیریم؟ در عقاید مهم و اساسی نه؛ زیرا مبنای پذیرش هر اعتقادی استدلال عقلی است و خود حقانیت دین هم با عقل ثابت شده است.

آیا می‌شود سخن وحی را کنار بگذاریم و نتیجه استدلال را بپذیریم؟ مسلماً نه؛ زیرا وحی از جانب خداوند است و عقل ما درستی داده‌های آن را پذیرفته است. **پس راه حل چیست؟** می‌دانیم تعارض حقیقی، بین نتایج سه طریق معرفت وجود ندارد. پس تعارض حتماً واقعی نیست بلکه تنها توهم و گمان تعارض است. در موارد توهم تعارض استدلال و وحی، تنها راهی که داریم این است که تلاش علمی خود را افزایش دهیم، از دانش دیگران هم استفاده کنیم تا بتوانیم خطاهای خود را اصلاح نموده و از توهم و گمان تعارض میان یافته‌های عقلی و دستاوردهای وحیانی رهایی یابیم.

تفاوت اساسی میان فیلسوفان مسلمان و رهبران کلیسا درباره رابطه عقل و دین

در درس قبل گفتیم که رهبران کلیسا در دوره دوم حاکمیت خود، می‌خواستند به عقلانیت رو بیاورند. ولی مشکل اساسی آن‌ها ورود پیدا کردن اعتقادات خلاف عقل در دین مسیحیت در دوران گذشته بود. اما فیلسوفان مسلمان با چنین مشکلی روبه‌رو نبودند چون در اسلام، عقاید خلاف عقل وجود ندارد.

تفکر

سخن ابن سینا در مقدمه رساله‌ای به نام «معراجیه»

شریف‌ترین انسان و عزیزترین انبیا و خاتم رسولان علیه السلام چنین گفت با مرکز حکمت و فلک حقیقت و خزینه عقل، امیرالمؤمنین علیه السلام که «ای علی، چون می‌بینی که مردم با انواع نیکی‌ها به سوی خالق خود تقرب می‌جویند، تو به انواع تعقل و تفکر به او تقرب جوی تا از آنان سبقت گیری» و این خطاب جز با چنین بزرگی ممکن نبود؛ زیرا او (حضرت علی علیه السلام) در میان خلق مانند «معقول» (مثلاً فرشتگان) در میان «محسوس» (مثلاً حیوانات و گیاهان و جمادات) بود، لاجرم چون با دیده بصیرت به ادراک اسرار شتافت، همه حقایق را دریافت و «دیدن» یک حکم دارد که گفت: «اگر پرده کنار رود، بر یقین من افزوده نمی‌شود.»

توضیح: از نظر فیلسوفان عبادت با انواع تعقل، یعنی هم استفاده از قوه استدلال برای رسیدن به حقایق و هم متصل شدن به عالم عقول و شهود حقایق که طریق آن تهذیب نفس است. ابن سینا معتقد بود که امیرالمؤمنین علیه السلام به مرتبه عقول رسیده بودند و همه حقایق را بی‌واسطه و به علم شهودی ادراک می‌کردند. دلایل این باور ابن سینا از توصیفات او فهمیده می‌شود:

۱) تمثیل او از حضرت علی علیه السلام در مقابل سایر مردم، «معقول» است در مقابل «محسوس». معقول یعنی امور عقلی مثل فرشتگان؛ یعنی حضرت علی علیه السلام به مرتبه عقول مجرد رسیده بودند و حقایق را مشاهده می‌کردند.

۲) ابن سینا علم حضرت علی علیه السلام را از جنس دیدن با دیده بصیرت می‌داند که همان مشاهده مستقیم حقایق است. نشانه این «دیدن» هم این است که حضرت علی علیه السلام فرمودند که اگر پرده غیب کنار رود و همه حقایق برای همه روشن شود، بر یقین من چیزی افزوده نمی‌شود. چون من همین الان هم به مرتبه شهود همه حقایق رسیده‌ام و چیزی بر من مخفی نیست.

هم‌چنین معنای ساده‌تری که برای «عبادت با انواع تعقل» می‌توان بیان نمود این است که انسان اهل تفکر باشد و در نعمت‌های الهی و جهان خلقت تفکر کند و هم‌چنین اعمال و عبادات خود را با تفکر توأم نماید.

با توجه به شخصیت فلسفی ابن سینا که بسیار به استدلال عقلی اهمیت می‌داده است، از این بیان ابن سینا معلوم می‌شود که او هیچ تعارضی بین وحی و عقل و شهود نمی‌دیده و معتقد بوده است که این سه طریق معرفت، همگی مستقل از یکدیگر به حقیقت می‌رسند و مؤید هم هستند. به عبارت دیگر، پیام فلسفی جمله ابن سینا آن است که او که خود یک فیلسوف بزرگ است، دین اسلام را یک دین کاملاً عقلانی و منطقی یافته و رهبران این دین را انسان‌هایی مشاهده کرده که در بالاترین مرتبه عقل و عقلانیت هستند.

خلاصه برخی نکات این درس

تأکید قرآن و سنت بر عقلانیت ← پیداشدن جایگاهی ممتاز برای عقل در جهان اسلام ← شروع حرکت علمی عمومی و عدم مخالفت صریح با عقل
 ← ظهور دو شکل دیگر مخالفت با عقل که صریح نبود.

- ۱ تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن
 ۲ مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی

پاسخ فیلسوفان به کسانی که با استفاده از دستاوردهای یونانی فلسفی مخالف بودند:

- ۱ سازگاری تقریبی فلسفه برخی یونانیان با اسلام: بسیاری از آرای سقراط، افلاطون و ارسطو با اسلام سازگار است.
 ۲ مجاز بودن ورود یونانیان به فلسفه: فلسفه شاخه‌ای از دانش است که هر فردی با هر نژاد و ملیتی می‌تواند در آن وارد شود ولی پیروی از او لازم نیست.
 ۳ ضرورت استفاده از فلسفه یونان: در فلسفه هم مانند سایر دانش‌ها بهره‌گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است؛ البته استفاده همراه با نقد دلایل.
 ۴ ملاک بودن «استدلال» و ممنوع بودن تقلید: فلسفه به معنای پیروی و تقلید از فیلسوفان نامدار نیست، بلکه به معنای بحث استدلالی درباره حقیقت اشیا است.
 به عبارت دیگر، در یک دانش، فقط استدلال است که ملاک داوری است.

- ۱ عقل به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی
 ۲ عقل به عنوان قوه استدلال و شناخت

نکات عقل به عنوان وجودی برتر:

اولین مخلوقات - جزئی از عالم ماوراءالطبیعه (مجردات) - واسطه رسیدن فیض خدا به عوالم دیگر - دارای علم شهودی و نه استدلالی - عامل توانایی اندیشیدن انسان - عقل فعال: دهنده توانایی فعالیت به عقل‌های انسان‌ها

نکات عقل به عنوان قوه استدلال:

چهار مرحله تکامل عقل (بالقوه یا هیولانی، بالملکه، بالفعل و بالمستفاد) - لزوم استدلال عقلی برای ایمان - جایگاه عقل در معرفت دینی به عنوان ابزار تدبیر و فهم معارف دین - سازگار بودن عقل با راه‌های دیگر معرفت (حس، شهود، وحی)

از نگاه طراح

توی تست‌های این درس، چی درست‌ه چی نادرست؟

درست است که: (گزینه جواب)	ولی درست نیست که: (گزینه انحرافی)
در جهان اسلام کسانی که دایره اعتبار عقل را تنگ می‌کردند معتقد بودند برخی روش‌های عقلی در دین کاربرد ندارند.	در جهان اسلام کسانی که دایره اعتبار عقل را تنگ می‌کردند معتقد بودند همه روش‌های عقلی در دین کاربرد ندارند.
همیشه کسانی بوده و هستند که به جهت یونانی بودن ریشه فلسفه، آن را با اسلام ناسازگار می‌دانسته‌اند.	در آغاز ورود فلسفه به جهان اسلام، گروهی بودند که به جهت یونانی بودن ریشه فلسفه، آن را با اسلام ناسازگار می‌دانستند ولی بعدها با پیشرفت فلسفه این نظر دیگر طرفداری نداشت.
رابطه عالم عقل با عوالم ماوراءالطبیعه (مجردات) عموم و خصوص مطلق است.	رابطه عالم عقل با عوالم ماوراءالطبیعه (مجردات) تساوی است.
فیلسوفان مسلمان را نمی‌شود به دو گروه عقل‌گرا و تجربه‌گرا تقسیم کرد.	فیلسوفان مسلمان برخلاف فیلسوفان اروپایی غالباً عقل‌گرا بودند و به ندرت تجربه‌گرا.
فیلسوفان مسلمان برای هر یک از روش‌های «تمثیل»، «استدلال تجربی» و «برهان عقلی محض» در جای خود اعتبار قائل هستند.	فیلسوفان مسلمان استدلال عقلی محض و استدلال تجربی را قبول دارند ولی استدلال تمثیلی را نامعتبر می‌دانند.
از نظر ابن سینا هر کس به پذیرفتن سخن بدون دلیل عادت کند، از حقیقت انسانی خارج شده است.	از نظر ابن سینا هر کس سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است.
از نظر فیلسوفان مسلمان ایمانی ارزشمند است که پشتوانه‌ای عقلی در حد توان فکری هر فرد داشته باشد.	از نظر فیلسوفان مسلمان، ملاک ارزشمند بودن ایمان، داشتن پشتوانه عقلی روشمند و برهان دقیق است.
استدلال عقلی، شهود و وحی سه طریق مستقل برای رسیدن به حقایق هستند که نتایج آن‌ها با هم تعارض ندارند.	نتایج استدلال عقلی و شهود باید از سوی وحی هم تأیید شوند تا معتبر باشند.

۲۲۹۴- کدام گزینه از شکل‌های مخالفت برخی جریان‌های فکری با عقل در فضای اسلامی نیست؟

- (۱) محدود کردن کارآمدی عقل
(۲) عقل‌ستیزی
(۳) مخالفت با فلسفه
(۴) مخالفت با دستاوردهای غیراسلامی

۲۲۹۵- تلاش اصلی جریان‌هایی که به دنبال محدود کردن دامنه اعتبار عقل بودند، چه بود؟

- (۱) مقابله با عقل و دستاوردهای آن
(۲) ممانعت از ورود تفکرات غیراسلامی
(۳) عدم تأثیر برخی روش‌های عقلی در فهم دین
(۴) مخالفت با فلسفه و منطق

۲۲۹۶- با توجه به تحولات بحث عقل در جهان اسلام، کدام گزینه درست نیست؟

- (۱) عقل در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ویژه‌ای داشته است.
(۲) آنان که به دنبال تنگ کردن محدوده عقل‌اند، کاربرد هیچ‌یک از روش‌های عقلی را در دین نمی‌پذیرند.
(۳) کم‌تر شخصی در تاریخ اسلام با عقل ستیز کرده است.
(۴) مخالفت برخی جریانات فکری با عقل در فضای اسلامی به شکل‌های مختلفی ظهور کرد.

۲۲۹۷- کدام عبارت درباره «مزد» درست است؟

- (۱) نامی است که سهروردی در کتاب حکمة‌الاشراق خدا را با آن نام می‌خواند.
(۲) موجودی است که جان‌ها و جهانیان و عقل انسان‌ها را آفریده است.
(۳) اولین و برترین مخلوق خداوند است که خدا همه چیز را از او پدید آورده است.
(۴) همان خرد است که خدا به وسیله آن همه چیز را می‌آفریند.

۲۲۹۸- به چه دلیل اکثر اشخاص در جهان اسلام در بزرگداشت عقل سخن گفته‌اند؟

- (۱) عقلانی بودن مبانی اسلام
(۲) توصیه‌های قرآن، پیامبر ﷺ و عترت ایشان ﷺ
(۳) توجه مسلمانان ابتدایی به جایگاه عقل
(۴) وجود پیشینه توجه به عقل پیش از اسلام

۲۲۹۹- سبب بی‌واسطه حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش کدام است؟

- (۱) پیام الهی و سخنان پیامبر اکرم ﷺ و عترت گرامی ایشان ﷺ
(۲) انگیزه پیشرفت مسلمین در تمام زمینه‌ها
(۳) کارآمدی عقل و توجه به توانایی‌های آن
(۴) جایگاه ممتاز و ویژه عقل در فرهنگ مسلمانان

۲۳۰۰- تفاوت دو شکل عمده مخالفت با عقل در جریان‌های اسلامی چیست؟

- (۱) یکی به طور کلی با عقل مخالف است و دیگری با عقل فلسفی.
(۲) یکی درباره محدوده اعتبار عقل بحث دارد و دیگری درباره منبع اخذ علم.
(۳) یکی مخالف وسعت دامنه تأثیر فلسفه است و دیگری به طور کلی مخالف فلسفه.
(۴) یکی با عقل ستیز دارد و دیگری مخالف وسعت دامنه اعتبار عقل است.

۲۳۰۱- مخالفان فلسفه در جهان اسلام

- (۱) از ابتدای بعثت پیامبر تاکنون حضور داشته‌اند.
(۲) تنها جریان مخالف با عقل در جریان‌های اسلامی هستند.
(۳) به وارد شدن جریان فلسفه از یونان بسیار تأکید داشته‌اند.
(۴) در واقع مخالف فلسفه نیستند، بلکه مخالف عقل‌اند.

۲۳۰۲- کدام گزینه از دلایل مخالفان فلسفه در جهان اسلام نیست؟

- (۱) یونانی بودن دانش فلسفه
(۲) سابقه نداشتن فلسفه در ادیان
(۳) بیانگر عقاید سقراط، افلاطون و ارسطو بودن
(۴) عدم سازگاری فلسفه با عقاید اسلامی

۲۳۰۳- کدام گزینه درباره عقل و جایگاه آن نزد ایرانیان، درست است؟

- (۱) سرزمین ایران در عهد باستان یکی از کنون‌های اولیه عقل‌گرایی و خردمندی بوده است.
(۲) گزارش‌هایی از فردوسی در شاهنامه و ابن سینا در کتاب شفا درباره جایگاه عقل نزد ایرانیان وجود دارد.
(۳) در طول تاریخ سرزمین ایران جایگاه عقل به صورت تدریجی در حال رشد و پیشرفت بوده است.
(۴) حکیمان قدیم ایران خدا را عقل می‌نامیدند و عقل را یک توانایی انسانی نیز می‌دانستند.

۲۳۰۴- در کدام بیت «عقل» به عنوان موجود متعالی به کار رفته است؟

- (۱) لب فروبستن نشان عاقلی است
(۲) گر عقل پشت حرف دل اما نمی‌گذاشت
(۳) حرف حق با عقل بود اما چه سود
(۴) نی که اول دست یزدان مجید
از دو عالم پیش‌تر عقل آفرید

۲۳۰۵- دلیل عمده فلاسفه اسلامی در پاسخ به مخالفان فلسفه چه بود؟

- (۱) سازگاری تفکرات سقراط، افلاطون و ارسطو با عقاید اسلامی
(۲) سخنان پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ در تأیید فلسفه
(۳) توجه به محتوای سخن به جای توجه به گوینده آن
(۴) عدم ورود فلسفه از یونان

- ۲۳۰۶- درباره کسی که پذیرفته است عقل می‌تواند درباره مسائل مربوط به هستی و حقیقت اشیا بیندیشد و به دانش برسد، می‌توان گفت:
- (۱) یک فیلسوف است.
 - (۲) با هیچ فلسفه‌ای مخالف نیست.
 - (۳) امکان دانش فلسفه را قبول دارد.
 - (۴) آموزه‌های ارسطو را با عقاید اسلامی سازگار می‌داند.
- ۲۳۰۷- کدام گزینه از دفاعیات فلاسفه در مقابل مخالفان آن در فضای اسلامی نیست؟
- (۱) قابلیت بهره‌گیری از نظرات دیگران در هر شاخه‌ای از علم
 - (۲) یکی از شاخه‌های معرفت بودن فلسفه
 - (۳) مهم‌نبودن ایرانی یا چینی یا ... بودن یک اندیشه در درستی و نادرستی آن
 - (۴) انطباق همه آرای فیلسوفانی چون سقراط، افلاطون و ارسطو با عقاید اسلامی
- ۲۳۰۸- استدلال کدام گروه معادل یکی از جریان‌هایی که در جهان اسلام به نحوی به مخالفت با عقل پرداختند، می‌باشد؟
- (۱) از آن‌جا که عالم عقول دیده نمی‌شود، پس وجود ندارد.
 - (۲) از آن‌جایی که دیدگاه تجربه‌گرایان عقل را زیر سؤال می‌برد، آن را نمی‌پذیریم.
 - (۳) بدان دلیل که دیدگاه‌هایی همچون بیکن، غربی به حساب می‌آید، آن را نمی‌پذیریم.
 - (۴) دیدگاه دکارت درباره عقل را به دلیل انکار عالم عقول نمی‌پذیریم.
- ۲۳۰۹- حکیمان پیش از باستان و قدیم ایران، عقل را
- (۱) خدا می‌نامیدند.
 - (۲) هدف خلقت می‌دانستند.
 - (۳) تنها به عنوان دستگاه تفکر می‌پذیرفتند.
 - (۴) به عنوان یک وجود برتر و متعالی هم می‌دانستند.
- ۲۳۱۰- عبارت «نحن ابناء الدلیل، نمیل حیث میمل» (ما فرزندان دلیل هستیم و به آن سمت میل پیدا می‌کنیم که دلیل ما را به آن سمت می‌برد)، نشانگر کدام مطلب است؟
- (۱) هر دانشی که درباره هستی سخن بگوید، فلسفه است.
 - (۲) ملاک درستی و نادرستی یک مطلب، تنها یک امر است.
 - (۳) علم فلسفه شاخه‌ای از معرفت و دانش بشری است.
 - (۴) استدلال یکی از شیوه‌های فلسفه است؛ بنابراین نباید با آن مخالف بود.
- ۲۳۱۱- درباره دو مصداق عقل نزد فیلسوفان مسلمان، کدام عبارت درست است؟
- (۱) این دو در واقع تفاوتی با یکدیگر ندارند.
 - (۲) یکی پرتوی از دیگری است.
 - (۳) نسبتی میان این دو مصداق عقل وجود ندارد.
 - (۴) هر دو قوه‌ای در اختیار انسان هستند.
- ۲۳۱۲- کدام گزینه وجه‌شبه نسبت «عقل فعال» و «انسان» با نسبت «آفتاب» و «چشم» است؟
- (۱) فراهم کردن امکان فعالیتی خاص
 - (۲) انجام یک فعالیت
 - (۳) آفتاب و عقل فعال هر دو نوربخشی دارند.
 - (۴) تسریع انجام یک فعالیت
- ۲۳۱۳- کدام مورد درست است؟
- (۱) فلاسفه مسلمان روشن‌تر از هر اکتیوس مرتبه‌ای از موجودات را فرض کردند.
 - (۲) فلاسفه مسلمان اولین مخلوقات را موجوداتی کاملاً غیرمادی می‌دانند.
 - (۳) عقل مهم‌ترین و مؤثرترین موجود عالم طبیعت است.
 - (۴) تنها یکی از عقول که عقل فعال نام دارد، جزء عالم طبیعت است.
- ۲۳۱۴- فعالیت عقلی، خود را از عقل فعال می‌گیرد و از سوی خود انسان
- (۱) وجود بالفعل - کار خاصی انجام نمی‌شود.
 - (۲) وجود بالقوه - وجود بالفعل می‌یابد.
 - (۳) وجود بالفعل - از بین می‌رود.
 - (۴) وجود بالقوه - استفاده از آن ممکن می‌شود.
- ۲۳۱۵- عوالم هستی نزد فیلسوفان
- (۱) عالم طبیعت و عالم عقول هستند.
 - (۲) در واقع یک عالم بیشتر نیست و آن هم عالم عقول است.
 - (۳) به غیر از عالم طبیعت و عالم عقول، شامل عوالم دیگری هم می‌شود.
 - (۴) رابطه‌ای با یکدیگر ندارند.
- ۲۳۱۶- کدام عبارت درباره عقل فعال نادرست است؟
- (۱) عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌ها است.
 - (۲) اگر نباشد توانایی تعقل انسانی هم وجود ندارد.
 - (۳) پرتوی از عقلی است که در انسان‌ها وجود دارد.
 - (۴) این عقل نسبت خاصی با انسان دارد.
- ۲۳۱۷- بیت «غیر این عقل تو، حق را عقل‌هاست / که بدان تدبیر اسباب سماست»، بیش از همه نشانگر کدام مطلب است؟
- (۱) عقول موجوداتی مجرد از ماده و برتر از عالم طبیعت هستند.
 - (۲) علاوه بر عقول به عنوان موجودات برتر، انسان نیز دارای قوه استدلال است.
 - (۳) تنها یک عقل مجرد وجود ندارد، بلکه عقول هستند که در کار اداره عالم سهیم‌اند.
 - (۴) علاوه بر قوه استدلال، عقول وجود دارند که در حال فیض‌رسانی به مخلوقات هستند.
- ۲۳۱۸- عقلی که در وجود انسان است و توانایی استدلال از اوست،
- (۱) بدون هیچ قید و شرطی می‌تواند حقایقی همچون عقول را بیابد.
 - (۲) بر اثر تربیت و رشد می‌تواند حقایق را آن‌گونه که عقول درک می‌کنند، بیابد.
 - (۳) قوه استدلال است و یافتن حقایق به صورت علم حضوری برایش بی‌معناست.
 - (۴) می‌تواند به جایی برسد که قوه استدلال را از دست بدهد و به شهود بپردازد.
- ۲۳۱۹- بالاترین جایگاه را در میان عقول، کدام عقل داراست؟
- (۱) عقل فعال
 - (۲) عقل دهم
 - (۳) عقل مجرد
 - (۴) عقلی که مخلوق اول است.
- ۲۳۲۰- کدام مورد از ابزار معرفت به حساب نمی‌آید؟
- (۱) آیات و روایات
 - (۲) عقل
 - (۳) حس
 - (۴) قلب

۲۳۲۱- کدام عبارت درست نیست؟

- (۱) یکی از عوامل مهم توجه به عقل در اسلام، احادیث عترت پیامبر ﷺ است. (۲) فیلسوفان را نمی‌توان به دو گروه عقل‌گرا و تجربه‌گرا تقسیم کرد.
 (۳) عموم فیلسوفان مسلمان برای همه کارکردهای عقل جایگاهی ویژه قائل‌اند. (۴) در جامعه اسلامی جریان‌هایی بوده‌اند که فلسفه را نمی‌پذیرفتند.
 ۲۳۲۲- در کدام گزینه مراحل رشد عقل به ترتیب درست ذکر شده است و سپس ویژگی خاص مرحله پایانی بیان گردیده است؟

- (۱) بالقوه ← هیولانی ← بالفعل ← بالمستفاد - حضور ذهن نسبت به دانش‌ها
 (۲) هیولانی ← بالقوه ← بالفعل ← بالملکه - شکوفاشدن عقل
 (۳) هیولانی ← بالملکه ← بالفعل ← بالمستفاد - تسلط بر دانش‌های کسب‌شده
 (۴) بالقوه ← بالملکه ← بالفعل ← بالمستفاد - درک مفاهیم و قضایای بدیهی
 ۲۳۲۳- معیار اولیه قبول یا رد حکم و نظر علمی نزد فلاسفه مسلمان کدام است؟

- (۱) تجربه‌های شخصی (۲) دلایل فلسفی (۳) استدلال‌های عقلی (۴) مشاهده حسی
 ۲۳۲۴- از دیدگاه فارابی و ابن سینا عقل در هنگام تولد چگونه است و از چه طریقی رشد می‌کند؟

- (۱) ناقص - آموزش (۲) قوه - به فعلیت رسیدن (۳) استعداد - ادراکات حسی (۴) توانایی - تربیت
 ۲۳۲۵- کدام ویژگی از اوصاف مرحله بعد از عقل بالملکه است؟

- (۱) آمادگی درک معقولات را دارد.
 (۲) با تمرین و تکرار دانش‌هایی را کسب کرده است.
 (۳) می‌داند یک چیز نمی‌تواند هم باشد هم نباشد.
 (۴) از هر کدام از دانش‌هایی که کسب کرده، می‌تواند استفاده کند.

۲۳۲۶- پذیرش عقاید در نظر فیلسوفان مسلمان

- (۱) ممکن است براساس استدلال‌های مختلف صورت گیرد.
 (۲) بدون پشتوانه عقلی نیز قابل دفاع است.
 (۳) باید با برهان عقلی از نوع براهین فلاسفه باشد.
 (۴) می‌تواند اساسی غیر از ابزار عقل هم داشته باشد.

۲۳۲۷- به نظر فیلسوفان مسلمان، هر چند اساس پذیرش عقاید است، اما

- (۱) باورهای شخصی - معیارهای مشترکی نیز وجود دارد.
 (۲) استدلال عقلی - این استدلال می‌تواند متفاوت باشد.
 (۳) برای بعضی افراد، شهود - چنین پذیرشی سودی ندارد.
 (۴) دلایل عقلی و نقلی - دلایل عقلی قوی‌تر به حساب می‌آیند.

۲۳۲۸- تفاوت سطح دلایل افراد در جامعه بر چه اساسی است؟

- (۱) محیطی که فرد در آن رشد می‌یابد.
 (۲) پیش‌فرض‌هایی که وجود دارد.
 (۳) تفاوت قدرت فکری افراد
 (۴) نحوه بیان استدلالگر

۲۳۲۹- مراحل رشد عقل چند مرحله است و پایین‌ترین آن کدام است؟

- (۱) چهار - بالمستفاد (۲) سه - بالمستفاد (۳) دو - بالفعل (۴) چهار - هیولانی

۲۳۳۰- در کدام گزینه مرحله ذکرشده با توصیف بیان‌شده در آن گزینه تطابق ندارد؟

- (۱) انسان بر همه دانش‌هایی که کسب کرده، مسلط است ← عقل بالمستفاد (۲) مرحله پیش از درک قضایای ضروری ← عقل هیولانی
 (۳) مرحله بهره‌بردن از همه دانش‌های کسب‌شده ← عقل بالفعل (۴) دومین مرحله رشد عقل ← عقل بالملکه

۲۳۳۱- با این‌که اساس پذیرش هر اعتقاد دینی است، ولی راه کسب معرفت شامل و هم می‌شود.

- (۱) عقل - وحی - شهود (۲) وحی - عقل - شهود (۳) شهود - عقل - وحی (۴) وحی - عقل - حس

۲۳۳۲- عالی‌ترین مرتبه شهود یک انسان کدام است؟

- (۱) مرتبه عقل فعال (۲) مرتبه عقل اول (۳) مرتبه تجرد کامل (۴) مرتبه وحی

۲۳۳۳- انسان‌ها چگونه می‌توانند از عالی‌ترین مرتبه شهود بهره‌مند شوند؟

- (۱) با تهذیب نفس کامل (۲) با متحدشدن با عقل اول (۳) با تعقل در آموزه‌های انبیا (۴) چنین چیزی محال است.

۲۳۳۴- از نظر فیلسوفان مسلمان، رابطه «استدلال عقلی»، «شهود» و «وحی» با هم چگونه است؟

- (۱) رابطه عالی و دانی دارند. (۲) ناقد هم هستند. (۳) رابطه قوی و ضعیف دارند. (۴) مؤید هم هستند.

۲۳۳۵- آیا تعارض بین نتیجه استدلال عقلی و شناخت وحیانی ممکن است؟ چرا؟

- (۱) گمان تعارض بله، چون ذهن انسان در معرض لغزش است.
 (۲) خیر، چون دو طریق کشف حقیقت‌اند.
 (۳) بله، چون دو ابزار شناخت با دو محدوده متفاوت‌اند.
 (۴) تعارض واقعی خیر، چون هر دو طریق معصوم از خطا هستند.

۲۳۳۶- راه رفع یا کاهش گمان تعارض بین نتیجه دلیل عقلی و وحی چیست؟

- (۱) کنارگذاشتن دلیل عقلی (۲) کنارگذاشتن نتیجه وحی (۳) افزایش تلاش علمی و استفاده از دانش دیگران (۴) تهذیب نفس و رسیدن به شهود مستقیم حقیقت

۲۳۳۷- کدام گزینه درباره فلسفه درست است؟

- (۱) علمی در اصل یونانی است که برای ورود به آن باید فرهنگ و عقاید یونانیان را پذیرفت.
 (۲) شاخه‌ای از دانش و معرفت بشر است که هر کسی با هر ملیت و نژادی می‌تواند وارد آن شود.
 (۳) یک رشته علمی نیست، بلکه معرفتی بنیادی است که در ردیف سایر دانش‌ها قرار نمی‌گیرد.
 (۴) دانشی است درباره حقیقت اشیا که هر کس از آن بحث کند وارد این دانش می‌شود.

۲۳۳۸- استدلال عقلی معتبر به عنوان پشتوانه پذیرش یک آیین، برای سطوح مختلف جامعه نیست.

(۱) کارآمد (۲) یکسان (۳) لازم (۴) کافی

۲۳۳۹- با توجه به مراحل رشد عقل، «هیولا» به چه معنا است؟

(۱) شکوفایی و فعلیت (۲) امور ذهنی که واقعیت ندارند. (۳) ضعف عقل که برابر است با تخیل. (۴) قوه و استعداد

۲۳۴۰- کدام گزینه درباره جریانات فکری ناظر به عقل در جهان اسلام درست است؟

- (۱) جایگاه ممتاز عقل و عقلانیت سبب موضع‌گیری شخصیت‌های جهان اسلام پیرامون آن شد و دو جریان موافق و مخالف پدید آمدند که یکی به دنبال جنبش علمی بود و دیگری به دنبال صیانت از دین.
- (۲) عقل و عقلانیت در فرهنگ عمومی مسلمانان رسوخ کرده بود و این سبب پدیدآمدن جریان عمومی حرکت به سوی علم و دانش شد، ولی جریانات فکری مخالف با علم هم به شکل‌های دیگر ظهور کردند.
- (۳) جایگاه ویژه عقل و عقلانیت، جریان رشد علم و دانش در حوزه‌های مختلف آن را به راه انداخت، ولی جریانات عقل‌ستیزی نیز در شکل‌های دیگر برانگیخته شدند که عمدتاً هدف آنان صیانت از دین بود.
- (۴) جریان‌های ناظر به عقل در جهان اسلام جایگاه ممتاز عقل را پذیرفته بودند و همواره از آن به تجلیل یاد می‌کردند، ولی عده‌ای محدوده کاربرد عقل در مسائل علمی را تنگ می‌دانستند و عده دیگر فراخ.

۲۳۴۱- در جهان اسلام یکی از جریانات مخالف عقل، است.

- (۱) در عین پذیرش سخنان پیامبر ﷺ، عقل بشری را قبول نداشت.
- (۲) علی‌رغم قبول منطق، با فلسفه یونانی و غیراسلامی مخالف بود.
- (۳) با وجود پذیرفتن ابزار عقل، قلمرو آن را محدود می‌دانست.
- (۴) با این‌که عقل را قبول داشت با کاربرد آن در دین مخالف بود.

۲۳۴۲- کدام دلایل از سوی جریان عمده مخالف فلسفه ذکر می‌شد؟

- (۱) ناسازگاری با اسلام - مبتنی نبودن بر آیات و روایات
- (۲) ناسازگاری با اسلام - وارداتی بودن از سوی بیگانگان
- (۳) دربرداشتن عقاید یونانیان - مبتنی بودن بر منطق
- (۴) دربرداشتن عقاید یونانیان - کافی بودن قرآن و سنت

۲۳۴۳- با مطالعه آرای فیلسوفانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطو متوجه می‌شویم نظرات آنان با اسلام سازگار است

- (۱) همه - و به همین دلیل می‌توانیم از فلسفه آنان استفاده کنیم.
- (۲) همه - ولی حتی اگر این‌طور نبود هم باز می‌توانستیم از فلسفه آنان استفاده کنیم.
- (۳) فقط برخی - با این حال می‌توانیم از فلسفه آنان استفاده کنیم.
- (۴) بسیاری از - ولی با این حال نمی‌توانیم از فلسفه آنان استفاده کنیم.

۲۳۴۴- کدام گزینه درباره ملاک درستی و نادرستی دانش‌ها درست است؟

- (۱) در علوم مختلف، از جمله فلسفه، یک ملاک ارزش دانش‌ها، مخالفت‌نداشتن با آموزه‌های دینی است.
- (۲) در همه علوم ملاک فقط تجربه است.
- (۳) در فلسفه و علوم عقلی فقط استدلال ملاک است، ولی در برخی علوم، استدلال جایگاهی ندارد.
- (۴) در همه دانش‌ها ملاک فقط استدلال است.

۲۳۴۵- لفظ «عقل» در بیت «غیر این عقلی تو، حق را عقل‌هاست / که بدان تدبیر اسباب سماست»؛

- (۱) مشترک لفظی نیستند زیرا در دو معنی به کار نرفته‌اند.
- (۲) عقلی که ابتدا ذکر شده به معنای وجود برتر و متعالی و عقل دوم به معنای دستگاه تفکر انسانی است.
- (۳) عقلی که ابتدا ذکر شده به معنای خردورزی و عقل دوم به معنای خداوند است.
- (۴) عقلی که ابتدا ذکر شده به معنای دستگاه تفکر و عقل دوم به معنایی است که یکی از مصادیق آن عقل فعال است.

۲۳۴۶- فیلسوفان مسلمان درباره مصادق وجودی عقل و درباره مصادق ابزاری آن

- (۱) در گذشته سخن می‌گفته‌اند - در دوره معاصر.
- (۲) همواره تحقیق می‌کرده‌اند - نیز همین‌طور.
- (۳) در گذشته سخن می‌گفته‌اند - در تمام طول تاریخ.
- (۴) همواره تحقیق می‌کرده‌اند - در زمان فارابی و ابن سینا.

۲۳۴۷- «درک امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین»، «عدم درک عقلانی» و «شکوفایی عقل» هر کدام مربوط به کدام مرحله از مراحل رشد عقل هستند؟

- (۱) مرحله اول - عقل هیولانی - عقل بالمستفاد
- (۲) عقل بالملکه - پیش از شروع مراحل رشد عقل - مرحله سوم
- (۳) مرحله دوم - عقل هیولانی - مرحله پیش از عقل بالمستفاد
- (۴) مرحله یکی مانده به آخر - پیش از شروع مراحل رشد عقل - عقل بالفعل

۲۳۴۸- درباره عقول مجرد نمی‌توان گفت

- (۱) استدلال‌های عقلی خود را به انسان‌ها اضافه می‌کنند.
- (۲) واسطه فیض الهی به دیگر عوالم مادی و مجرد هستند.
- (۳) یکی از این عقول عامل فیض‌رسانی به عقل انسان‌هاست.
- (۴) اداره‌کننده عوالم پایین‌تر از خود هستند.

۲۳۴۹- کدام گزینه درباره «عقل فعال» درست است؟

- (۱) هر عقلی است که بدون نیاز به ماده افعالی انجام می‌دهد.
- (۲) یکی از عقول است که مرتبه‌ای بالاتر از سایر عقول دارد.
- (۳) هر عقلی که در کار اداره و فیض‌رساندن به مخلوقات باشد را گویند.
- (۴) اسم یکی از عقول است که عقل بشری را توانا می‌کند.

۲۳۵۰- کدام گزینه درباره فیلسوفان مسلمان درست است؟

- (۱) نمی‌شود براساس قبول انواع استدلال‌ها آن‌ها را تقسیم‌بندی کرد.
- (۲) اکثر آن‌ها عقل‌گرا بودند و عده کمی از آن‌ها تجربه‌گرا محسوب می‌شوند.
- (۳) اختلاف آنان در اعتبار عقل یا حس نبود، بلکه در این بود که کدام کارکردهای عقل مورد قبول است.
- (۴) چون همگی هم استدلال عقلی را قبول داشتند و هم استدلال تجربی را، لذا هم عقل‌گرا بودند و هم تجربه‌گرا.

۲۳۵۱- کدام گزینه با دیدگاه فیلسوفان مسلمان درباره انواع استدلال سازگار است؟

- (۱) روش فلسفه شامل همه انواع استدلال می‌شود.
 - (۲) هر استدلالی در هر یک از علوم پذیرفته است.
 - (۳) تمثیل و استقرا در جایگاه خود استدلال‌های معتبری هستند.
 - (۴) تنها برهان عقلی برای کسب دانش مفید است.
- ۲۳۵۲- از نظر فیلسوفان مسلمان، رابطه «استدلال»، «استدلال تجربی» و «استدلال تمثیلی» در کدام شکل نشان داده شده است؟



۲۳۵۳- معنای عبارت «عقل فعال عامل فیض‌رسانی به عقل انسانی است» در کدام گزینه دقیق‌تر ذکر شده است؟

- (۱) کمک‌رسانی عقل فعال در باطن وجود انسان صورت می‌گیرد و برای خود انسان محسوس نیست.
- (۲) معقولات و تمام اموری که مورد شناخت عقلی قرار می‌گیرد را عقل فعال ایجاد می‌کند.
- (۳) تمام ادراکات و دانش‌های انسان به مدد این عقل صورت می‌گیرد.
- (۴) عقل فعال در تمام فعالیت‌های خود نیازمند به خرد و عقل انسانی است.

۲۳۵۴- مقصود فیلسوفان مسلمان، از این جمله که «ما فرزندان دلیل هستیم» چیست؟

- (۱) باورهای ما همگی مبتنی بر برهان است.
- (۲) اگر استدلال نبود، همه از بین رفته بودند.
- (۳) هر سخن درستی مبتنی بر استدلال است.
- (۴) معیار پذیرش هر باوری استدلال عقلی است.

۲۳۵۵- فیلسوفان مسلمان درباره «ایمان» معتقدند

- (۱) مستلزم برهان عقلی است.
- (۲) فقط با دلیل ممکن است.
- (۳) اگر با حجت باشد ارزش دارد.
- (۴) نیازمند یک استدلال معین است.

۲۳۵۶- درباره مرحله «عقل هیولانی» و «نوزادی» می‌توان گفت:

- (۱) هر دو اهمیت زیادی در مراحل رشد ندارند.
- (۲) هر دو همچون قوه‌ای هستند برای فعلیت‌های آینده.
- (۳) تخیل در نوزادان زیاد است همان‌گونه که هیولا امری تخیلی است.
- (۴) هر دو مرحله دوم در مراحل رشد انسان و عقل محسوب می‌شوند.

۲۳۵۷- درباره نسبت میان عقل فعال و دستگاه ادراکی انسان کدام گزینه مناسب‌تر است؟

- (۱) علت به معلول
- (۲) خورشید به اشعه‌هایش
- (۳) چشم انسان به خود انسان
- (۴) نور نسبت به چشم

۲۳۵۸- کدام گزینه بیانگر نظر فلاسفه مسلمان درباره رابطه عقل و شرع است؟

- (۱) دانش یقینی عقلی تقابلی با شرع ندارد.
- (۲) هیچ‌گونه تعارضی به هیچ صورت بین عقل و شرع در نظر افراد، وجود ندارد.
- (۳) فلسفه باید تابع دین باشد و آلا قابل قبول نیست.
- (۴) برای رفع تعارض بین آن‌ها باید شرع را تفسیر کرد.

۲۳۵۹- آن‌گاه که تعارضی بین استدلال عقلی و سخن وحی دیده می‌شود،

- (۱) از آن‌جا که استدلال عقلی انسان خطاپذیر است، سخن وحی را می‌پذیریم و نتیجه استدلال را کنار می‌گذاریم.
- (۲) چون مبنای پذیرش دین هم استدلال است، پس باید سخن وحی را طوری توجیه کرد تا تعارض رفع شود.
- (۳) این یک تعارض واقعی بین عقل و وحی نیست و باید تلاش کنیم علت توهم تعارض را پیدا کنیم.
- (۴) اولویت با پذیرش استدلال عقلی است، ولی باید دقت کنیم که دچار مغالطه نشده باشیم.

سؤالات کمی دشوارتر

۲۳۶۰- بنا بر دیدگاه فارابی و ابن سینا درباره عقل به عنوان وجودی برتر، کدام عبارت را نمی‌توان به کار برد؟

- (۱) چنین وجودی توسط فیلسوفان مسلمان اثبات شده است.
- (۲) تنها یک عقل وجود ندارد، بلکه عقولی در کار هستند.
- (۳) در میان عقول، رابطه سلسله‌مراتبی وجود دارد.
- (۴) رابطه عرضی میان عقول باعث می‌شود که هر کدام واسطه فیض متفاوتی باشند.

۲۳۶۱- ابن سینا درباره کسانی که عادت کرده‌اند سخن را بدون دلیل بپذیرند، چه اعتقادی دارد؟

- (۱) رسیدن به مرتبه شهود و بی‌نیاز شدن از دلیل برایشان آسان شده است.
- (۲) توجیهی از آن‌ها پذیرفته نیست و از حقیقت انسانی خارج شده‌اند.
- (۳) به خاطر خروج از حقیقت انسانی دیگر توان استدلال ندارند.
- (۴) ارتباط روح آن‌ها با عقل فعال قطع شده است.

۲۳۶۲- گاهی فردی براساس یک استدلال عقیده‌ای را می‌پذیرد، اما فرد دیگری با شنیدن همان استدلال، به آن عقیده معتقد نمی‌شود. این واقعه را

چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

- (۱) این دو فرد قطعاً اعتقاد مشترکی در این زمینه ندارند.
- (۲) عقیده یکی از این دو فرد دارای پشتوانه عقلی نیست.
- (۳) ممکن است توان و قدرت فکری این دو فرد متفاوت باشد.
- (۴) یا استدلال معتبر نبوده یا فردی که عقیده را نپذیرفته، کفر ورزیده است.

۲۳۶۳- روشی که ویلیام جیمز برای ایمان پیشنهاد می‌کند، از نظر فیلسوفان مسلمان.....

- ۱) ارزشمند است، اما ممکن است نادرست باشد.
- ۲) شاید انسان را به سوی کارهای غلط بکشاند.
- ۳) برای برخی افراد با سطوح فکری خاص می‌تواند قابل قبول باشد.
- ۴) هرچند صحیح است اما قابل دفاع نیست.

۲۳۶۴- فردی بدون پشتوانه عقلی به موضوعی ایمان دارد. درباره او می‌توان گفت:.....

- ۱) اگر دلایل شخصی برای ایمانش داشته باشد ارزشمند است.
- ۲) این ایمان قطعاً او را به اشتباه می‌اندازد.
- ۳) ایمانش دارای ارزش چندانی نیست، هرچند ممکن است درست باشد.
- ۴) این ایمان، ارزشمند است اما احتمال غلطبودنش نیز وجود دارد.

۲۳۶۵- چرا نباید به خواندن فلسفه مسلمانان اکتفا کرد؟

- ۱) زیرا فلسفه در اصل به دست غیرمسلمانان تدوین شده است.
- ۲) زیرا برای برداشتن قدم‌های بیشتر در جهت این دانش، ضروری است از دستاوردهای متفکران دیگر بهره ببریم.
- ۳) زیرا مسلمانان ممکن است تعصبات دینی خود را در فلسفه دخالت دهند.
- ۴) زیرا نظریات فلسفی بسیاری از نامسلمانان تا حد زیادی با اسلام سازگارند و می‌توانند منبع مناسبی برای فهم دین باشند.

۲۳۶۶- مخالفت متداول با فلسفه در جهان اسلام به سبب منشأ اخذ آن، شبیه کدام گزینه است؟

- ۱) مخالفت با داروی پنی‌سیلین به سبب انحرافات اخلاقی فلمینگ، کاشف پنی‌سیلین
- ۲) مخالفت با نظریه نسبیت عام اینشتین به جهت غیر قابل فهم بودن آن برای عموم
- ۳) مخالفت با ترویج زبان یونانی در ایران به سبب غیربومی بودن این زبان در کشور
- ۴) مخالفت با فلسفه اخلاق نسبی‌گرایانه به جهت ناسازگار بودن با ارزش‌های دینی

۲۳۶۷- در کدام گزینه ابتدا عبارتی نادرست درباره عقل بالمستفاد و سپس عبارتی درست درباره عقل هیولانی ذکر شده است؟

- ۱) انسان از هر یک از دانش‌ها که خواهد می‌تواند استفاده کند - در این مرحله عقل انسان هیچ ادراک عقلی ندارد.
- ۲) مانند یک استاد ریاضی است که هر مسئله ریاضی را جلوی او بگذارند به راحتی حل می‌کند - فقط درک مختصر و اولی از قضایای ضروری وجود دارد.
- ۳) آخرین مرحله رشد عقل است که پس از مرحله عقل بالفعل قرار دارد - قوه و توانایی درک معقولات وجود دارد.
- ۴) در این مرحله عقل شکوفا شده و با تمرین و تکرار دانش‌هایی را کسب کرده است - در این مرحله انسان می‌تواند دانش‌هایی را کسب کند.

۲۳۶۸- کدام گزینه درباره وضعیت عقل و عقلانیت در جهان اسلام درست است؟

- ۱) به جهت حرکت عمومی به سوی علم، عقل جایگاه ممتازی داشت و کم‌تر شخصیتی بوده که در بزرگداشت عقل سخن نگفته یا با عقل ستیز کرده باشد.
- ۲) پیام الهی و سخنان حجج الهی سبب شد عقل جایگاه رفیعی یابد و شخصیت‌های جهان اسلام از آن تجلیل کنند و یک جنبش عمومی علمی شروع شود.
- ۳) تجلیل قرآن و احادیث و اغلب شخصیت‌های جهان اسلام از دانش که مستلزم استفاده از عقل بود، یک حرکت عمومی در جهت عقلانیت را به راه انداخت.
- ۴) پیام خداوند و حجج او حرکتی عمومی را به سوی دانش ایجاد کرد و سبب ممتاز شدن جایگاه عقل شد، به طوری که اغلب بزرگان از عقل تجلیل کردند.

۲۳۶۹- درباره جریان فکری ناظر به عقل در جهان اسلام می‌توان گفت:.....

- ۱) همگی عقل را قبول داشتند، ولی برخی درباره محدوده کارآمدی آن یا غیراسلامی بودن فلسفه و منطق بحث داشتند.
- ۲) یک جریان معتقد بود عقل را نباید در مسائل دینی به کار گرفت، زیرا عقل انسان گاهی دچار خطا می‌شود.
- ۳) گروهی با عقل مخالف بودند، چون آن را دستاوردی یونانی و غیراسلامی می‌دانستند.
- ۴) عده معدودی عقل و عقلانیت را قبول نداشتند و با آن مخالفت می‌کردند.

۲۳۷۰- وجه مشترک مخالفت‌های جریان‌های عمده با عقل در جهان اسلام چه بود؟

- ۱) دغدغه دینی
- ۲) ضدیت با فلسفه
- ۳) تعصب قومی و نژادی
- ۴) توجه به خطاهای روش عقلی

۲۳۷۱- دیدگاه ناقدان کارآمدی عقل در جهان اسلام چه بود؟

- ۱) عقل در علم و دین کارآمد است، ولی برخی روش‌های عقلی را نباید در دین به کار برد.
- ۲) کارآمدی عقل منحصر به علم و دانش است و نباید با عقل در مسائل دینی اظهار نظر کرد.
- ۳) روش‌های عقل به دو دسته معتبر و نامعتبر تقسیم می‌شوند که فقط روش‌های معتبر آن کارآمد است.
- ۴) همه روش‌های عقل ممکن است به خطا منجر شود، لذا در امور دینی که خطانکردن مهم است، نباید به کار رود.

۲۳۷۲- چرا مجازیم فلسفه را از غیرمسلمانان بگیریم؟

- ۱) چون فیلسوفان از عقل استفاده کرده‌اند و لذا سخن آنان حق است.
- ۲) چون بسیاری از عقاید و نظرات آنان با عقاید اسلامی سازگاری دارد.
- ۳) زیرا آثار اولیه فلسفی زمانی تألیف شد که هنوز اسلام ظهور نکرده بود.
- ۴) زیرا فلسفه یک دانش است و ملاک صدق و کذب آن استدلال است.

۲۳۷۳- پاسخ اصلی فیلسوفان به جریان مخالف عقل فلسفی چه بود؟

- ۱) فلسفه در زمانی پدید آمد که هنوز اسلام ظهور نکرده بود؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت فلسفه دانشی اسلامی باشد.
- ۲) در همه دانش‌ها باید از دستاوردهای همه دانشمندان استفاده کرد تا پیشرفت دانش سریع‌تر شود و فلسفه هم مستثنا نیست.
- ۳) ملاک اعتبار و پذیرفتن یک دانش فقط استدلال است، نه ملیت و نژاد و دین افراد؛ بنابراین اشکالی ندارد فلسفه یونانی را بپذیریم.
- ۴) عمده آرای فیلسوفان برجسته یونان با اعتقادات اسلامی سازگار است؛ چون عقل هم مانند وحی یک طریق رسیدن به حقیقت است.

- ۱) حقیقت اشیا - تنها شرط ورود به دانش فلسفه، توانایی عقلی شناخت حقیقت اشیا است.
- ۲) وجود بما هو وجود - شرط لازم و نه کافی بیان سخن فلسفی، بیان استدلال عقلی درباره وجود بما هو وجود است.
- ۳) ماهیت حقیقی اشیا - کسی که درباره ماهیت حقیقی اشیا تحقیق کند وارد فلسفه شده است.
- ۴) هستی به خودی خود - هر کس درباره هستی از آن جهت که هست دانشی به ارمغان بیاورد، این دانش فلسفه است.

۲۳۷۵- کدام گزینه نظر فیلسوفان مسلمان درباره خلقت عقول را به درستی بیان می‌کند؟

- ۱) اولین مخلوقی که خداوند بی‌واسطه خلق کرده است، عقل است، و سپس موجودات عقلی دیگری را هم به همان نحو آفریده است.
- ۲) عالم عقول اولین مخلوق خداوند است و خداوند بعد از خلق بی‌واسطه آن، اولین مخلوق باواسطه یعنی جهان طبیعت را خلق کرد.
- ۳) عقل اول از واجب‌الوجود صادر شده است و عقل دوم را ایجاد می‌کند و سپس به ترتیب عقل سوم و سایر عقول را نیز خلق می‌کند.
- ۴) اولین مخلوق عقل است و سپس از اولین مخلوق، دومین مخلوق صادر می‌شود و از دومی، سومی و به همین ترتیب پیش می‌رود.

۲۳۷۶- این مطلب که «عقول واسطه فیض هستند» از نظر فلاسفه این نتیجه را در پی دارد که

- ۱) هر فیضی که به هر موجود طبیعی می‌رسد به واسطه یکی از عقول است، ولی چند عقل نمی‌توانند واسطه یک فیض باشند.
- ۲) عقول امکان رسیدن به مرتبه عقل فعال را دارند و اگر فعال شوند به اشیا عالم طبیعت فیض می‌رسانند.
- ۳) هر فیضی به هر موجود مادی می‌رسد حتماً به واسطه مخلوق اول خداست.
- ۴) وحی خداوند از طریق عقول به همگان منتقل می‌شود.

۲۳۷۷- درباره رابطه انسان با عالم عقول می‌توان گفت:

- ۱) مستلزم تربیت روح و رشد دادن آن است.
- ۲) بدون نیاز به تهذیب نفس برقرار می‌شود.
- ۳) با استدلال می‌توان این رابطه را برقرار کرد.
- ۴) از طریق شهود حقایق قابل ایجاد است.

۲۳۷۸- کدام گزینه ترتیب درستی را برای درک استدلالی حقایق، مطابق نظر فارابی نشان می‌دهد؟

- ۱) قوه عقلی انسان ← اتصال به عقل فعال ← فعالیت عقل انسان ← درک حقایق
- ۲) عقل فعال ← فعالیت عقل انسان ← قوه عقلی انسان ← درک حقایق
- ۳) قوه عقلی انسان ← فعالیت عقل انسان ← اتصال به عقل فعال ← درک حقایق
- ۴) عقل فعال ← قوه عقلی انسان ← فعالیت عقل انسان ← درک حقایق

۲۳۷۹- به نظر ابن سینا

- ۱) حقیقت انسانی را عادات‌های انسان تشکیل می‌دهد و کسی که عادت به سخن‌گفتن با دلیل ندارد، از حقیقت انسانی دور است.
- ۲) انسانیت انسان به عقل اوست و انسانی که غالباً از این عقل استفاده نمی‌کند، خود را هم‌ردیف حیوانات قرار داده است.
- ۳) کسی که سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خارج شده است و به حیوانات شباهت دارد.
- ۴) هر کس عادت کند هر سخنی را با دلیل بپذیرد، به مقام انسان کامل و حقیقی رسیده است.

۲۳۸۰- دلیل ایمان فیلسوفان با دلیل ایمان بیشتر مردم چه فرقی باید داشته باشد؟

- ۱) لازم است که تعبدی و تقلیدی نباشد.
- ۲) باید با بررسی دیدگاه سایر فیلسوفان همراه باشد.
- ۳) لازم است که مبتنی بر عقل باشد.
- ۴) باید یک برهان منطقی معتبر باشد.

۲۳۸۱- این که برخی از فیلسوفان برای کسب معرفت دینی اقدام به تربیت نفس می‌کنند، نشان می‌دهد که

- ۱) پاکی روح را عامل جلوگیری از مغالطه می‌دانند.
- ۲) به ابزاری غیر از عقل هم برای معرفت دینی معتقدند.
- ۳) یکی از عوامل تقویت قوه استدلال را رسیدن به مرتبه عقول می‌دانند.
- ۴) معرفت دینی را اعطایی از جانب خدا می‌دانند، نه اکتسابی با ابزار معرفت بشر.

۲۳۸۲- کدام گزینه درباره رابطه «وحی» و «شهود» درست است؟

- ۱) وحی عالی‌ترین مرتبه معرفت شهودی است که هر کس به آن رسیده، پیامبر شده است.
- ۲) وحی اتصال به خود خالق است، ولی شهود صرفاً مجرد از بدن و مشاهده برخی حقایق است.
- ۳) وحی هم مانند شهود، معرفت بی‌واسطه است، ولی نوع دیگری از معرفت محسوب می‌شود.
- ۴) وحی هم معرفتی از سنخ شهود است، ولی غیر از پیامبران کسی راهی به آن ندارد.

۲۳۸۳- کدام گزینه در مقایسه دو طریق استدلال عقلی و وحی درست است؟

- ۱) ملاک معتبر بودن استدلال عقلی در حوزه دین مشابهت حکم آن با آموزه‌های وحی است.
- ۲) در همه زمینه‌ها سخنان یکسان دارند، زیرا هر چه را عقل ثابت کند وحی هم ثابت می‌کند و برعکس.
- ۳) دو طریق مجزا برای رسیدن به حقیقت هستند که یکدیگر را تأیید می‌کنند.
- ۴) وحی همواره احکامی دارد که عقل بتواند آن‌ها را ثابت کند.

مقدمهٔ دوم «کشتی» است؛ بنابراین شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس که همان تکرار حد وسط است را دارا نیست.

۶۹۱- گزینهٔ «۲» در گزینهٔ (۲) لفظ حد وسط در دو مقدمه عیناً تکرار نشده است؛ اما در گزینه‌های دیگر لفظ حد وسط عیناً تکرار شده است، ولی معنای حد وسط در دو مقدمه یکی نیست.

۶۹۲- گزینهٔ «۱» بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ (۲): حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد و نامعتبر است.

گزینهٔ (۳): حد وسط در هر دو مقدمه موضوع است؛ بنابراین شکل سوم است. گزینهٔ (۴): حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد و نامعتبر است.

۶۹۳- گزینهٔ «۲» سور قضایای محصوره نشان‌دهندهٔ دامنهٔ مصادیق موضوع است. (سور = کمیت) و «رابطه» (موجبه یا سالبه بودن) نشانگر دایرهٔ مصادیق محمول است. (رابطه = نسبت = کیفیت)

۶۹۴- گزینهٔ «۲» الف- حد وسط در مقدمهٔ اول محمول و در مقدمهٔ دوم موضوع است. ← شکل اول

ب- حد وسط در هر دو مقدمه موضوع است. ← شکل سوم

پ- حد وسط در مقدمهٔ اول موضوع و در مقدمهٔ دوم محمول است. ← شکل چهارم

۶۹۵- گزینهٔ «۳» در قضایای سالبه همهٔ مصادیق محمول و در قضایای موجبه برخی از مصادیق محمول مورد نظر گوینده است.

۶۹۶- گزینهٔ «۱» زمانی که قضیه سالبه است، یعنی محمول دارای علامت مثبت است و همهٔ مصادیق محمول مورد نظر است (کلیه یا جزئی بودن ارتباطی به علامت محمول ندارد).

- زمانی که قضیه کلیه است، یعنی موضوع دارای علامت مثبت است و همهٔ مصادیق موضوع مورد نظر است. در قضایای شخصیبه نیز موضوع علامت مثبت دارد.

- در قضایای سالبهٔ کلیه (هیچ الف ب نیست) و قضایای شخصیبهٔ سالبه، مانند: «سعدی شاعر قرن ۵ نیست»، موضوع و محمول دارای علامت مثبت هستند.

۶۹۷- گزینهٔ «۱» نحوهٔ تشخیص دادن دامنهٔ مصادیق موضوع و محمول اساس تعیین اعتبار یک قیاس‌اند.

۶۹۸- گزینهٔ «۳» بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): هر الف ب است. باید تبدیل شود به ب/

گزینهٔ (۲): بعضی ت د است. باید تبدیل شود به د/ گزینهٔ (۴): بعضی غیر ب غیر الف نیست. باید تبدیل شود به غیر الف

۶۹۹- گزینهٔ «۱» در قضایای شخصیبه همانند قضایای کلی همهٔ مصادیق موضوع مورد نظر هستند؛ و محمول قضایای شخصیبه از نظر دامنهٔ مصادیق از قانون محمول قضایای محصوره تبعیت می‌کند.

۷۰۰- گزینهٔ «۳» علامت‌های صحیح هر یک از گزینه‌ها به صورت زیر است:

گزینهٔ (۱): بسیاری الف ج نیست. - برخی غیر ج ب است. (در این گزینه علامت غیر «ج» درست ذکر شده است).

گزینهٔ (۲) اکثر ب ج است. - هیچ الف ب نیست. (در این گزینه علامت «ب» در هر دو قضیه به درستی ذکر شده است).

گزینهٔ (۳) هر ب د است. - تعدادی ج د است.

۶۸۰- گزینهٔ «۴» در قیاس اقترانی اجزای نتیجه در میان مقدمات پخش شده است. قیاس اقترانی بر دو قسم اقترانی حملی و شرطی تقسیم می‌شود.

۶۸۱- گزینهٔ «۱» در قیاس اقترانی لازم است موضوع یا محمول یک مقدمه قرین موضوع یا محمول دیگری باشد (یعنی وجود حد وسط) به همین دلیل (علت نام‌گذاری) به این نوع از قیاس، «قیاس اقترانی» می‌گویند.

۶۸۲- گزینهٔ «۴» جزء مشترک دو مقدمه که در نتیجه حذف می‌گردد را «حد وسط» می‌گویند.

۶۸۳- گزینهٔ «۳» براساس جایگاه حد وسط (موضوع یا محمول بودن حد وسط در دو مقدمه) چهار شکل قیاس اقترانی تشکیل می‌شود.

۶۸۴- گزینهٔ «۴» مقدمهٔ اول ← محمول
مقدمهٔ دوم ← موضوع

حد وسط در شکل سوم در هر دو مقدمه موضوع قرار می‌گیرد.

۶۸۵- گزینهٔ «۱» حد وسط در شکل دوم در هر دو مقدمه محمول و در شکل سوم در هر دو مقدمه موضوع است.

۶۸۶- گزینهٔ «۳» الف- محمول مقدمهٔ اول «دارای استعداد» و محمول مقدمهٔ دوم «یک استعداد» است بنابراین تکرار حد وسط صورت نگرفته است.

ب- محمول مقدمهٔ اول «از شیر» و موضوع مقدمهٔ دوم «شیر» است بنابراین تکرار حد وسط صورت نگرفته است.

پ- منظور از «حیوان» در مقدمهٔ دوم لفظ حیوان است بنابراین حیوان در دو مقدمه اشتراک معنایی ندارد و مغالطهٔ عدم تکرار حد وسط رخ داده است.

ت- نوشت‌افزار» در این دو مقدمه حد وسط است و مغالطهٔ عدم اشتراک حد وسط رخ نداده است.

۶۸۷- گزینهٔ «۴» شرط اول برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، تکرار حد وسط (به صورت لفظی و معنایی) است تا دو مقدمه با یکدیگر ارتباط پیدا کنند.

۶۸۸- گزینهٔ «۴» شرط اول برای نتیجه‌گیری از قیاس ← تکرار لفظی و معنایی حد وسط

عدم رعایت قانون نتیجهٔ قیاس ← نامعتبر بودن قیاس

۶۸۹- گزینهٔ «۳» در صورتی که از قیاسی که حد وسط در آن تکرار نشده (لفظی یا معنایی)، نتیجه‌گیری شود دچار مغالطهٔ «عدم تکرار حد وسط» می‌شویم.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینهٔ (۱): این عبارت صحیح اما کامل‌ترین تعریف برای این مغالطه نیست؛ زیرا تنها به عدم تکرار حد وسط به صورت لفظی توجه شده است. / گزینهٔ (۲): هیچ ارتباطی با این مغالطه ندارد. / گزینهٔ (۴):

این عبارت نیز صحیح است؛ اما تنها به عدم تکرار لفظی حد وسط توجه شده و عدم تکرار معنایی حد وسط مورد توجه قرار نگرفته است.

۶۹۰- گزینهٔ «۲» استدلال ذکرشده دارای حد وسط یکسان در دو مقدمه نیست؛ زیرا محمول در مقدمهٔ اول «در کشتی» است و در

در این گزینه همه علامت‌ها اشتباه تعیین شده و پاسخ تست همین گزینه خواهد بود.)

گزینه (۴) هیچ الف ب نیست. - برخی ج د نیست.

در این گزینه علامت «د» درست ذکر شده است.)

۷۰۱- گزینه «۳» **سور قضایای کلی** مشخص می‌کند که همه **مصادیق موضوع** مورد نظر گوینده است. سور قضایای جزئی مشخص می‌کند که **برخی از مصادیق موضوع** مورد نظر گوینده است.

سالبه بودن نشان می‌دهد همه مصادیق محمول مورد نظر گوینده است و موجب بودن نشان می‌دهد برخی از مصادیق محمول مورد نظر گوینده است.

۷۰۲- گزینه «۴» سه شرط برای قیاس معتبر وجود دارد.

۱) هر دو مقدمه سالبه نباشد (حداقل یک مقدمه موجب باشد).

۲) حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد (حداقل حد وسط در یک مقدمه علامت مثبت داشته باشد).

۳) هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشته باشند، باید در مقدمات نیز علامت مثبت داشته باشند.

۷۰۳- گزینه «۲» **بررسی گزینه‌ها:** گزینه (۱): بعضی الف ب است. / هیچ ج الف نیست. / گزینه (۲): هیچ الف ب نیست. / برخی د الف نیست. / گزینه (۳): برخی غیر ج الف است. / هیچ الف ج نیست. / گزینه (۴): هر الف ب است. / هر ب الف است.

۷۰۴- گزینه «۳» زمانی که موضوع و محمول قضیه‌ای دارای علامت مثبت هستند؛ یعنی قضیه سالبه کلیه است و عکس مستوی سالبه کلیه به همان صورت سالبه کلیه است؛ بنابراین موضوع و محمول باز هم علامت مثبت دارند.

۷۰۵- گزینه «۱» در قضایای شخصی همه مصادیق موضوع (که یکی بیشتر نیست) در بر گرفته می‌شود؛ یعنی علامت (+) و دامنه مصادیق محمول نیز اگر موجب باشد، برخی را در بر می‌گیرد و علامت منفی (-) دارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۲): اکثر مردم تلاشگر نیستند. / گزینه (۳): ایران کشور پهناوری است. / گزینه (۴): فلز در اثر حرارت منبسط می‌شود.

۷۰۶- گزینه «۳» در قضایای شخصی همه مصادیق موضوع (که یک فرد مشخص است) مورد نظر هستند؛ لذا همواره برای موضوع قضایای شخصی از علامت مثبت (+) استفاده می‌کنیم.

۷۰۷- گزینه «۳» یکی از شرایط اعتبار قیاس آن است که حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد؛ یعنی حداقل در یکی از مقدمات علامت مثبت داشته باشد نه این که حد وسط در هر دو مقدمه علامت مثبت داشته باشد.

۷۰۸- گزینه «۱» تنها گزینه‌ای که تمام علامت‌های موضوع و محمول آن مثبت (+) خواهد بود؛ یعنی همه مصادیق را در بر می‌گیرد گزینه (۱) است.

سالبه بودن و سور کلی داشتن نشانه در بر گرفتن همه مصادیق محمول و موضوع است. سقراط معلم اول نیست. / هیچ انسانی غیرمتفکر نیست.

۷۰۹- گزینه «۴» قضیه شخصی اگر سالبه باشد تمام مصادیق موضوع و محمول مورد نظر گوینده است. مانند: سعدی فوتبالیست نیست و هم چنین در قضیه سالبه کلی نیز تمام مصادیق موضوع و محمول مورد نظر گوینده است مانند: هیچ انسانی غیرمتفکر نیست و قضایای موجبه جزئی برخی مصادیق موضوع و برخی مصادیق محمول را در بر می‌گیرد مانند: «بعضی الف ب است.»

۷۱۰- گزینه «۱» براساس قانون نتیجه قیاس، قیاسی که یک مقدمه آن موجبه و یکی سالبه باشد، نتیجه‌اش نیز سالبه خواهد بود (رد گزینه‌های (۲) و (۳)).

مقدمه اول مقدمه‌ای است که موضوع نتیجه در آن است (هیچ غیر ب الف نیست). و مقدمه دوم، مقدمه‌ای است که محمول نتیجه در آن است (هر ج غیر ب است). بنابراین حد وسط در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم محمول است و شکل چهارم محسوب می‌شود (رد سایر گزینه‌ها).

۷۱۱- گزینه «۳» طبق قانون نتیجه‌گیری قیاس اگر یک مقدمه سالبه باشد، نتیجه نیز سالبه است، اما اگر هر دو مقدمه موجبه باشد، نتیجه نیز موجبه است.

۷۱۲- گزینه «۲» وقتی نتیجه موجبه جزئی است؛ یعنی موضوع و محمول نتیجه علامت منفی دارد و نیاز به بررسی علامت آن‌ها در مقدمات نیست و قطعاً عدم رعایت شرط سوم اعتبار صورت نگرفته است. موارد مذکور در گزینه‌های (۳) و (۴) ممکن است، اما قطعی نیست؛ ولی مطلب ذکر شده در گزینه (۱) قطعی است، زیرا تنها زمانی که دو مقدمه موجبه باشد، نتیجه نیز موجبه خواهد بود.

۷۱۳- گزینه «۳» **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): هر دو مقدمه سالبه است. ← معتبر نیست. / گزینه (۲): هر دو مقدمه سالبه است. ← معتبر نیست. / گزینه (۴): حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد. ← معتبر نیست.

۷۱۴- گزینه «۳» در گزینه (۳) علت عدم اعتبار قیاس این است که محمول نتیجه (ج) در نتیجه دارای علامت مثبت است؛ اما در مقدمات دارای علامت منفی است، اما در سه گزینه دیگر علت عدم اعتبار قیاس این است که حد وسط در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است.

۷۱۵- گزینه «۴» اگر هر دو مقدمه قیاس سالبه باشد آن قیاس معتبر نیست؛ زیرا شرط اول معتبر بودن قیاس این است که حداقل یکی از دو مقدمه موجبه باشد.

۷۱۶- گزینه «۴» در سه گزینه اول تمامی سه شرط معتبر بودن برقرار است؛ اما در گزینه (۴) شرط دوم اعتبار قیاس یعنی مثبت بودن حد وسط در حداقل یک مقدمه رعایت نشده و حد وسط در هر دو مقدمه منفی است. هر ب الف است. / بعضی الف ج نیست. ← بعضی ب ج نیست.

۷۱۷- گزینه «۴» شرط دوم اعتبار قیاس این است که حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد؛ بنابراین در شکل سوم حد وسط، که در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم نیز موضوع است نباید در هر دو مقدمه دارای علامت منفی باشد.

۷۱۸- گزینه «۲» شرط دوم اعتبار قیاس، این است که حد وسط در هر دو مقدمه برخی از مصادیق را در بر نگیرد. (حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد).

حد وسط در شکل دوم قیاس اقترانی، محمول مقدمه اول و محمول مقدمه دوم است.

۷۱۹- گزینه «۳» شرط سوم اعتبار یک قیاس این است که هر کدام از موضوع یا محمول که در نتیجه علامت مثبت داشته باشند، در مقدمات نیز باید علامت مثبت داشته باشند. حال اگر «هیچ الف ج نیست» نتیجه یک قیاس باشد باید (الف) و (ج) در هر دو مقدمه‌ای که آمده‌اند دارای علامت مثبت باشد، که این شرایط تنها در گزینه (۳) رعایت شده است. ← هیچ الف ب نیست. / هر ج ب است.

۷۲۰- گزینه «۳» الف- حد وسط در این قیاس «دارای چهار پا» می‌باشد که در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است و در نتیجه قیاس نامعتبر است. ب- به دلیل سالبه بودن هر دو مقدمه، قیاس معتبر نیست.

۷۲۱- گزینه «۴» یکی از مقدمات سالبه است بنابراین نتیجه سالبه خواهد بود (رد گزینه (۳)). حد وسط در هر دو مقدمه محمول است بنابراین شکل دوم قیاس اقترانی است (رد گزینه (۱)) از طرف دیگر موضوع مقدمه دوم (حیوان)، علامت منفی دارد بنابراین نباید در نتیجه علامت مثبت داشته باشد (رد گزینه (۲)). برخی حیوان‌ها ناطق نیستند - هر انسانی ناطق است. ← برخی حیوان‌ها انسان نیستند.

۷۲۲- گزینه «۴» تنها زمانی که علامت موضوع و محمول در نتیجه مثبت باشد، باید علامت آن‌ها در مقدمات نیز مثبت باشد نه این که در همه حالات علامت موضوع و محمول نتیجه با مقدمات یکسان باشد.

۷۲۳- گزینه «۱» «هیچ نشخوارکننده‌ای گوشت‌خوار نیست.» «بعضی فیلسوفان دیوانه هستند.» / مثبت، مثبت، منفی، منفی

۷۲۴- گزینه «۲» بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): حد وسط در شکل چهارم، در مقدمه اول موضوع است. / گزینه (۳): قیاس شکل اول تنها با تغییر جای مقدمات، تبدیل به شکل چهارم نمی‌شود بلکه نتیجه نیز دستخوش تغییر می‌گردد. / گزینه (۴): شرط اول معتبر بودن قیاس این است که حداقل یکی از دو مقدمه سالبه باشد.

۷۲۵- گزینه «۴» قیاس ذکر شده معتبر نیست؛ زیرا شرط سوم اعتبار را ندارد؛ یعنی در حالی که (ج) در نتیجه علامت مثبت دارد؛ در مقدمه علامت منفی دارد و دو شرط دیگر اعتبار قیاس در این جا رعایت شده است.

۷۲۶- گزینه «۴» شکل دوم است؛ زیرا حد وسط در هر دو مقدمه محمول است و معتبر است؛ زیرا سه شرط اعتبار قیاس وجود دارد.

۷۲۷- گزینه «۲» اگر یکی از مقدمات قیاس اقترانی سالبه باشد، نتیجه نیز از آن تبعیت می‌کند و نتیجه نیز سالبه است.

۷۲۸- گزینه «۳» الف- همه شرایط اعتبار را دارد و معتبر است. ب- «د» در نتیجه علامت مثبت دارد، اما در مقدمات علامت منفی دارد بنابراین شرط سوم اعتبار را ندارد و نامعتبر است.

پ- حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد و قیاس نامعتبر است. ت- یکی از مقدمات سالبه است، اما نتیجه سالبه آمده است، بنابراین از قانون نتیجه قیاس پیروی نکرده و نامعتبر است.

۷۲۹- گزینه «۲» علامت مثبت داشتن محمول در یکی از مقدمات بدین معناست که یکی از مقدمات سالبه است و طبق قانون نتیجه قیاس اگر یک مقدمه سالبه باشد، نتیجه نیز سالبه است و محمولش دارای علامت مثبت است.

۷۳۰- گزینه «۳» بررسی گزینه‌ها: گزینه (۱): هر دو مقدمه قیاس نمی‌توانند سالبه باشند؛ یعنی محمول هر دو مقدمه نمی‌تواند علامت مثبت داشته باشد. / گزینه (۲): اگر یکی از مقدمات سالبه باشد (محمول دارای علامت مثبت)، نتیجه نیز سالبه است (محمول نتیجه نیز دارای علامت مثبت است). / گزینه (۳): این که حد وسط در یک مقدمه علامت مثبت داشته باشد و در یک مقدمه علامت منفی، ایرادی در اعتبار قیاس ایجاد نمی‌کند. / گزینه (۴): در شکل اول، سالبه بودن مقدمه اول و جزئی بودن مقدمه دوم، بدین معناست که حد وسط در هر دو مقدمه دارای علامت منفی است، بنابراین قیاس معتبر نمی‌باشد.

۷۳۱- گزینه «۲» بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): این مقدمه با مقدمه صورت سؤال هر دو سالبه‌اند. / گزینه (۳): این مقدمه نیز با مقدمه صورت سؤال هر دو سالبه‌اند. / گزینه (۴): (ج) در نتیجه علامت مثبت دارد، اما در این مقدمه علامت منفی دارد.

۷۳۲- گزینه «۳» «سلمان فارسی» موضوع این قضیه است که جزئی است، بنابراین قضیه شخصی محسوب می‌شود و موضوع قضایای شخصی دارای علامت مثبت است و از آن جایی که قضیه سالبه است محمول دارای علامت منفی است.

۷۳۳- گزینه «۳» «هیچ الف ب نیست.» متضاد ← هر الف ب است.

۷۳۴- گزینه «۳» تکرار حد وسط که شرط اول برای نتیجه‌گیری یک قیاس است بدین معناست که حد وسط باید در دو مقدمه به صورت لفظی و معنایی مشترک باشد، اما وقتی حد وسط مشترک لفظی است، یعنی تکرار معنایی حد وسط صورت نگرفته است.

۷۳۵- گزینه «۴» متداخل قضیه سالبه کلی، موجب جزئی است که موضوعش دارای علامت منفی و محمولش نیز دارای علامت منفی است. هر الف ب است. متداخل ← بعضی الف ب است.

۷۳۶- گزینه «۲» موجب کلی ← عکس مستوی ← موجب جزئی

سالبه کلی ← عکس مستوی ← سالبه کلی در موجب جزئی، علامت موضوع منفی است، و در سالبه کلی علامت موضوع مثبت است (علامت منفی یعنی برخی مصادیق را در بر گیرد و مثبت یعنی همه مصادیق را در بر گیرد).

۷۳۷- گزینه «۳» قضیه هیچ ج الف نیست (کاذب) را متناقض می‌نماییم تا قضیه‌ای صادق به دست آوریم.

هیچ ج الف نیست (کاذب) ← تناقض ← بعضی ج الف است (صادق). حال با دو قضیه صادق یک قیاس اقترانی بدین صورت ساخته می‌شود:

بعضی ج الف است.
هر الف ب است.

∴ بعضی ج ب است.

از آن جایی که دو مقدمه سالبه است، نتیجه نیز باید سالبه باشد و به دلیل علامت منفی «ج» در مقدمات، در نتیجه نیز باید علامت منفی داشته باشد تا قیاس معتبر باشد.

۷۳۸- گزینه «۲» با این دو قضیه یک قیاس اقترانی بدین صورت ساخته می‌شود:

هر ج ب است.

هیچ غیر الف ب نیست.

∴ هیچ ج غیر الف نیست.

البته «بعضی ج غیر الف نیست» نیز صادق می‌باشد، اما در گزینه‌ها وجود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها: موضوع نتیجه «الف» آمده در حالی که آن چه در یکی از مقدمات آمده است «غیر الف» است (رد گزینه (۱)).

چون یکی از مقدمات سالبه است، نتیجه نیز باید سالبه باشد (رد گزینه‌های (۳) و (۴)).

۲۲۹۴- گزینه «۲» کم‌تر شخصیتی در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنیم که در بزرگداشت عقل سخن نگفته باشد یا با عقل ستیز کرده باشد؛ پس ما جریان عقل‌ستیزی نداشته‌ایم.

۲۲۹۵- گزینه «۳» جریان‌هایی که شکل مقابله‌کردن آن‌ها با عقل تنگ‌کردن محدوده اعتبار عقل بوده است، می‌کوشیدند نشان دهند که برخی روش‌های عقلی در مسائل دینی کاربرد ندارد.

۲۲۹۶- گزینه «۲» ایراد این گزینه، لغت «هیچ» است؛ زیرا چنین جریان‌هایی تنها با کاربرد برخی روش‌های عقلی در مسائل دینی مشکل داشتند.

۲۲۹۷- گزینه «۲» «مзда» که نام خدای جهان‌آفرین است، با خرد و اندیشه، جان‌ها و جهانیان و خرد انسان‌ها را آفریده است.

۲۲۹۸- گزینه «۲» یکی از عوامل مهم توجه به عقل، پیام الهی، سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت گرامی ایشان علیهم السلام بود، از این رو کم‌تر شخصیتی را در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنیم که در بزرگداشت عقل سخن نگفته باشد.

۲۲۹۹- گزینه «۴» جایگاه ممتاز و ویژه عقل سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه‌های مختلف شده است. گزینه (۱): این گزینه هم سبب همین امر است، ولی با واسطه؛ یعنی این مسئله سبب پیداشدن جایگاه ویژه برای عقل شد و جایگاه عقل هم سبب حرکت علمی.

۲۳۰۰- گزینه «۲» مخالفت برخی جریان‌های فکری با عقل در شکل‌های مختلف ظهور کرد که دو شکل عمده آن عبارت‌اند از:

۱ مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی (در واقع در این مورد ایراد به منبع اخذ علم است).

۲۳۰۱- گزینه «۳» بررسی سایرگزینیه‌ها: گزینه (۱): از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون، همواره بوده‌اند. / گزینه (۲): مخالفت با عقل در فضای اسلامی نحوه‌های مختلفی داشته که دو نحوه آن عمده بوده است. / گزینه (۴): اتفاقاً برخی صرفاً با فلسفه و منبع آن مشکل داشتند نه با خود عقل.

۲۳۰۲- گزینه «۲»

دلایل مخالفین فلسفه در محیط اسلامی

۱ ورود فلسفه از یونان
۲ دربردارنده عقاید فلاسفه یونان بودن
۳ عدم سازگاری با عقاید اسلامی

۲۳۰۳- گزینه «۴» بررسی سایرگزینیه‌ها: گزینه (۱): سرزمین ایران در عهد پیش از باستان یکی از کانون‌های اولیه عقل‌گرایی بوده است. / گزینه (۲): گزارش از سهروردی و کتاب حکمة‌الاشراقی بوده است نه ابن سینا و کتاب شفا / گزینه (۳): جایگاه عقل در تاریخ سرزمین ایران همیشه در حال پیشرفت نبوده بلکه در دوره‌هایی همچون ساسانیان به خصوص اواخرش، از عقل‌گرایی و خردورزی کاسته شد.

۲۳۰۴- گزینه «۴» در بیت ذکرشده در گزینه (۴)، از عقل به عنوان اولین مخلوق یاد شده است که از نظر فارابی و ابن سینا اولین مخلوق خدا عقل اول است که یکی از عقول (به عنوان موجودهای برتر از ماده) محسوب می‌شود. در سه گزینه دیگر عقل به معنای دستگاه تفکر انسان که استدلال می‌کند، به کار رفته است.

نکته: هرگاه در اشعار از تقابل میان عقل و عشق (دل) سخن به میان آید، منظور از عقل، دستگاه تفکر است؛ مانند گزینه‌های (۲) و (۳).

۲۳۰۵- گزینه «۳» بررسی سایرگزینیه‌ها: گزینه (۱): اولاً فیلسوفان معتقدند بسیاری از نظرات آن‌ها با آموزه‌های اسلامی سازگار است، نه همه آن‌ها. ثانیاً این مطلب به عنوان دلیل اصلی ذکر نشده است. / گزینه‌های (۲) و (۴): به طور کلی نادرست‌اند و در کتاب هم به آن‌ها اشاره‌ای نشده است.

۲۳۰۶- گزینه «۳» اگر ما بپذیریم که عقل می‌تواند درباره مسائل مربوط به هستی و حقیقت اشیا بیندیشد و دانشی به ارمغان آورد، این دانش فلسفه است؛ بنابراین امکان دانش فلسفه را نیز پذیرفته‌ایم.

۲۳۰۷- گزینه «۴» موارد ذکرشده در گزینه‌های (۱) تا (۳) از پاسخ‌هایی است که فلاسفه اسلامی در پاسخ مخالفین ذکر کرده‌اند، اما در مورد گزینه (۴) دو نکته وجود دارد:

۱ سازگاری نظرات فلاسفه با آموزه‌های دینی که در کتاب مطرح شده است، با انطباق این آراء با آموزه‌های دینی متفاوت است. انطباق به معنای یکسانی است و سازگاری به معنای ضدیت‌نداشتن است.

۲ سازگاری نیز درباره برخی از آرای این فیلسوفان مطرح بوده است، نه همه آن‌ها.

۲۳۰۸- گزینه «۳» یکی از شکل‌های مخالفت با عقل در جهان اسلام، مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیراسلامی است. در واقع دلیل مخالفت مربوط بودن به جغرافیایی غیر از محدوده جهان اسلام است. در استدلال گزینه (۳) نیز دلیل رد یک دیدگاه غربی بودن آن ذکر شده است و نحوه این دو استدلال معادل یکدیگر به حساب می‌آید.

بررسی سایرگزینیه‌ها: گزینه‌های (۱) و (۴): در جریان‌های اسلامی که مخالفت‌هایی با عقل داشته‌اند، بحث عقل به عنوان موجود متعالی مطرح نیست. / گزینه (۲): این دیدگاه در بالابردن جایگاه عقل مطرح می‌شود، نه در تضعیف آن.

۲۳۰۹- گزینه «۴» حکیمان پیش از باستان و قدیم ایران هم از عقل به عنوان یک وجود برتر و متعالی آگاه بودند. (رد گزینه (۳) و خدا را عقل می‌نامیدند. (در گزینه (۱) برعکس ذکر شده است.) و هم به عقل به عنوان دستگاه تعقل و تفکر و خردورزی اهمیت می‌دادند. به مطلب گزینه (۲) اصلاً اشاره‌ای نشده است.

۲۳۱۰- گزینه «۲» این عبارت بیان می‌کند که ملاک ما برای پذیرش یک مطلب، تنها یک امر است و آن هم دلیل و حجت است.

۲۳۱۱- گزینه «۲» عقلی که در انسان است (عقل به عنوان قوه استدلال) پرتوی از همان عالم عقول (عقل به عنوان وجودی برتر) است؛ بنابراین این دو یکی نیستند (رد گزینه (۱)) و نسبتی با یکدیگر دارند (رد گزینه (۳)) و معنای دوم (عقل به عنوان قوه استدلال) است که قوه‌ای در اختیار انسان است (رد گزینه (۴)).

۲۳۱۲- گزینه «۱» عقل فعال، تفکر استدلالی را برای انسان ممکن می‌کند و آفتاب، دیدن را برای چشم ممکن می‌سازد و همین فراهم کردن امکان فعالیت، باعث چنین تشبیهی شده است.

۲۳۱۳- گزینه «۲» اولین مخلوقات، عقول هستند که کاملاً غیرمادی‌اند. بررسی سایرگزینیه‌ها: گزینه (۱): فیلسوفان، عقول، یعنی مرتبه‌ای از موجودات ماوراءالطبیعه را اثبات کرده‌اند، نه فرض. / گزینه (۳): عقل از موجودات عالم طبیعت نیست. / گزینه (۴): هیچ‌یک از عقول از عالم طبیعت نیست.

۲۳۱۴- گزینه «۲» فعالیت عقلی توسط عقل فعال ممکن می‌شود؛ یعنی وجود بالقوه می‌یابد، اما از سوی انسان وجود بالفعل می‌یابد و به ادراک حقایق نائل می‌شود.

گزینه (۴): استفاده از عقل برای انسان ممکن می‌شود، نه از سوی انسان. ۲۳۱۵- گزینه «۳» عبارت کتاب که می‌گوید: «این موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت‌اند و فیض خداوند از طریق آن‌ها به عوالم دیگر می‌رسد، عالم عقول را تشکیل می‌دهند.» نشان می‌دهد به غیر از عالم طبیعت و عالم عقول عوالم دیگری نیز وجود دارد.

۲۳۱۶- گزینه «۳» عقلی که در انسان‌ها وجود دارد پرتوی از عقل فعال است نه برعکس.

۲۳۱۷- گزینه «۴» بیت به دو مطلب اشاره می‌کند: ۱ علاوه بر عقل ابزاری (قوه استدلال)، عقول مجردی هم وجود دارند. ۲ این عقول اداره‌کننده و فیض‌رسان به مخلوقات‌اند.

بررسی سایرگزینیه‌ها: گزینه (۱): آن‌چه بیان شده صحیح است، اما مطلب مورد اشاره این بیت نیست. / گزینه (۲): اولاً عقول مجرد، خود، از طریق علم حضوری شناخت دارند، نه قوه استدلالی. ثانیاً پیام بیت، این نیست. / گزینه (۳): این گزینه صحیح است، اما در این بیت تأکید بر این است که علاوه بر قوه استدلال (عقل ابزاری)، عقول هستند، نه آن‌که علاوه بر یک عقل مجرد، عقول هستند.

۲۳۱۸- گزینه «۲» بررسی سایرگزینیه‌ها: گزینه (۱): عقلی که در انسان است، اگر تربیت شود و رشد کند می‌تواند حقایقی همچون عقول را درک کند. / گزینه (۳): قوه استدلال است، اما می‌تواند به علم حضوری نیز برسد. / گزینه (۴): عقل انسانی هیچ‌گاه قوه استدلال را از دست نمی‌دهد.

۲۳۱۹- **گزینه ۴** عقول دارای مراتبی هستند که هر مرتبه، مرتبه بعدی را به وجود می‌آورد؛ بنابراین اولین مخلوق بالاترین درجه را در میان عقول خواهد داشت.

۲۳۲۰- **گزینه ۱** ابزار معرفت عبارت‌اند از: عقل، حس و قلب (وحی هم ابزار مختص انبیاست) و آیات و روایات از منابع معرفت دینی هستند نه ابزار معرفت.

۲۳۲۱- **گزینه ۲** فیلسوفان مسلمان را نمی‌توان به دو گروه عقل‌گرا و تجربه‌گرا تقسیم نمود نه آن‌که فیلسوفان را به طور کلی نشود به این دو گروه تقسیم کرد.

۲۳۲۲- **گزینه ۳** عقل هیولانی = عقل بالقوه ← (رد گزینه‌های (۱) و (۲))

عقل هیولانی (عقل بالقوه) ← عقل بالملکه ← عقل بالفعل ← عقل بالمستفاد

ویژگی‌های خاص مرحله آخر رشد عقل (عقل بالمستفاد) ← تسلط بر دانش‌هایی که کسب شده است.

شکوفاشدن عقل ← در مرحله سوم، یعنی عقل بالفعل اتفاق می‌افتد. (رد گزینه (۲))

درک مفاهیم و قضایای بدیهی ← در مرحله دوم، یعنی عقل بالملکه اتفاق می‌افتد. (رد گزینه (۴))

۲۳۲۳- **گزینه ۲** فلاسفه مسلمان می‌گویند «ما فرزندان دلیل هستیم» و هر نظر و هر مکتب و آیینی را که دلایل استوار عقلی داشته باشد، می‌پذیریم.

۲۳۲۴- **گزینه ۴** فارابی و ابن سینا می‌گویند عقل در هنگام تولد به صورت یک استعداد است که باید تربیت شود تا رشد کند.

نکته: استعداد = قوه = توانایی

۲۳۲۵- **گزینه ۲** مرحله بعد از عقل بالملکه، عقل بالفعل است که در این مرحله عقل به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار دانش‌هایی را کسب کرده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): مربوط به عقل هیولانی است. / گزینه (۳): مربوط به عقل بالملکه است. / گزینه (۴): مربوط به عقل بالمستفاد است.

۲۳۲۶- **گزینه ۱** ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد، هرچند این استدلال عقلی می‌تواند برای افراد با سطوح مختلف متفاوت باشد (رد گزینه‌های (۲) و (۳)). / گزینه (۴): فیلسوفان مسلمان اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی را استدلال عقلی می‌دانند.

۲۳۲۷- **گزینه ۲** اساس پذیرش عقاید استدلال عقلی است و ارزش ایمان به همین پشتوانه عقلی آن است؛ هرچند راه کسب معرفت منحصر در عقل نیست. ضمناً استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است.

۲۳۲۸- **گزینه ۳** پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است، هرچند این استدلال عقلی برای سطوح مختلف متفاوت است و حجت و دلیل هر کس به اندازه توان و قدرت فکری اوست.

۲۳۲۹- **گزینه ۴** رشد عقل چهار مرحله دارد که از عقل هیولانی آغاز می‌شود.

۲۳۳۰- **گزینه ۳** مرحله بهره‌بردن از همه دانش‌های کسب‌شده عقل بالمستفاد است نه عقل بالفعل.

۲۳۳۱- **گزینه ۱** اساس پذیرش هر اعتقاد دینی استدلال عقلی است، اما راه کسب معرفت به عقل منحصر نمی‌شود و حس و شهود و وحی هم معتبر هستند.

۲۳۳۲- **گزینه ۴** عالی‌ترین مرتبه شهود، وحی است.

۲۳۳۳- **گزینه ۳** عالی‌ترین مرتبه شهود، وحی است که به پیامبران اختصاص دارد و انسان‌ها نمی‌توانند به آن برسند (رد گزینه‌های (۱) و (۲)). انبیای الهی از این طریق به برترین دانش‌ها و معارف دست می‌یابند و آن دانش‌ها را در اختیار انسان‌های دیگر قرار می‌دهند و آنان با تعقل و تدبر در این دانش‌ها به معرفت و حیانی می‌رسند (رد گزینه (۴)).

۲۳۳۴- **گزینه ۴** شهود و وحی رابطه دانی و عالی یا ضعیف و قوی دارند، ولی استدلال عقلی از سنخ آنان نیست (رد گزینه‌های (۱) و (۳)). از طرفی این سه طریق، راه‌های مستقل رسیدن به حقایق هستند؛ لذا ناقد هم نیستند (رد گزینه (۲))، بلکه مؤید یکدیگرند.

۲۳۳۵- **گزینه ۱** ذهن انسان در معرض لغزش است و ممکن است در استدلال‌های خود خطا کند و نتیجه‌ای برخلاف واقعیت بگیرد (رد گزینه‌های (۲) و (۴)). / گزینه (۳): در این صورت نباید تعارض پیدا می‌کردند، زیرا اشیای شناخته‌شده آنان یکسان نبودند که در موردشان اختلاف شود.

۲۳۳۶- **گزینه ۳** در این قبیل موارد باید تلاش علمی خود را افزایش دهیم، از دانش دیگران بهره ببریم تا بتوانیم خطای خود را اصلاح نموده و از توهم و گمان تعارض میان یافته‌های عقلی و دستاوردهای و حیانی‌های یابیم.

گزینه (۴): این روش ممکن است کمک کند که مطلب حق را دریابیم، ولی تعارض مورد نظر را رفع نمی‌کند و کاهش نمی‌دهد. برای رفع تعارض باید بفهمیم کجای دلایل ما نادرست بوده است نه این‌که فقط بفهمیم نتیجه نادرست بوده است.

۲۳۳۷- **گزینه ۲** هر فرد از حقیقت اشیا به روش عقلی بحث کند، وارد فلسفه شده است نه با هر روشی (رد گزینه (۴)). ملیت و نژاد هم برای ورود به آن شرط نیست.

۲۳۳۸- **گزینه ۲** هر کس براساس توان فکری خود، استدلال عقلی متفاوتی لازم دارد.

استدلال عقلی معتبر هم برای همه کارآمد است و هم شرط لازم و کافی برای وجود پشتوانه باور است، زیرا هم وجود آن برای پشتوانه‌داشتن کافی است و هم بدون آن چنین پشتوانه‌ای حاصل نمی‌شود؛ پس لازم هم هست.

۲۳۳۹- **گزینه ۴** هیولا به معنای قوه و استعداد است و به همین دلیل است که به اولین مرحله عقل که انسان درک عقلی ندارد اما استعداد و آمادگی (قوه) درک معقولات را دارد، عقل هیولانی گفته شده است.

۲۳۴۰- **گزینه ۳** جایگاه ممتاز عقل ← حرکت عمومی علمی. هدف هر دو جریان عمده مخالف به نوعی صیانت از دین بود. یک گروه به سبب خطاپذیری برخی روش‌های عقلی، آن‌ها را در مسائل دینی غیر قابل استفاده می‌دانست و گروه دیگر به سبب ناسازگاری عقاید یونانیان با اسلام و همچنین نامسلمان بودن آنان با فلسفه مخالفت می‌کردند.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): جایگاه ممتاز عقل عبارت دیگری از موضع‌گیری مثبت شخصیت‌ها درباره عقل است نه علت آن. ضمن این‌که حرکت علمی عمومی بود و همه جریان‌ها با آن موافق بودند. / گزینه (۲): مخالف با عقل بودند نه علم. / گزینه (۴): همه با کاربرد علمی عقل موافق بودند و قائلان به تنگ‌بودن محدوده عقل، مقصودشان در مسائل دینی بود نه علم.

۲۳۴۱- **گزینه ۳** گروه اول از دو جریان عمده مخالف همین نظر را داشتند.